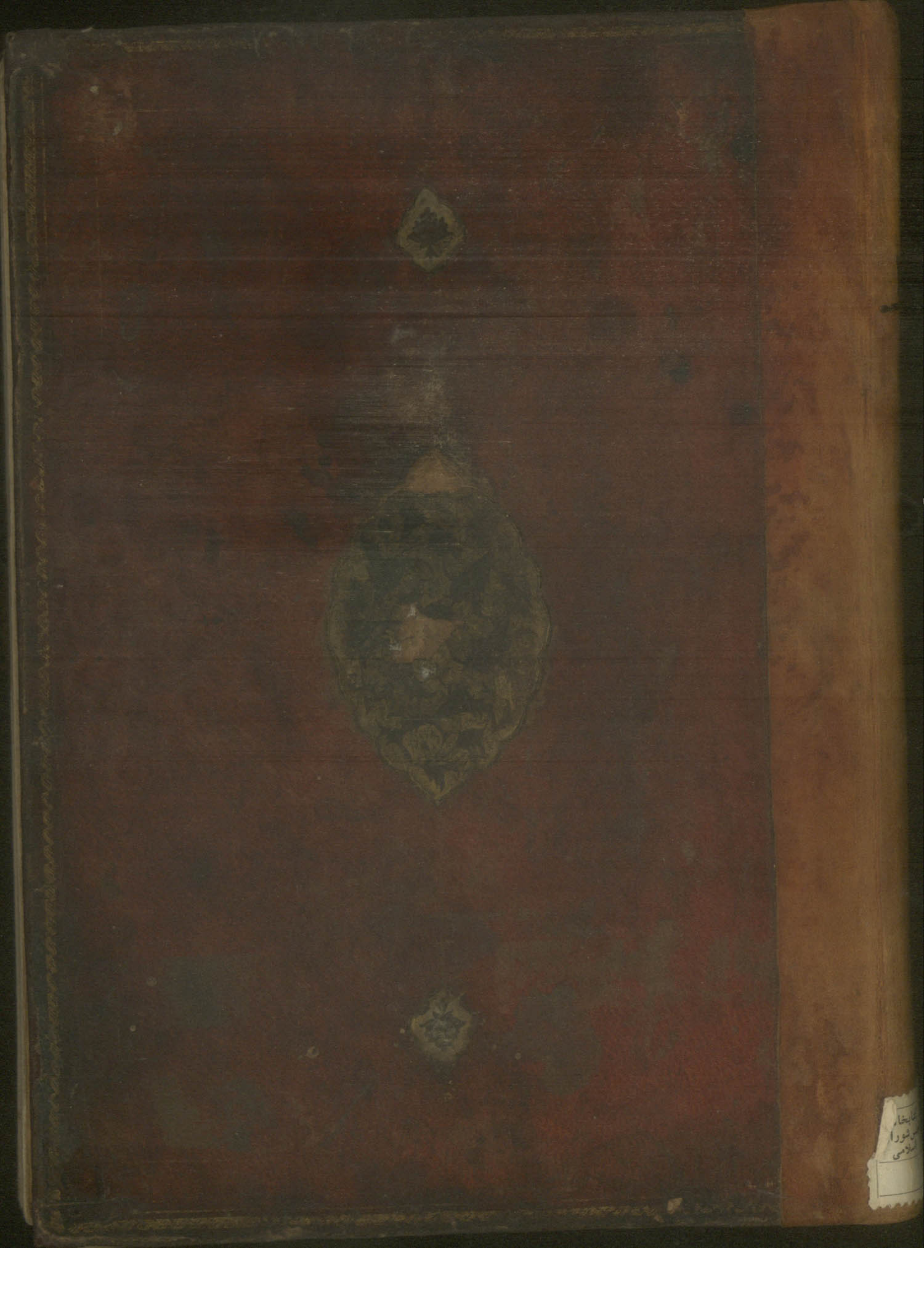


۱۲۹۷

طب مجدول

حکیم صالح بن حاجی محمدعلی

۱۰۳۵

طب مجدول

ترجمه تقویم الابدان

فارسی

حکیم صالح بن حاجی محمدعلی

سنه
۱۰۳۵

۱۲۹۷

طب مجدول

حکیم صالح بن حاجی محمدعلی

۱۰۳۵

۱۱۷۶

۱۲۹۷
۱۷۴۷۷

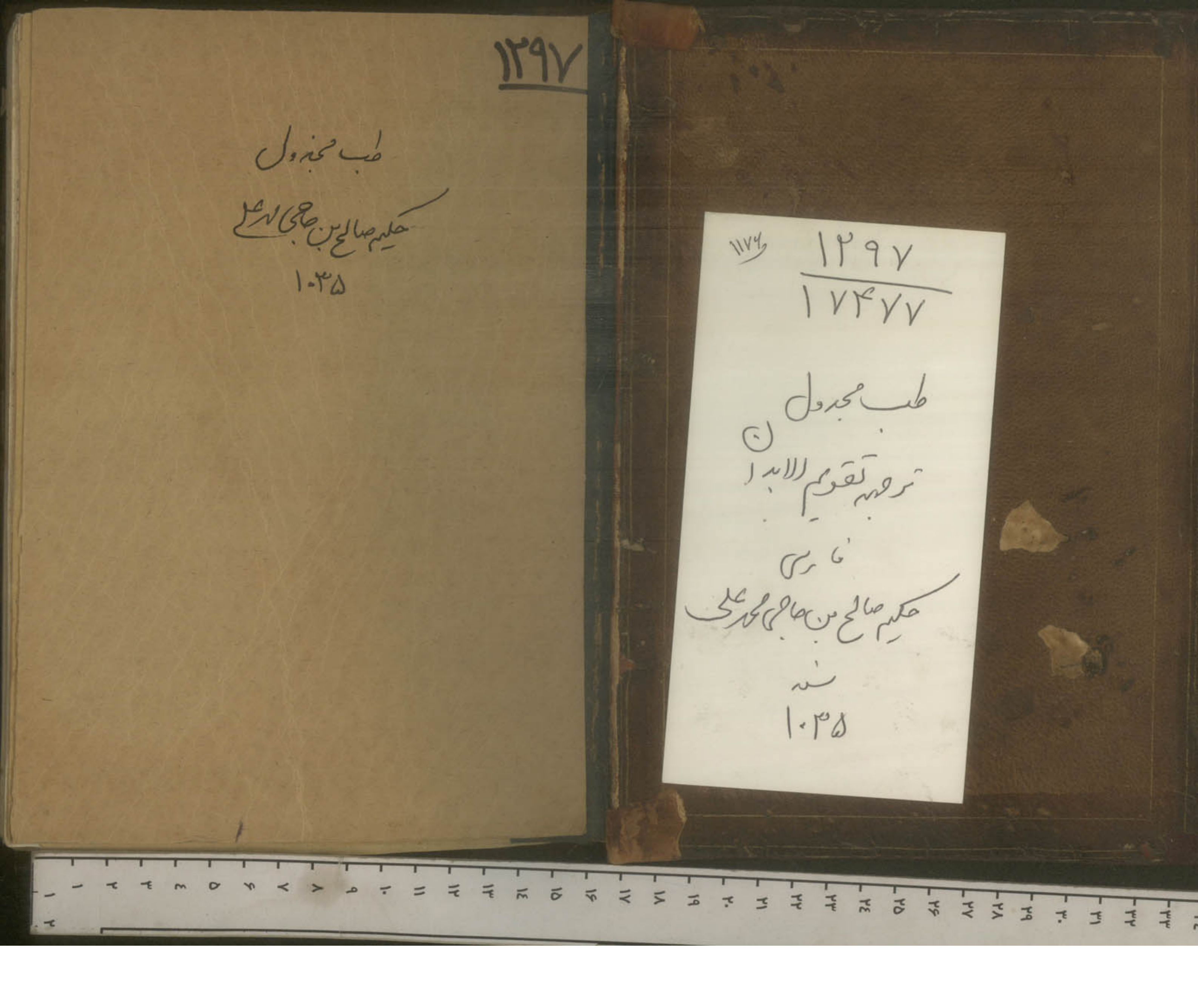
طب مجدول

ترجمه تقویم الابدان

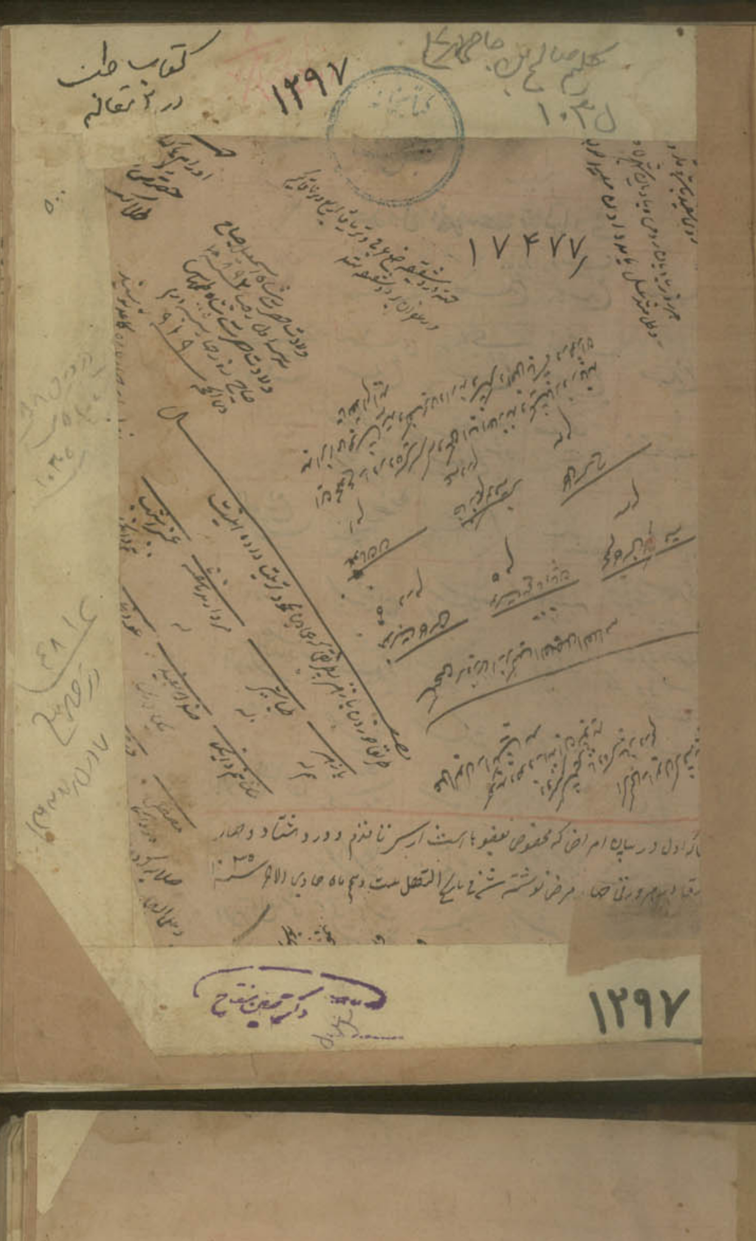
فارسی

حکیم صالح بن حاجی محمدعلی

سنه
۱۰۳۵



۱۲۹۷
طب مجدول
حکیم صالح بن حاجی محمد علی
۱۰۳۵
۱۱۷۶
۱۲۹۷
۱۷۴۷۷
طب مجدول
ترجمه تقویم الابدا
فارسی
حکیم صالح بن حاجی محمد علی
سنه
۱۰۳۵

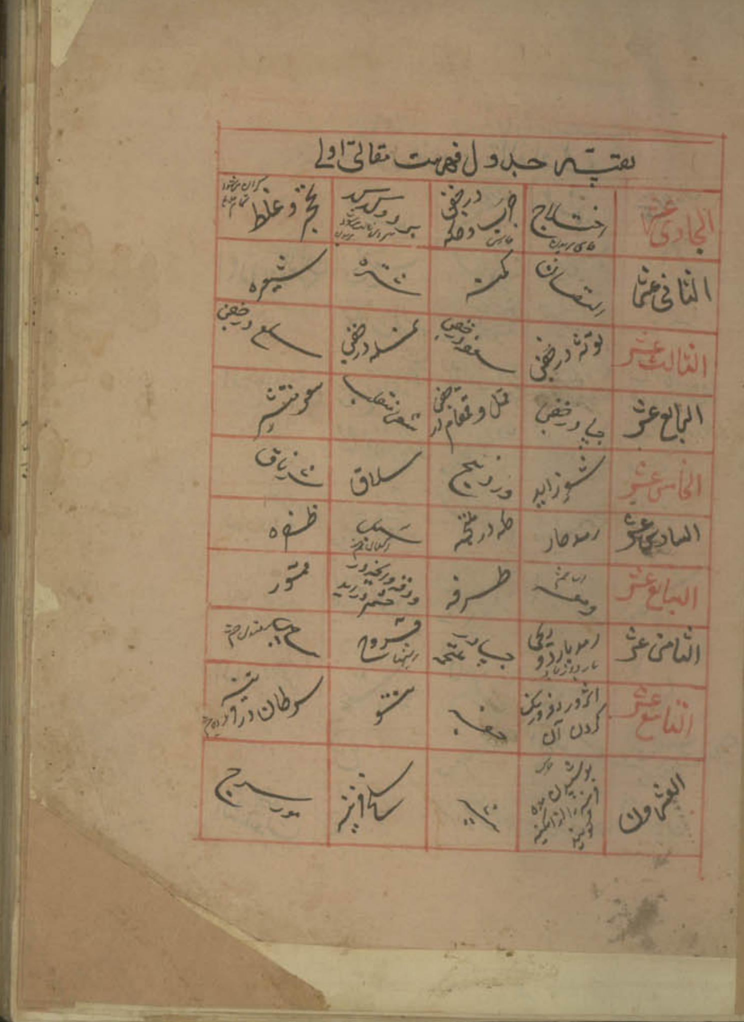






جدول فهرست مقالهٔ اولی

الورق الاول	صداع حار	صداع بارد	صداع دموی	صداع صفراوی
الورق الثانی	صداع بلغمی	صداع سوداوی	صداع بخاری	صداع [illegible]
الورق الثالث	صداعی که بسبب امری خارج عارض شده باشد	صداعی که بعد از استفراغ شود	صداعی که بمشارکت معده باشد	شقیقه
الورق الرابع	بیضه و خوذه	سرسام	[illegible]	[illegible]
الورق الخامس	نسیان	سبات	سهر	سبات سهری
الورق السادس	جمود	سدر	دوار	فساد و نقصان فکر و ذکر
الورق السابع	صرع	سکته	کابوس	مالیخولیا
الورق الثامن	[illegible]	عشق	مراقی	فالج
الورق التاسع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الورق العاشر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]



بقیهٔ جدول فهرست مقالهٔ اولی

الحادی عشر	اختلاج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الثانی عشر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الثالث عشر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الرابع عشر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الخامس عشر	[illegible]	[illegible]	سلاق	[illegible]
السادس عشر	رمد حار	[illegible]	[illegible]	ظفره
السابع عشر	[illegible]	طرفه	[illegible]	[illegible]
الثامن عشر	[illegible]	[illegible]	قروح	[illegible]
التاسع عشر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سرطان [illegible]
العشرون	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تتمهٔ جدول فهرست مقالهٔ اولی

الحادی والعشرون	غرب	سبلان	غشاوه	[illegible] الاماق
الثانی والعشرون	ضیق ثقبه	اتساع ثقبه	نزول آب	انتشار ثقبه
الثالث والعشرون	خیالات [illegible]	خیالات [illegible]	جهر	شبکره
الرابع والعشرون	وجع اذن از حرارت	وجع اذن از برودت	وجع اذن از ریاح [illegible]	وجع اذن از ریاح بارده
الخامس والعشرون	وجع اذن از جراحت	ورم حار در اذن	ورم بارد در اذن	خروج دم از اذن
السادس والعشرون	خروج [illegible] از اذن	سده از اذن	طنین	طرش
السابع والعشرون	حرارت انف و ورم حار در [illegible]	قروح [illegible]	لحم زاید در انف	نتن انف
الثامن والعشرون	رعاف	[illegible] انف	خشم	زکام
التاسع والعشرون	قلاع	ورم حار در لسان	ورم صلب در لسان	[illegible]
الثلثون	[illegible] زبان	[illegible]	تغیر ذوق [illegible]	ثقل زبان



بقیهٔ جدول فهرست مقالهٔ اولی

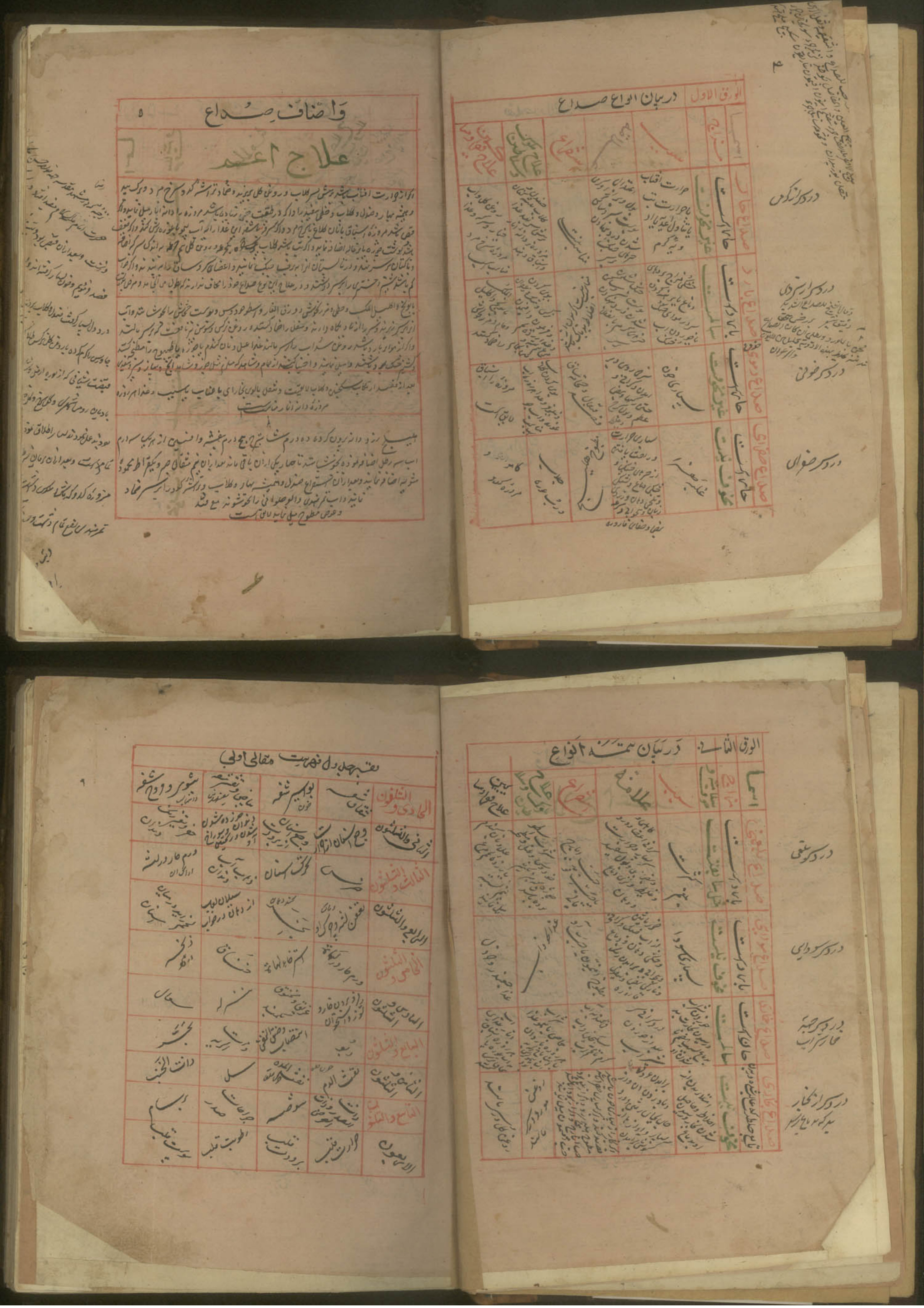
الثانی والخمسون	تشنج امتلای [illegible] معدة	[illegible]	[illegible]	اختلاج معده
الثالث والخمسون	حرارت کبد	برودت کبد	رطوبت کبد	یبوست کبد
الرابع والخمسون	ورم حار در کبد	ورم بارد در کبد	ورم صلب در کبد	نفخ در کبد
الخامس والخمسون	سده در کبد	دبیله در کبد	[illegible]	خفقه در کبد
السادس والخمسون	[illegible]	استسقاء لحمی	استسقاء زقی	استسقاء طبلی
السابع والخمسون	[illegible]	یرقان اصفر	یرقان اسود	سوء مزاج [illegible] طحال
الثامن والخمسون	سوء مزاج بارد در طحال	ورم حار در طحال	ورم بارد در طحال	نفخ در طحال
التاسع والخمسون	[illegible] طحال	زحیر	اسهال خون [illegible]	اسهال خون از جگر
الستون	[illegible]	قولنج [illegible]	[illegible]	مغص
الحادی والستون	بواسیر	نواصیر	ورم مقعد	شقاق مقعد
الثانی والستون	[illegible]	خروج مقعد	[illegible] مقعد	حکه در مقعد

بقیهٔ جدول فهرست مقالهٔ اولی

الثالث والستون	حرارت کلی	برودت کلی	هزال کلی	حصاة و رمل در کلی
الرابع والستون	ورم حار در کلی	ورم صلب در کلی	ریح در کلی	قروح کلی
الخامس والستون	[illegible] در کلی	بول الدم	بول المدة	دیابیطس
السادس والستون	ورم حار در مثانه	ورم بارد در مثانه	حصاة در مثانه	جرب در مثانه
السابع والستون	[illegible] در مثانه	ریح مثانه	وجع مثانه	قروح مثانه
الثامن والستون	عسر بول و [illegible]	تقطیر بول	[illegible]	فتق
التاسع والستون	[illegible]	ادره	قرو	ضعف [illegible] و صلابت
السبعون	[illegible]	[illegible]	ورم حار در خصیه	ورم بارد در خصیه
الحادی والسبعون	اجتماع ماء در خصیه	[illegible]	[illegible]	وجع [illegible]
الثانی والسبعون	[illegible] جماع	کثرت شهوت جماع	[illegible]	سرعت انزال
الثالث والسبعون	[illegible]	احتلام	[illegible]	[illegible]

بقیهٔ جدول فهرست مقالهٔ اولی

الرابع والسبعون	[illegible] قضیب	ورم حار در قضیب	ورم بارد در قضیب	شقاق قضیب
الخامس والسبعون	اعوجاج قضیب	سده در قضیب	[illegible]	[illegible] در رحم
السادس والسبعون	[illegible] در رحم	[illegible] در رحم	[illegible]	[illegible]
السابع والسبعون	سیلان رحم	احتناق رحم	[illegible]	ورم حار در رحم
الثامن والسبعون	ورم صلب در رحم	[illegible]	[illegible] در رحم	رجا
التاسع والسبعون	[illegible] رحم	خروج رحم	[illegible] رحم	[illegible]
الثمانون	عسر [illegible]	کثرت اسقاط [illegible]	عسر ولادت	احتباس مشیمه و [illegible]
الحادی والثمانون	[illegible]	ورم حار در ثدی	خون [illegible] در ثدی	ورم صلب در ثدی
الثانی والثمانون	عرق النسا	نقرس از حرارت	نقرس از برودت	وجع مفاصل از رطوبت
الثالث والثمانون	وجع مفاصل از حرارت	صلابت و عقده در مفاصل	[illegible]	داء الفیل
الرابع والثمانون	دوالی	[illegible]	[illegible]	انشقاق و [illegible] اصابع



الورق الاول — دربیان انواع صداع

درد سر از گرمی

درد سر از سردی

درد سر خونی

درد سر صفراوی

و اصناف صداع

علاج اعظم

الورق الثانی — دربیان تتمه انواع

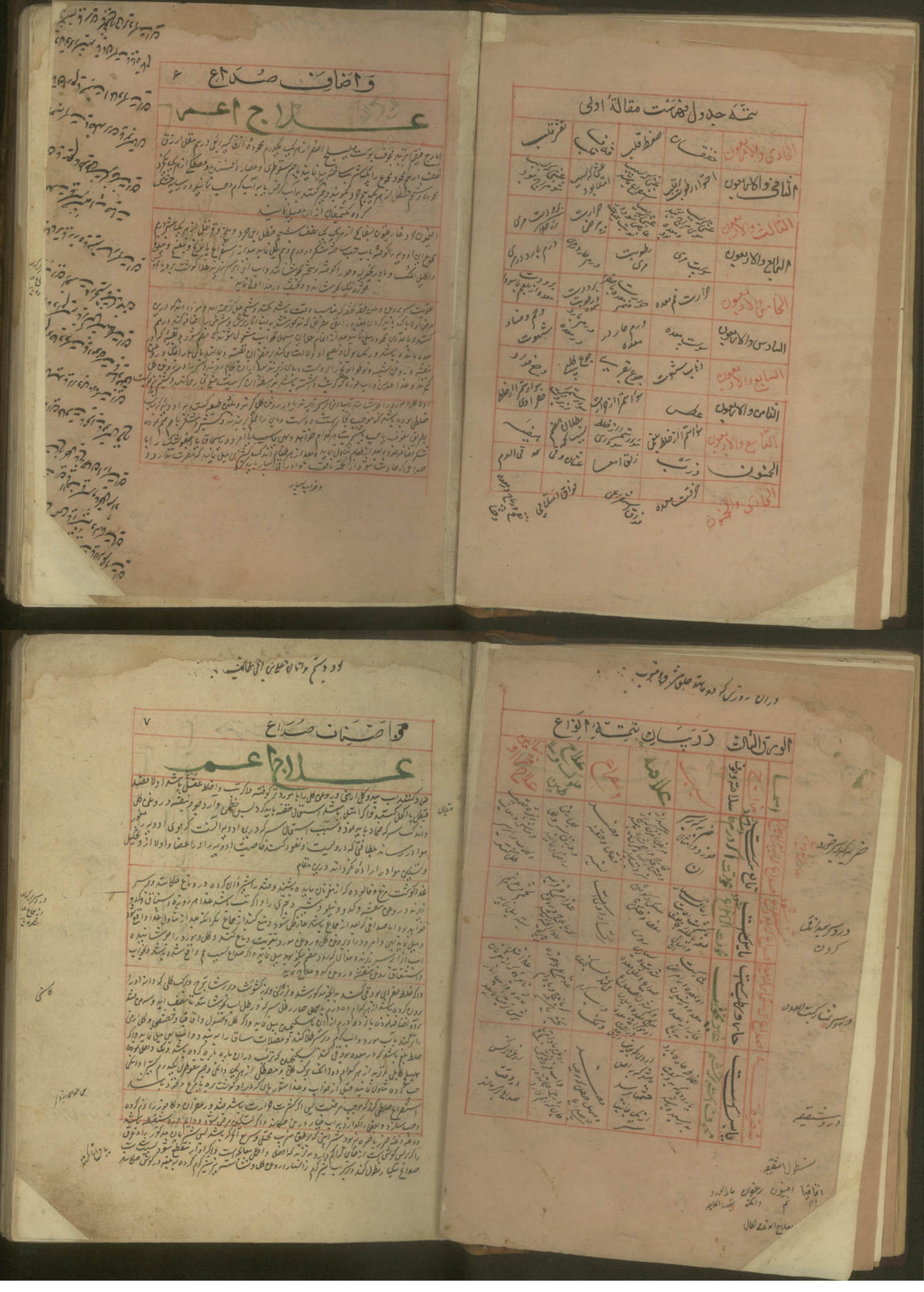
درد سر بلغمی

درد سر سوداوی

درد سر از ضربه

درد سر از بخار

نقشه جدول فهرست مقاله اولی



تتمه جدول فهرست مقالهٔ اولی

الحادی والاربعون

الثانی والاربعون

الثالث والاربعون

الرابع والاربعون

الخامس والاربعون

السادس والاربعون

السابع والاربعون

الثامن والاربعون

التاسع والاربعون

الخمسون

الحادی والخمسون

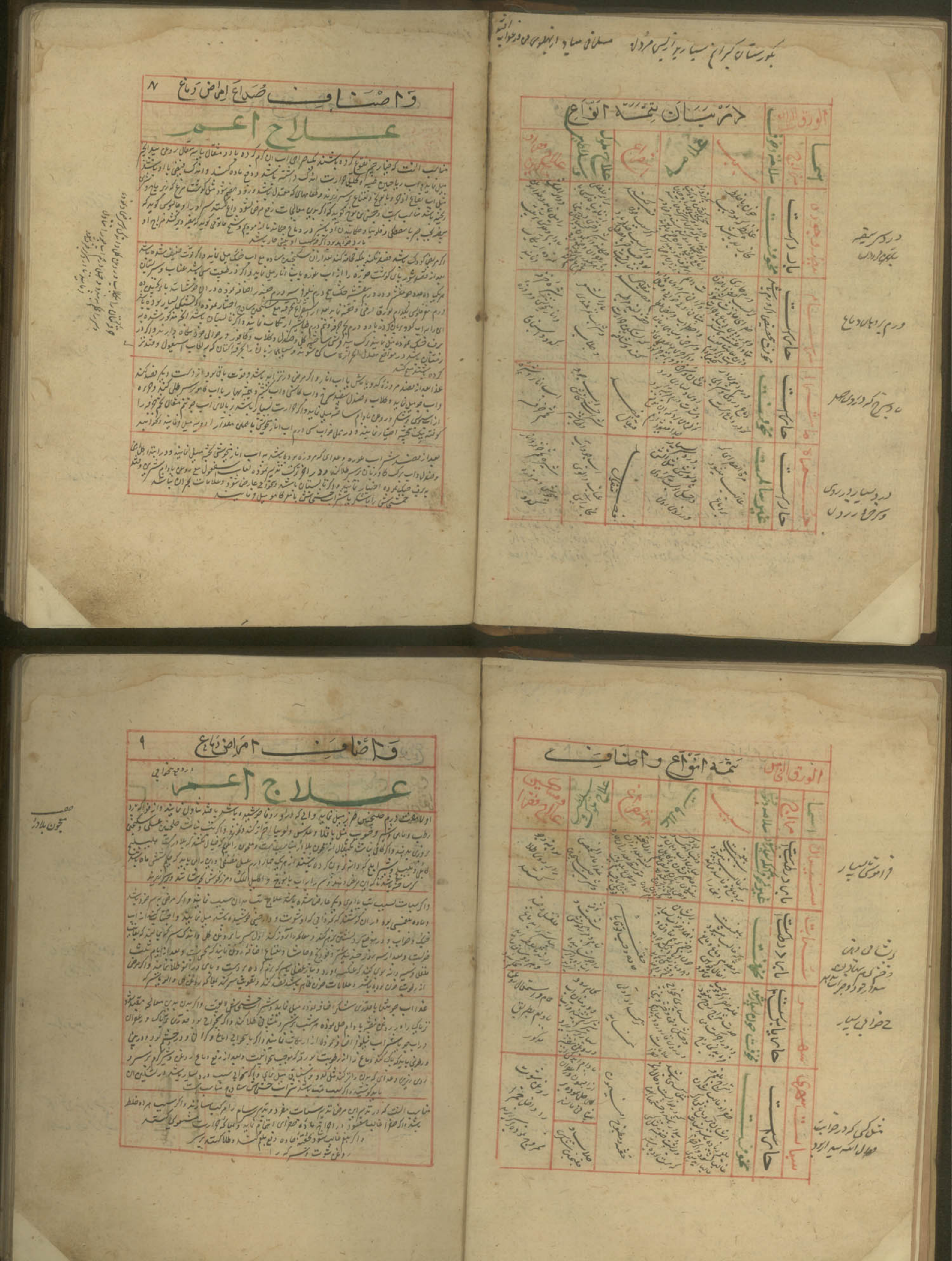
واضاف صداع

علاج اعم

الورق الثالث در بیان تتمه انواع

واضاف صداع

علاج اعم



در بیان تتمه انواع

الورق الرابع

اسما	مزاج	علامات	سبب	علامات	انواع	علاج	علاج

علاج اعم

تتمه انواع و اصناف

الورق الخامس

علاج اعم

الورق الثامن	در بیان تتمهٔ انواع						
اسماء	مزاج	سالها و دوره	سبب	علامات	[illegible]	علاج [illegible]	علاج [illegible] و مساکین
جمود	بارد یابس	[illegible]	خلط غلیظ سوداوی [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بارد رطب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بارد یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بارد رطب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

باطل شدن حرکت [illegible]

تاریکی چشم [illegible]

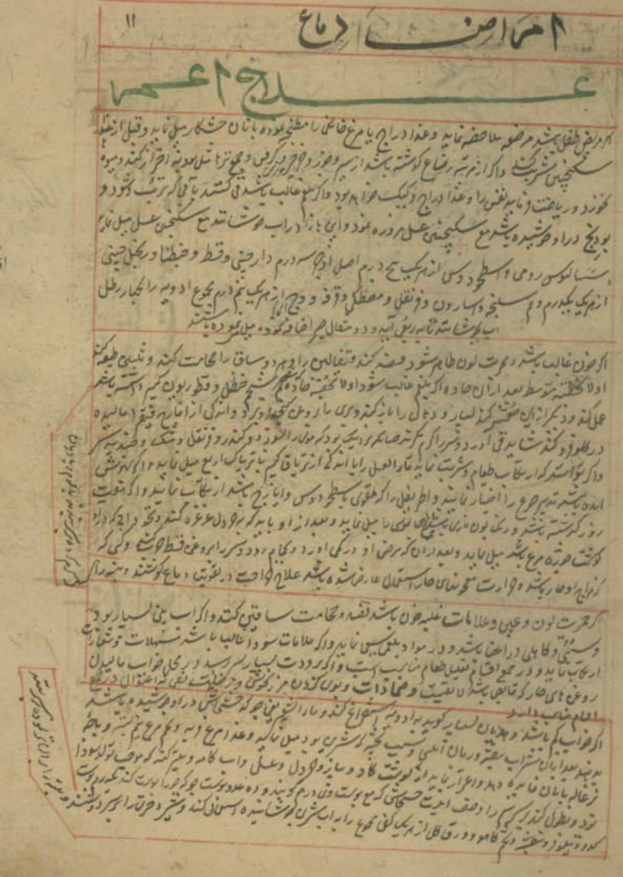
سرگردیدن

گرانی سر و خفتن و بسیاری خواب

علاج [illegible]

[illegible]





الورق الثاني	بقیه اصناف و انواع						
اسما	مزاج	طبیعت	سبب	علامت	بحران	علاج سلوک وسکنجبین	علاج غذا ومساکین
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

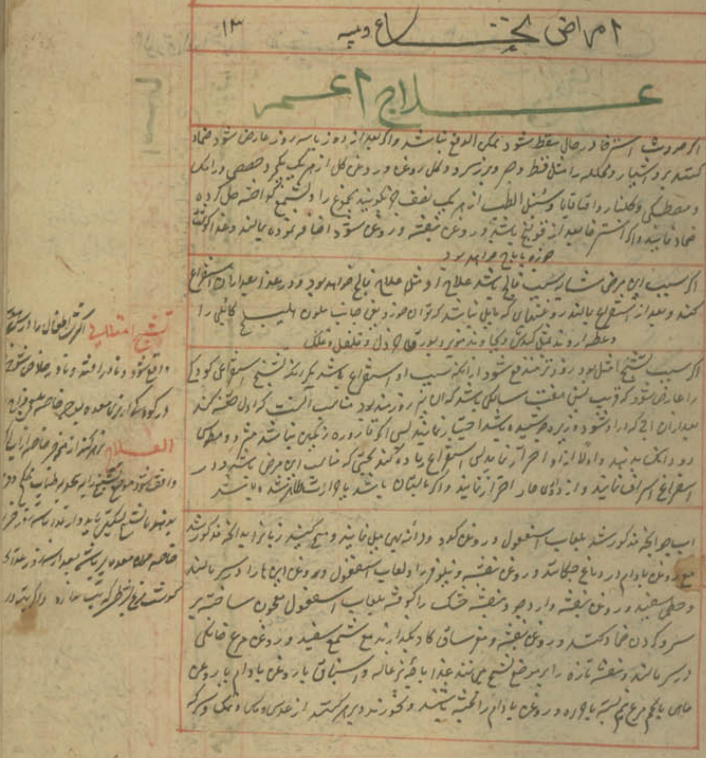
علاج اعمه

غذا بعد از فصد آنست که مذکور شد و آب را بشیر گرم نموده [illegible]

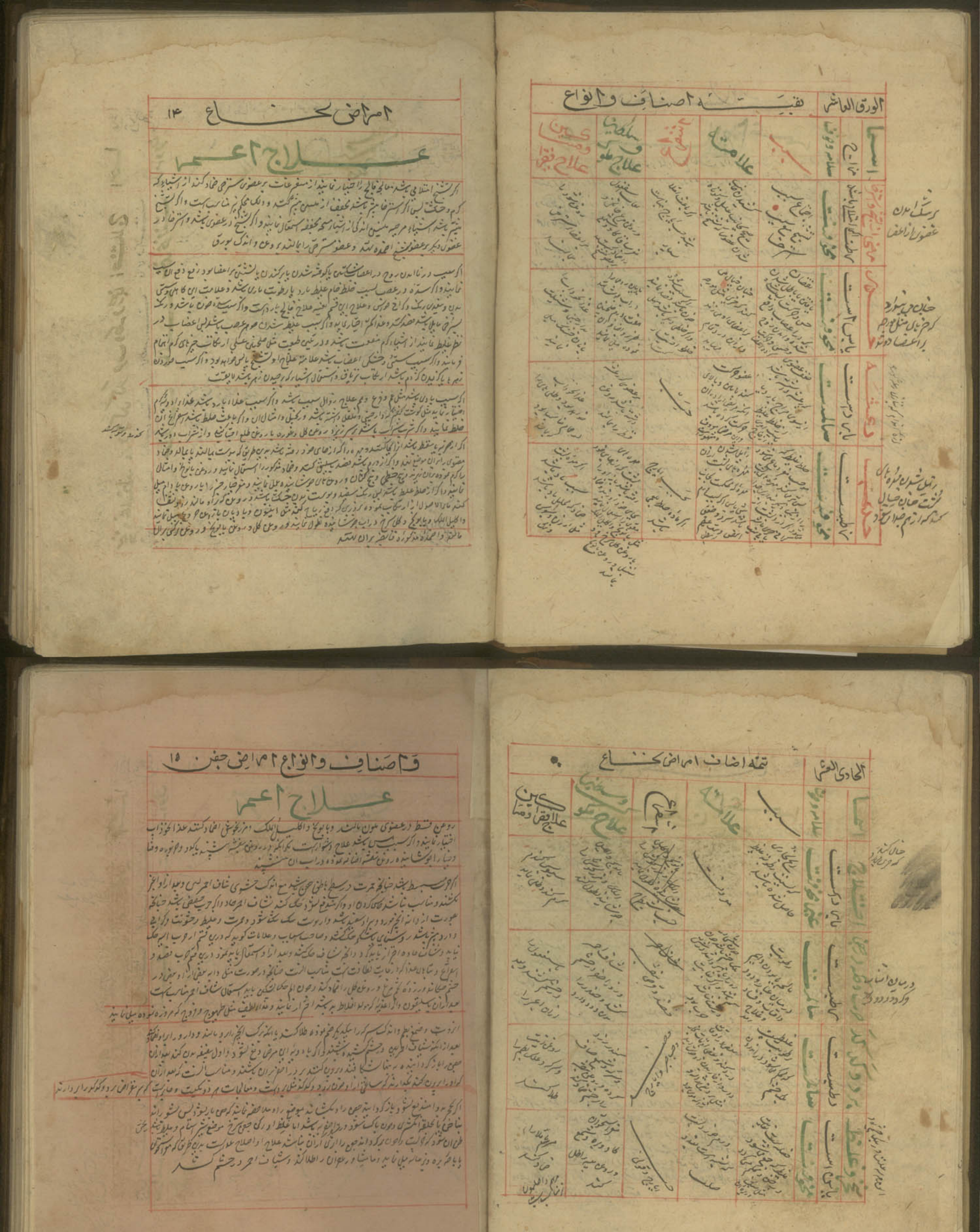
[illegible]

[illegible]

[illegible]







امراض لخناع ۱۴

علاج اعم

الورق العاشر

بقیه اصناف و انواع

اسما	مزاج	سبب	علامات	علاج

الحادی العشر

تتمه اصناف امراض لخناع

اقسام اصناف و انواع امراض جفن ۱۵

علاج اعم

علاج اعمر

بعد از رفع جفن در چشم جکانند آب رزه و نمک را و بینه در روغن گل و زرده تخم مرغ مالیده در مایان هر دو جفن نهند و زرده تخم مرغ و روغن گل را در چشم بندند و چون از آن باز گشت این عالم ... شود ششياف ... را در چشم کشند

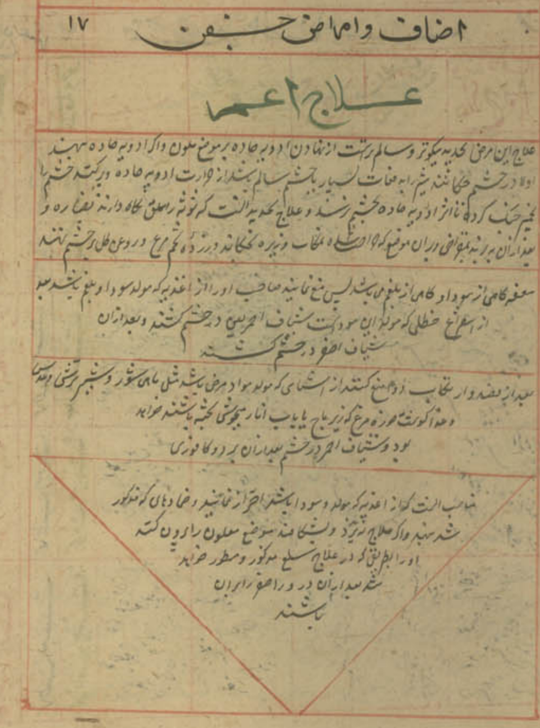
در تلطیف غذا و دخول حمام پرهیز کنند و احتراز کنند از غذاهای غلیظ مثل گوشت گاو و گوشت ... در هیچ گمنه و ماش و غذای ارزش از همه اینها پرهیز باید ازمیوه ها و مثل آنکه با بونج و اکلیل الملک در او جوشیده باشند ... مفید و نافعت

اگر بالطبع باشد یعنی بسبب عارض نشده باشد علاج نتوان کرد و اگر نکر تشنج ... و اگر از ... باشد با سلیقون ... و شیاف احمر مناسب است و اگر بسبب بد دوختن ... علاج آن بود که ... ملک را در موضعی که گوشت ... و در سایه موضعی ... باشند ... و بعد از آن ... استعمال کنند ...

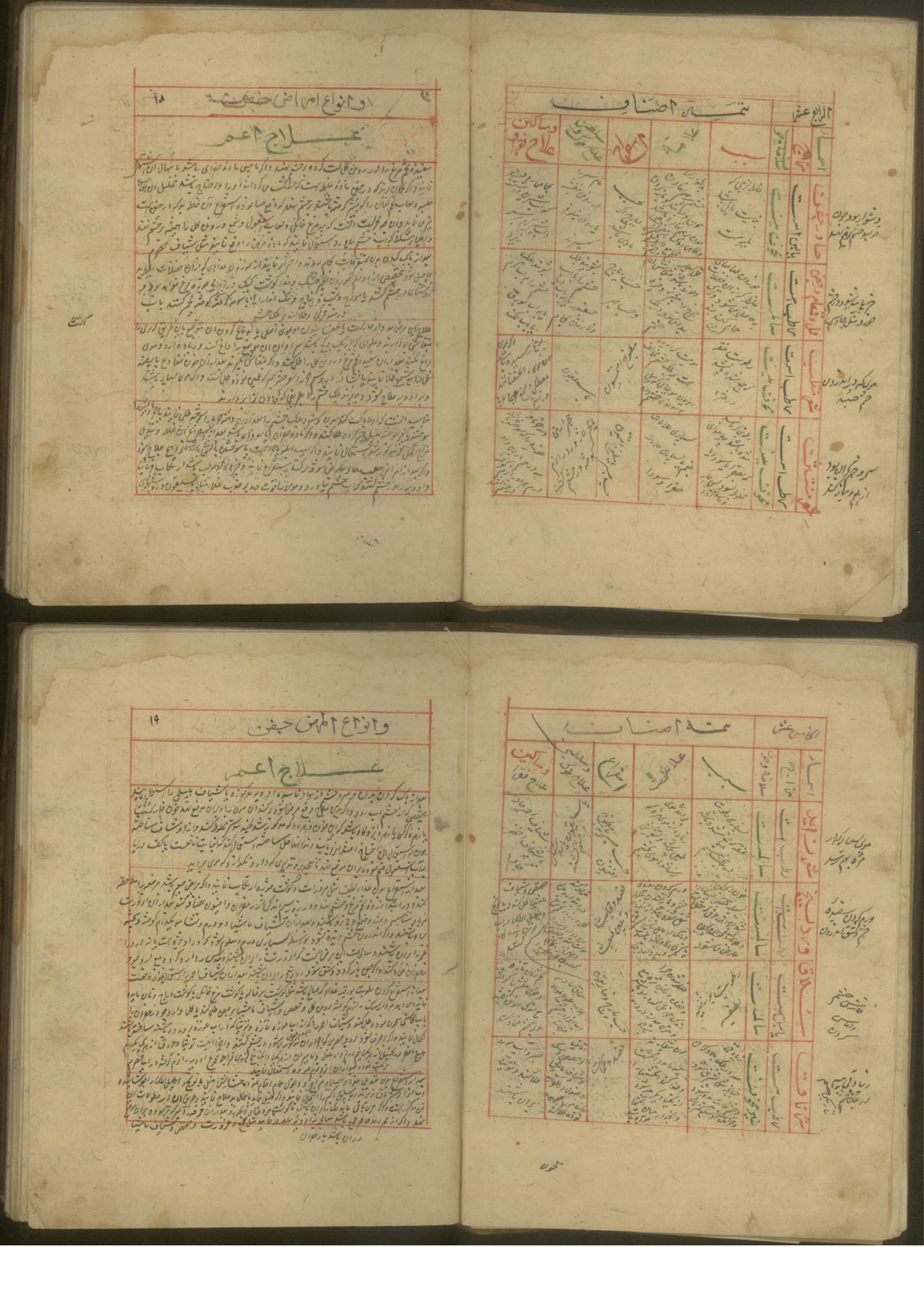
اگر در موضع معلول حرارت باشد ... ششیاف ... و طلا ... و اگر حرارت نباشد ... گرم ... و ... تا ... کبود شود برابر آن ... جمیع ... و اگر ... اصلاح حاصل شود ... و بعد از آن ... باشند

بقیه امراض و انواع

اسما	مزاج	علامات دو نوع	سبب	علامت	دعلاج	علاج ملوک و سلاطین	علاج فقرا و مساکین
[illegible]	رطب سرد است	خیره و حفیف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	یابس سرد است	سالمست	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	یابس است	خیره و حفیف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	یابس است	سالمست	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]







تتمه اصناف

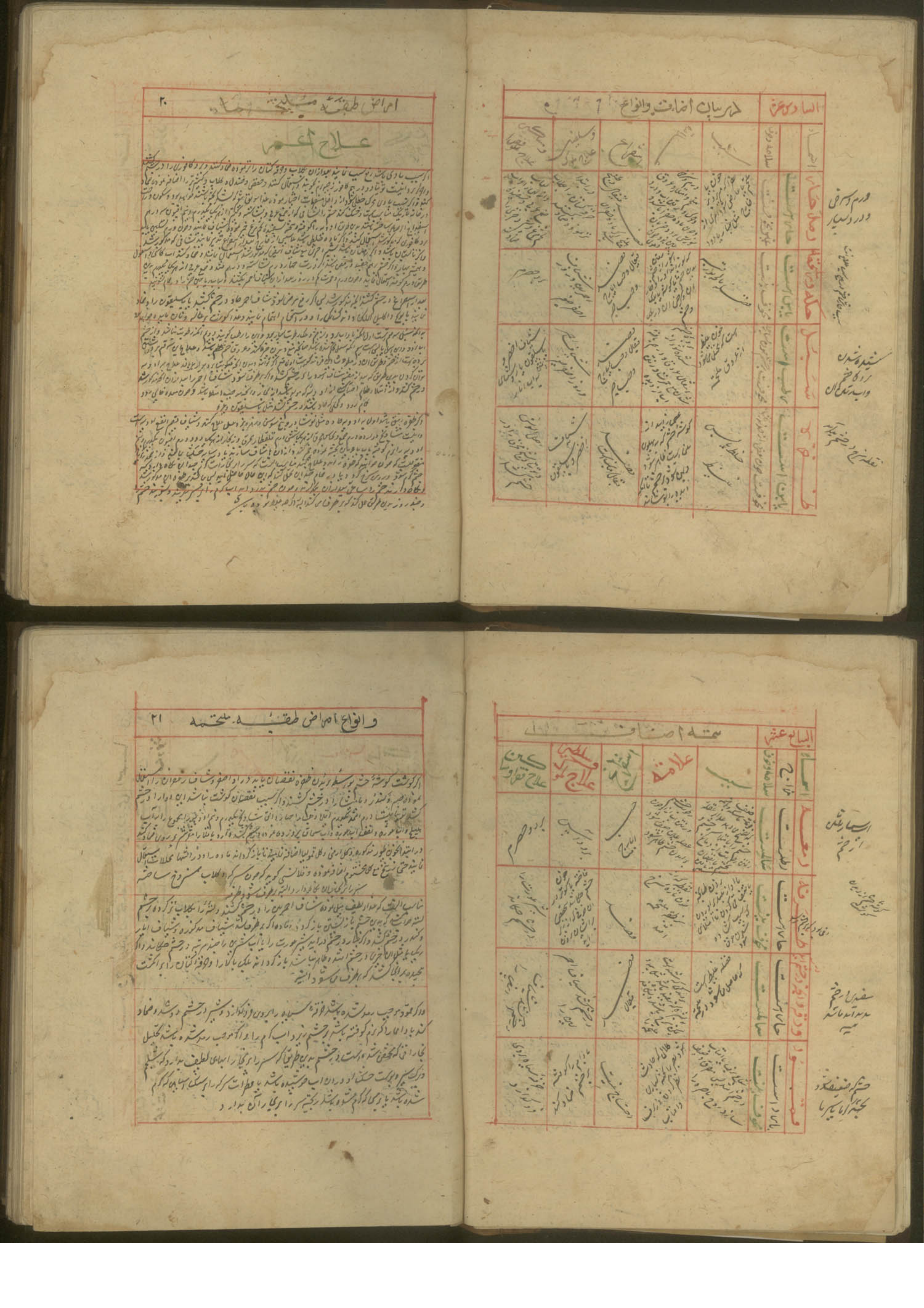
۱۸ و انواع امراض

علاج اعم

تتمه اصناف

۱۹ و انواع امراض

علاج اعم



السادس عشر — در بیان اصناف و انواع

اسما			سبب	علامت	علاج	علاج
[illegible]			[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

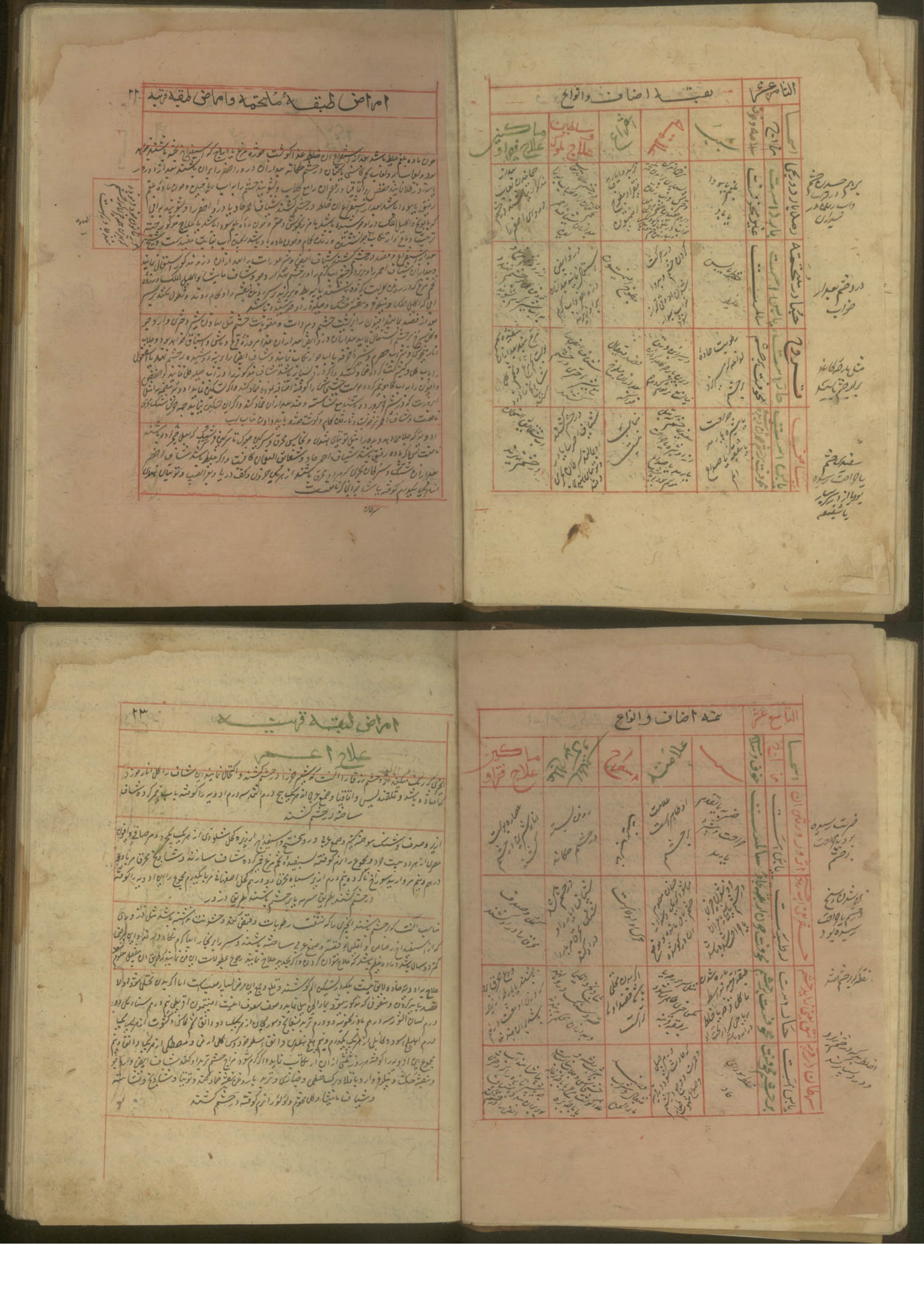
علاج اعم

[illegible]

السابع عشر — [illegible]

اسما			سبب	علامت	[illegible]	علاج	علاج
[illegible]			[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]



امراض طبقهٔ ملتحمه و امراض طبقهٔ قرنیه

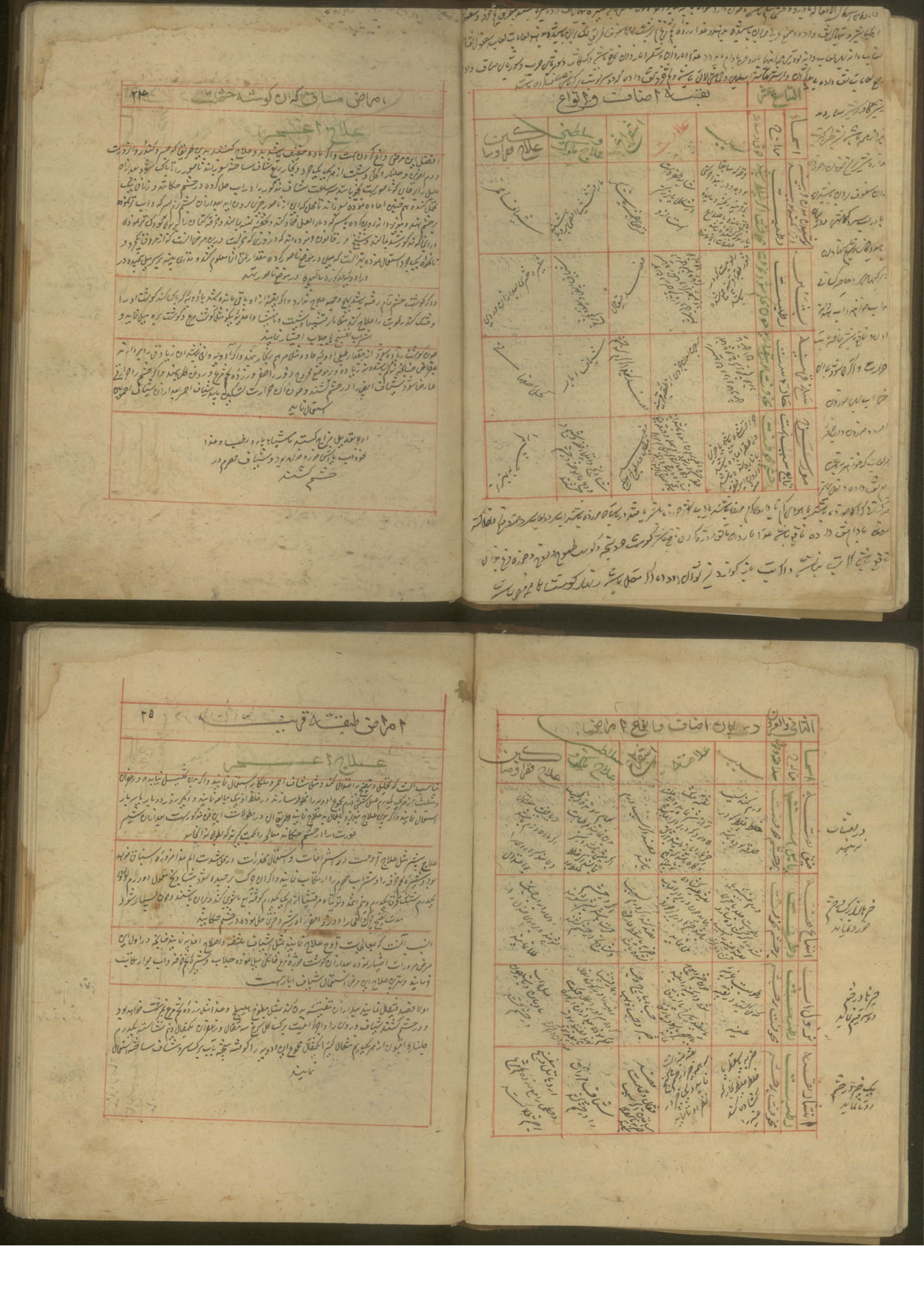
بقیه اضاف و انواع

اسما	مزاج	سبب	علامت	انواع	علاج

امراض طبقهٔ قرنیه

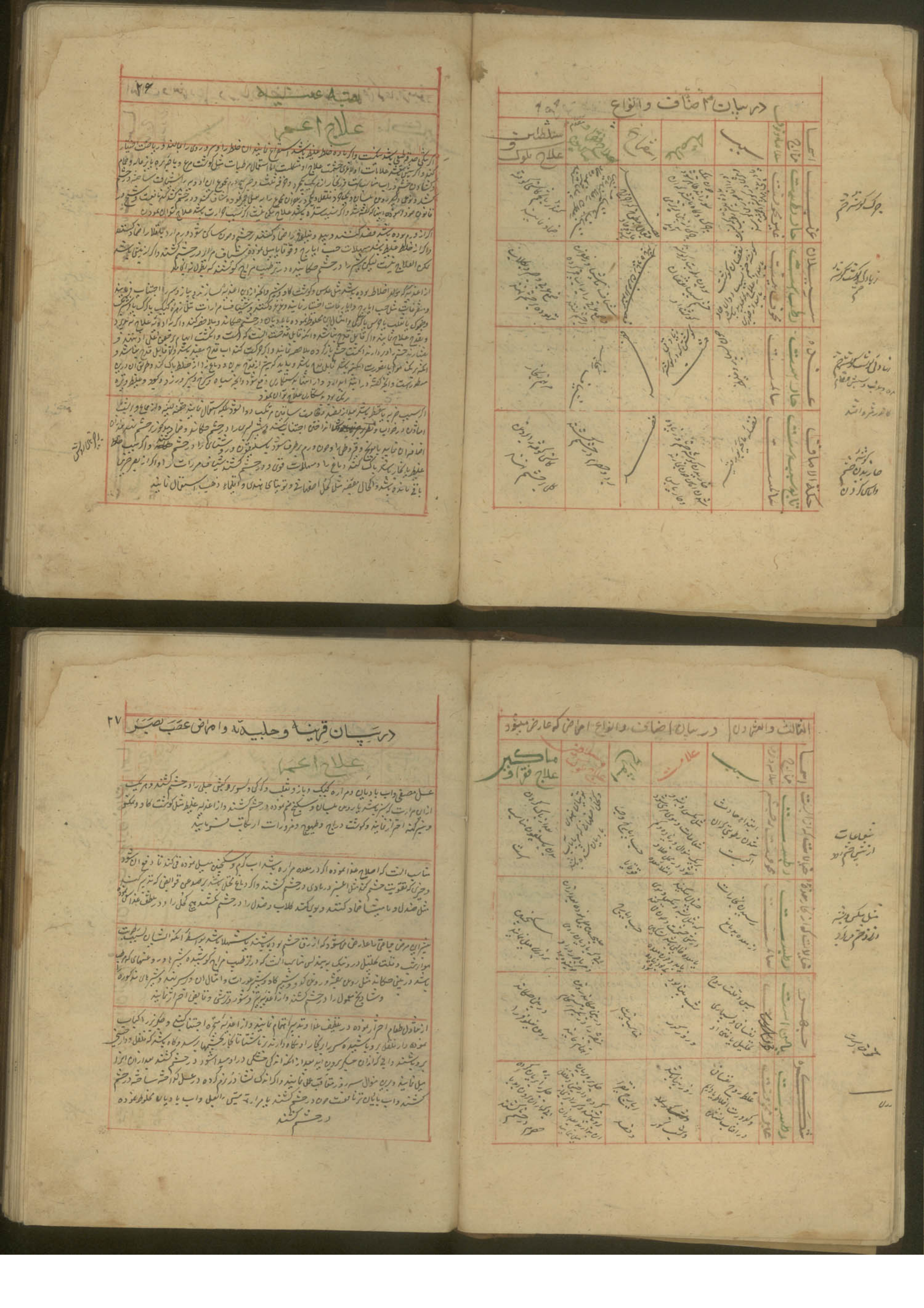
علاج اعم

بقیه اضاف و انواع



نقشه ۲ اصناف و انواع

در بیان اصناف و انواع ۲ امراض



علاج اعم

در بیان اصناف و انواع

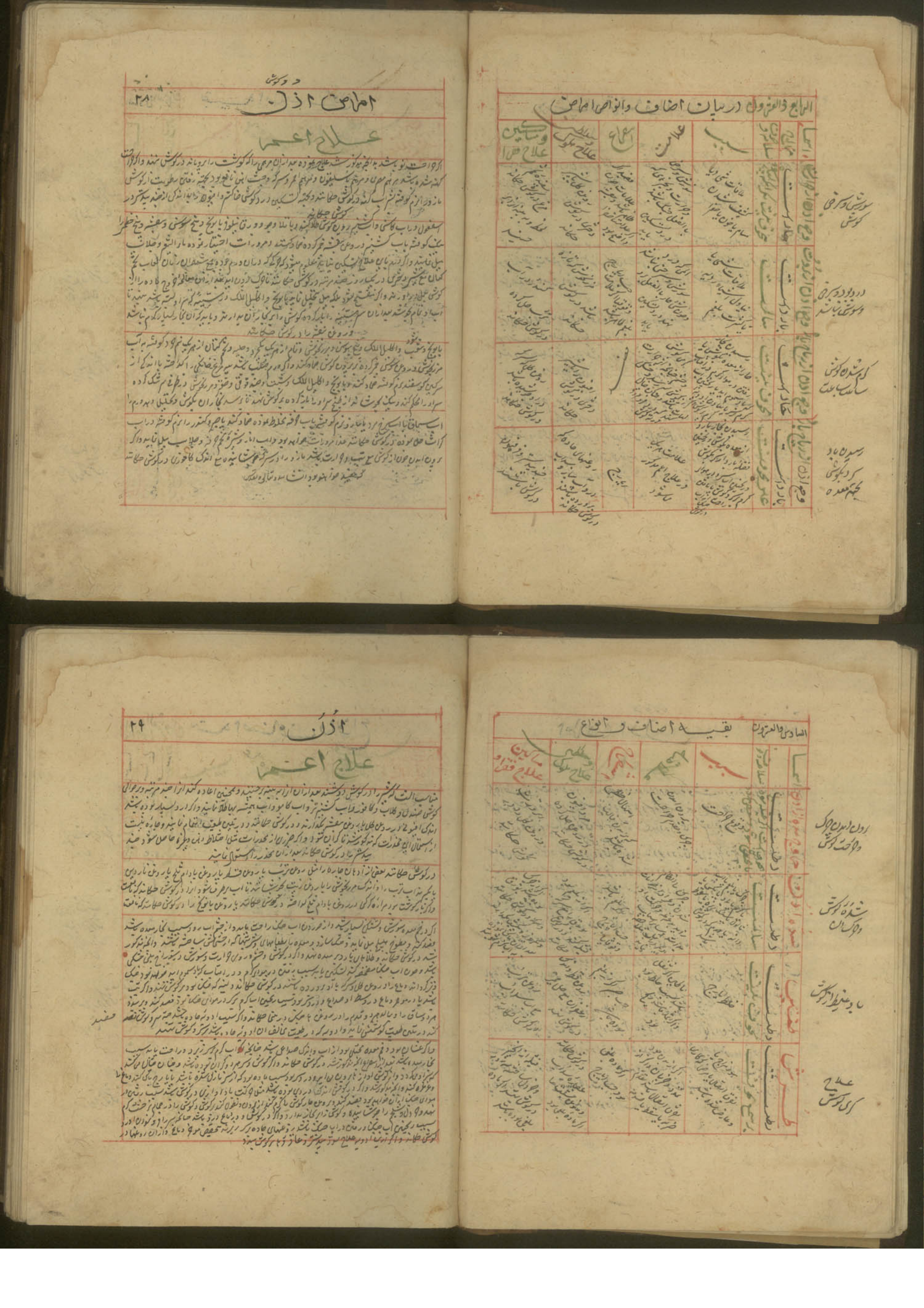
در بیان قرنیه و جلیدیه و امراض عصب بصر

علاج اعم

عسل مصفی و اب بادیان دمراره کبک و باز و ثعلب و کرکی و لسور و کبتی حلی را در چشم کشند و هر یک

الثالث والعشرون | در بیان اضاف و انواع امراض که عارض میشود

علاج فواق	علاج	پرهیز	علامت	سبب



الرابع والعشرون در بیان اصناف وانواع امراض

امراض اذن

علاج اعم

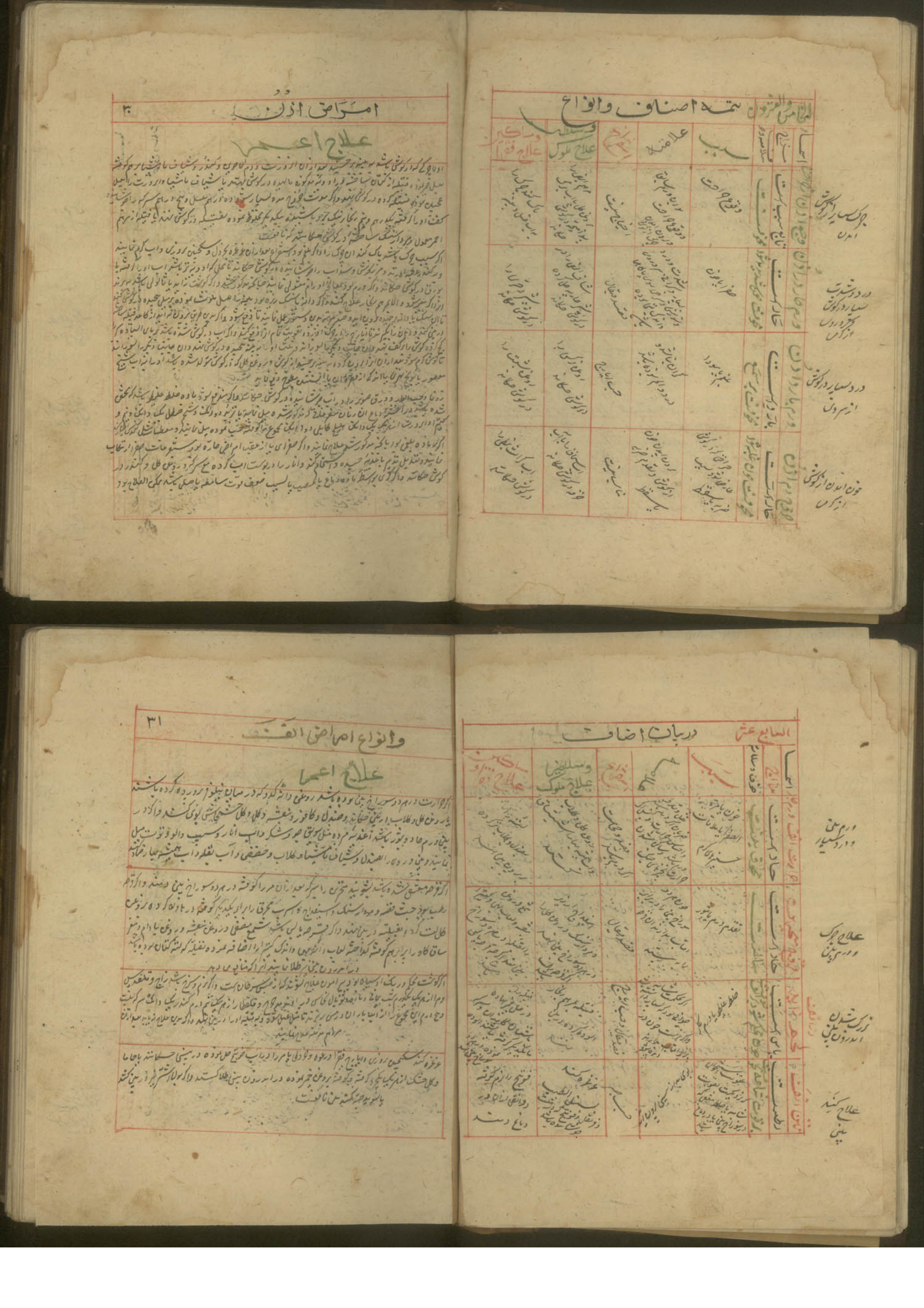
اسماء			سبب	علامت		علاج ملوک	علاج فقرا

السادس والعشرون بقیه اصناف وانواع

اذن

علاج اعم

اسماء			سبب			علاج ملوک	علاج فقرا



علاج اعم

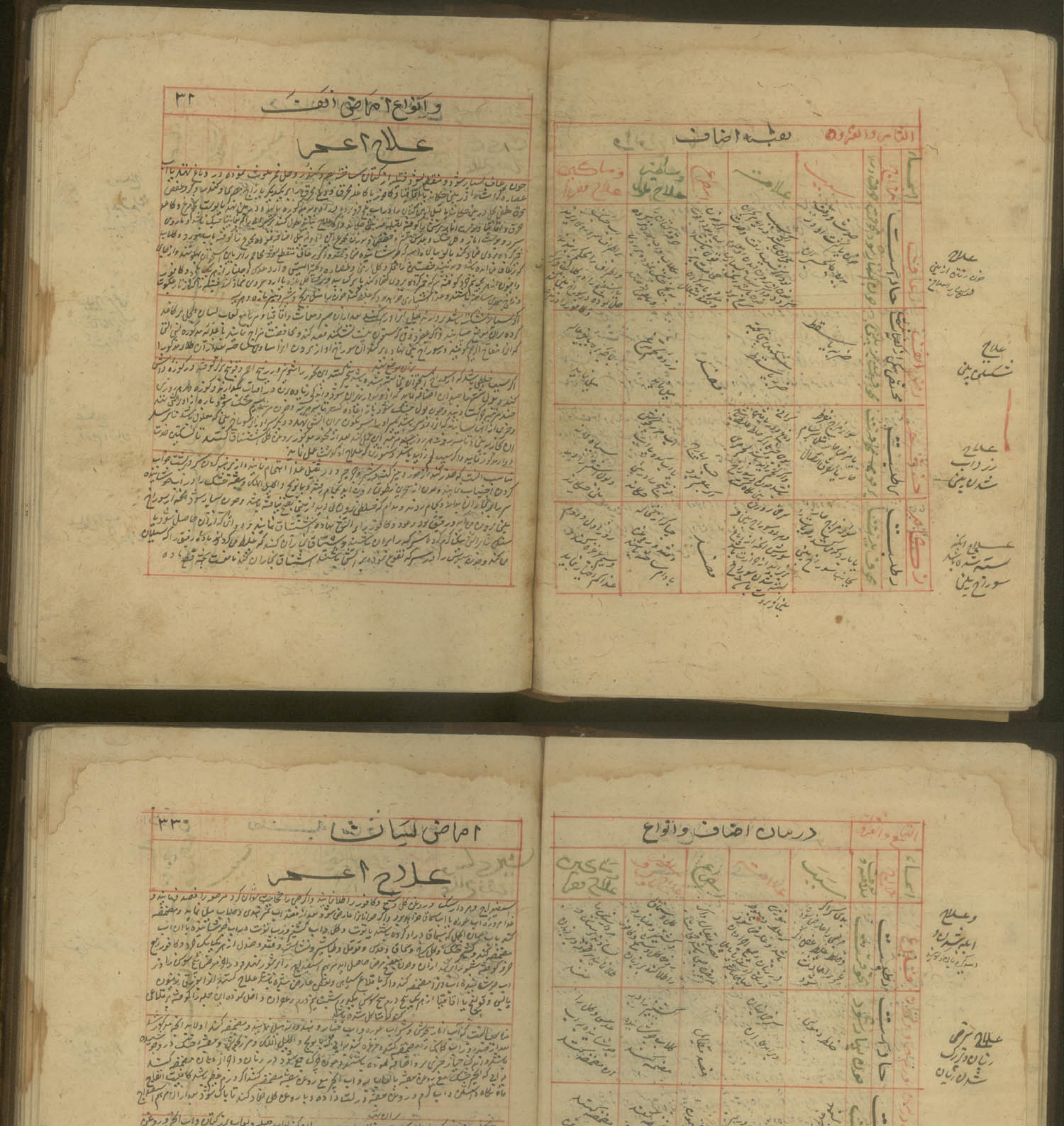
تتمه اصناف وانواع — الخامس والعشرون

اسماء	سبب	علامة	ازمنه	علاج ملوک وسلاطین	علاج فقرا ومساکین

علاج اعم

در باب اضافات — السابع عشر

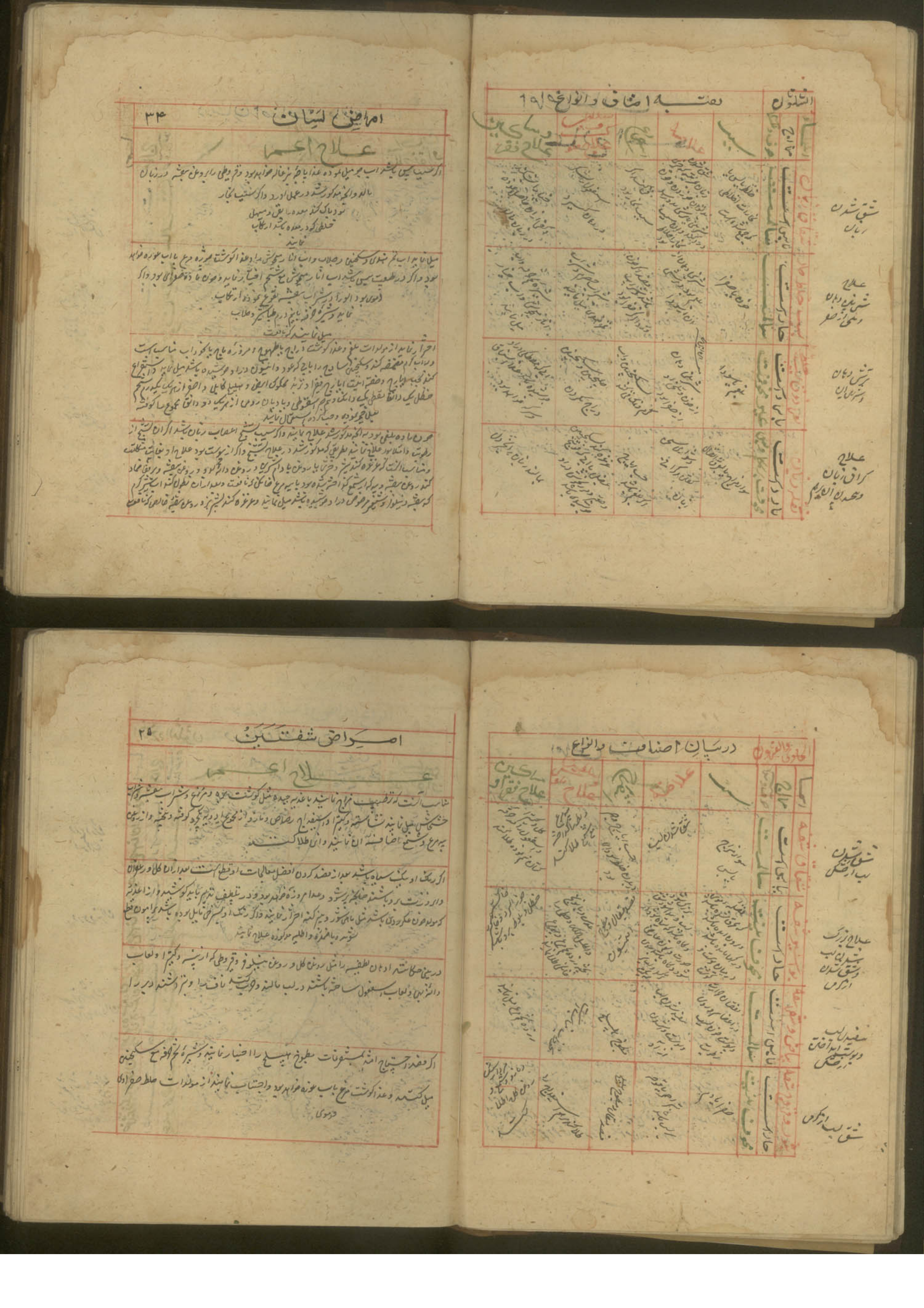
اسماء	سبب	علامة	ازمنه	علاج ملوک وسلاطین	علاج فقرا ومساکین



علاج اعمی

علاج ورم از زبان

علاج آب سدن از دهان



امراض لسان

علاج اعم

بقیه اصناف و انواع

شق شدن زبان

امراض شفتین

علاج اعم

در بیان اصناف و انواع

شق شدن لب



در بيان اضافت

انواع امراض اسنان

علاج اعمال

معمضمه كند باسماق و ... لسان الحمل ... وبرگ ... و ... طرفا ...

سركه ونمك ... دهان نگاه دارند ...

انواع امراض اسنان

... دندانها را بروغن زنبق ... دو بار ... وعلك انباط و روغنهاى مذكوره را در دهان نگاه دارد ...

اگر سبب رطوبت و سستى لثه بود ... مثل شبت و جلنار و گل و رامك و ...

... دندانها ...



بقیه اضاف و

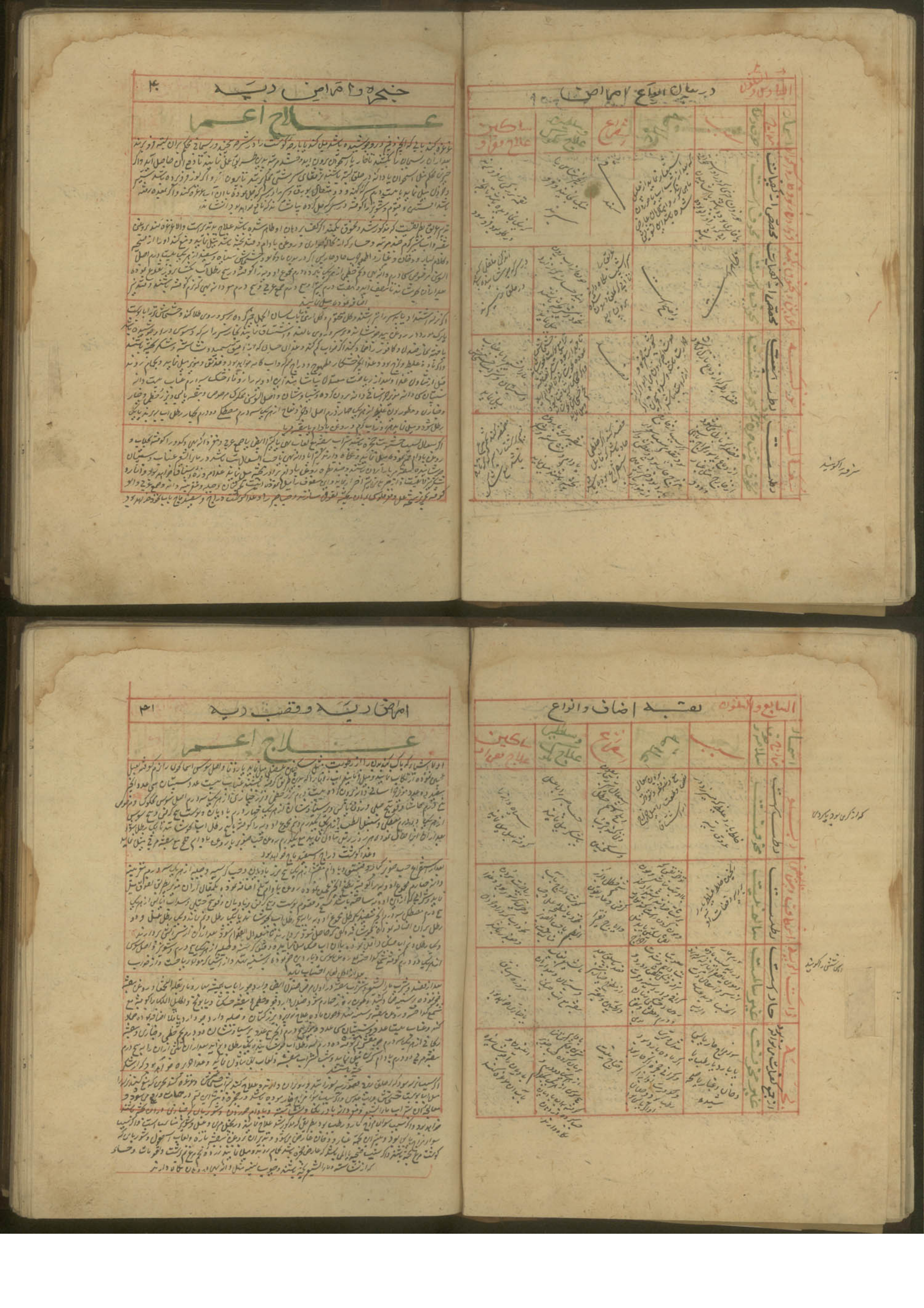
در نوع امراض اسنان

علاج اعم

در بیان اضاف و انواع

امراض لهاة و حنجره

علاج اعم

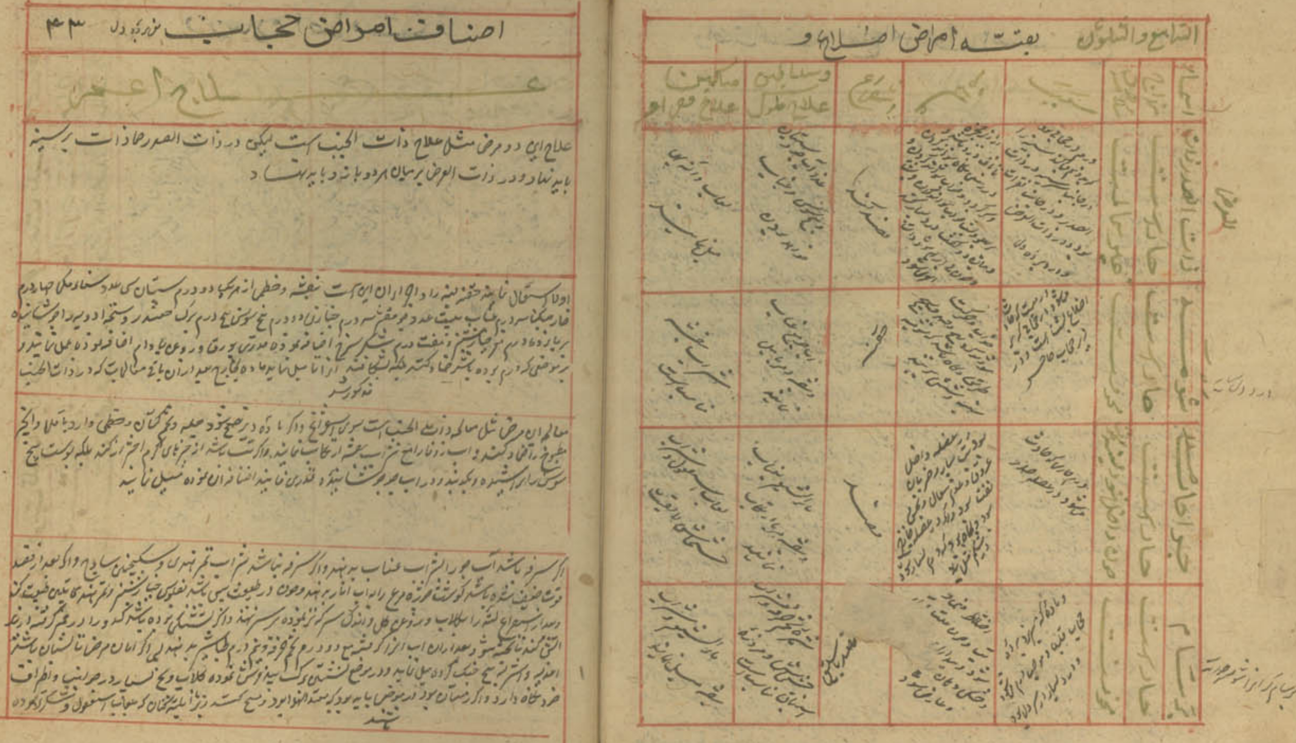


علاج امراض

ازخون از حلق برون آید باب سماق و آب لسان الحمل و گل ارمنی خورده کنند واگر از برین باشد از معده بود دو مثقال قرص کهربا با دو نیم مثقال گل ارمنی با یک ... [illegible]

[illegible]

اسم	مزاج	[illegible]	سبب	علامت	نبض	سلیس و علاج ناول	علاج فقراد
[illegible]	حار یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	حار یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	حار یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذات الجنب	حار یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

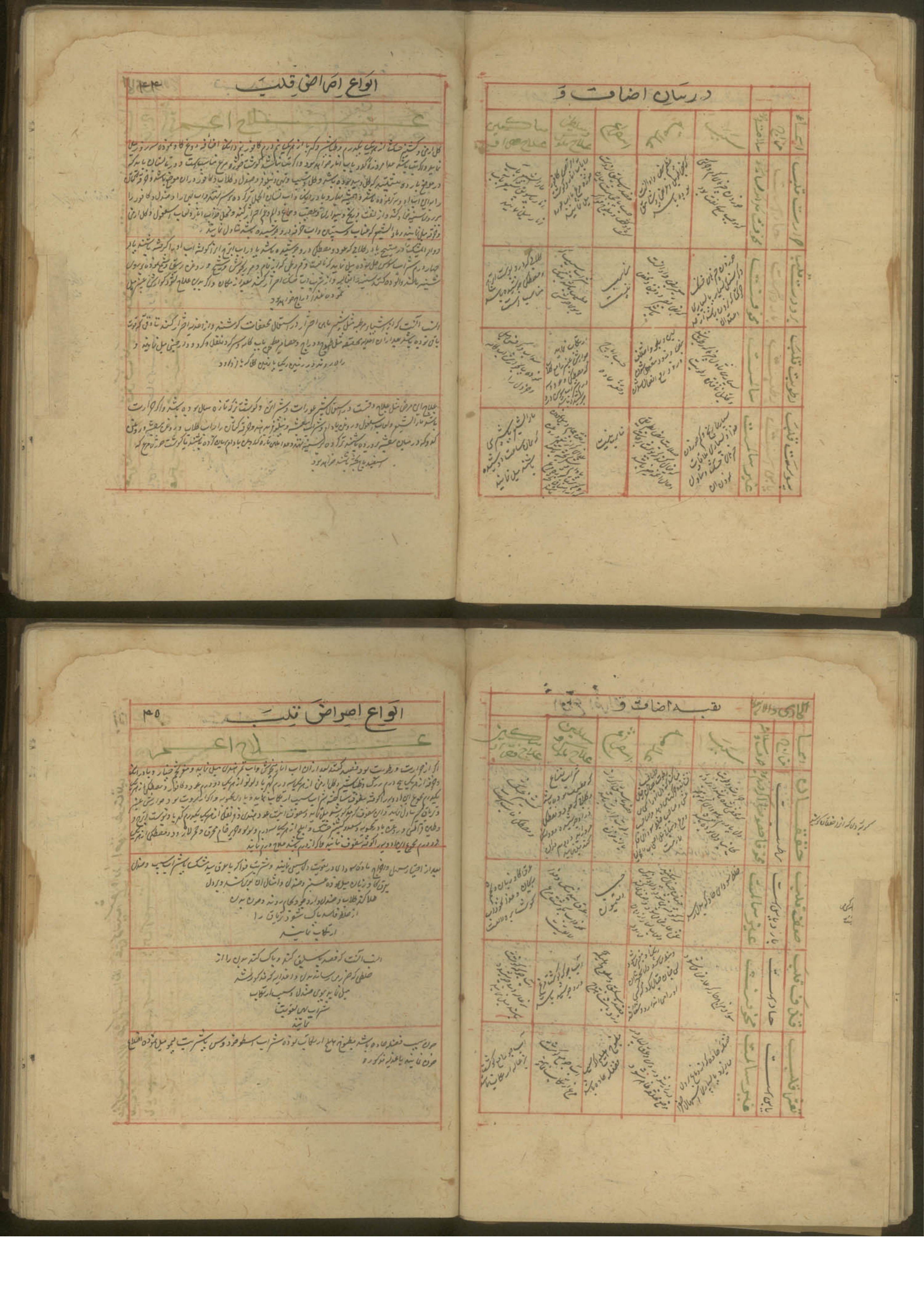


علاج امراض

علاج این دو مرض مثل علاج ذات الجنب است لیکن در ذات الصدر ... [illegible]

[illegible]

اسم	مزاج	[illegible]	سبب	علامت	نبض	سلیس و علاج ناول	علاج فقراد
ذات الصدر	حار یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	حار یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	حار یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	حار یابس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]



انواع امراض قلب

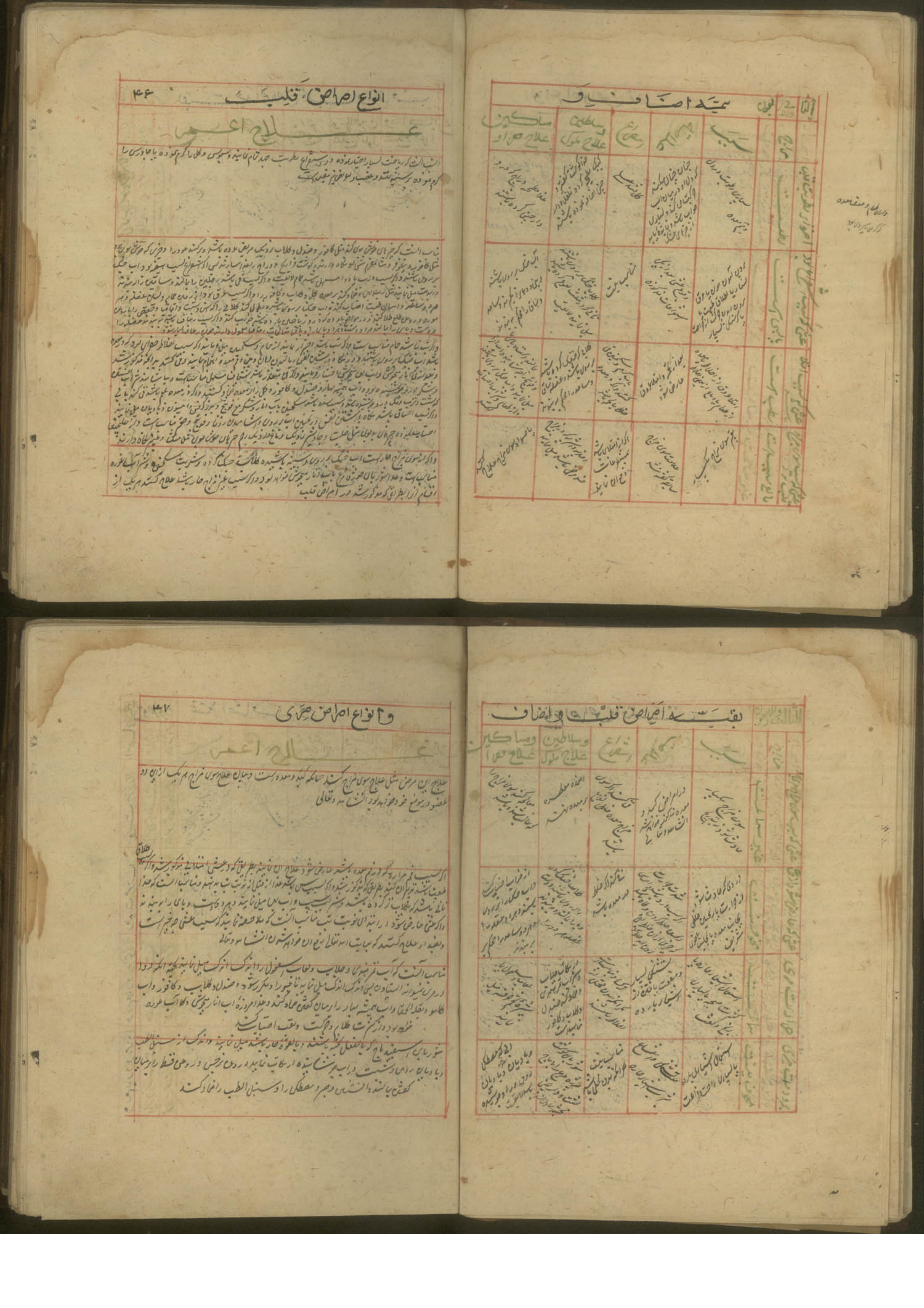
علاج

در بیان اضافت و

انواع امراض قلب

علاج

بقیه اضافات قلب



۴۶ انواع امراض قلب

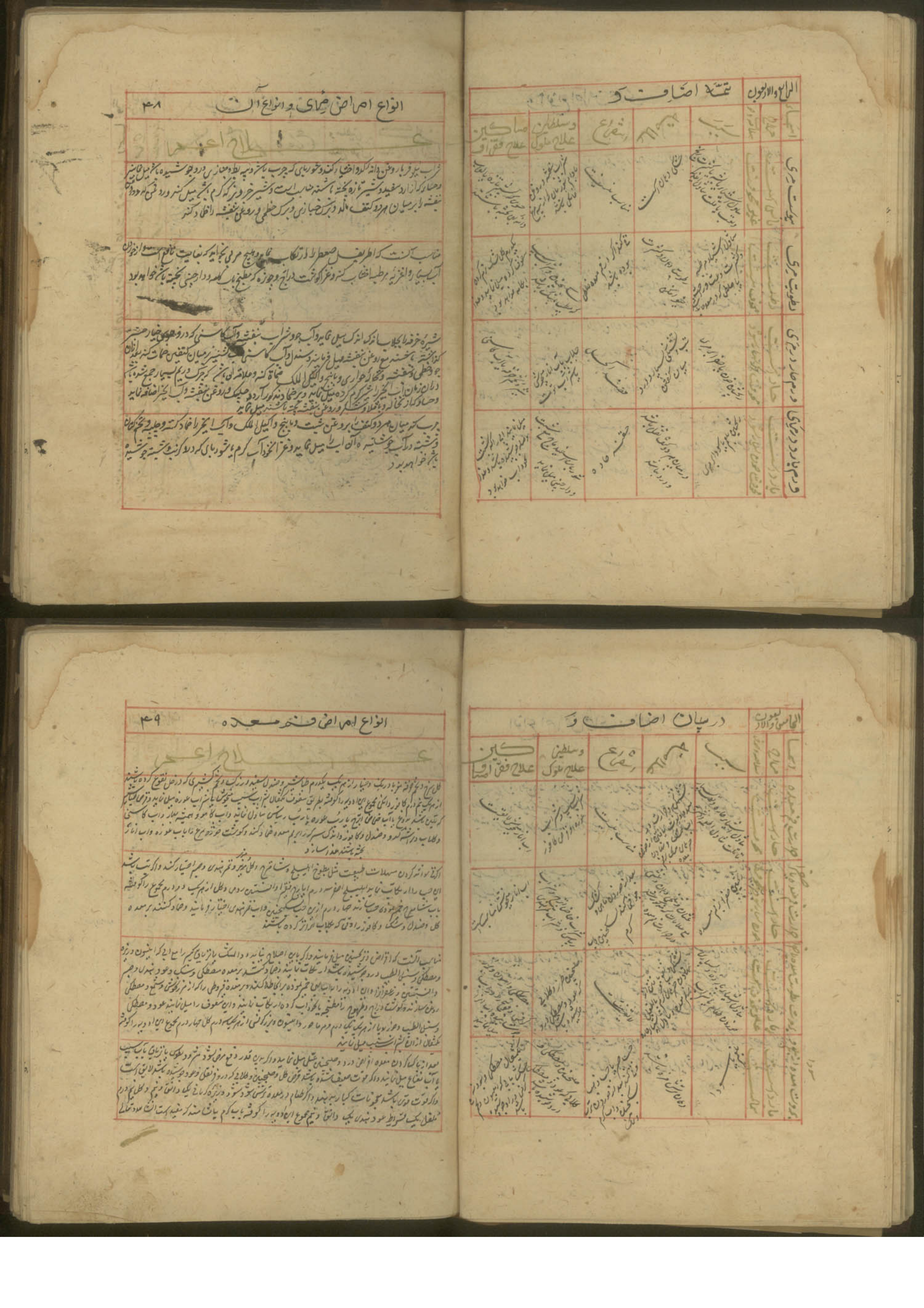
علاج اعم

بقیه اصناف

۴۷ انواع امراض صدری

علاج اعم

بقیه امراض قلب و اصناف

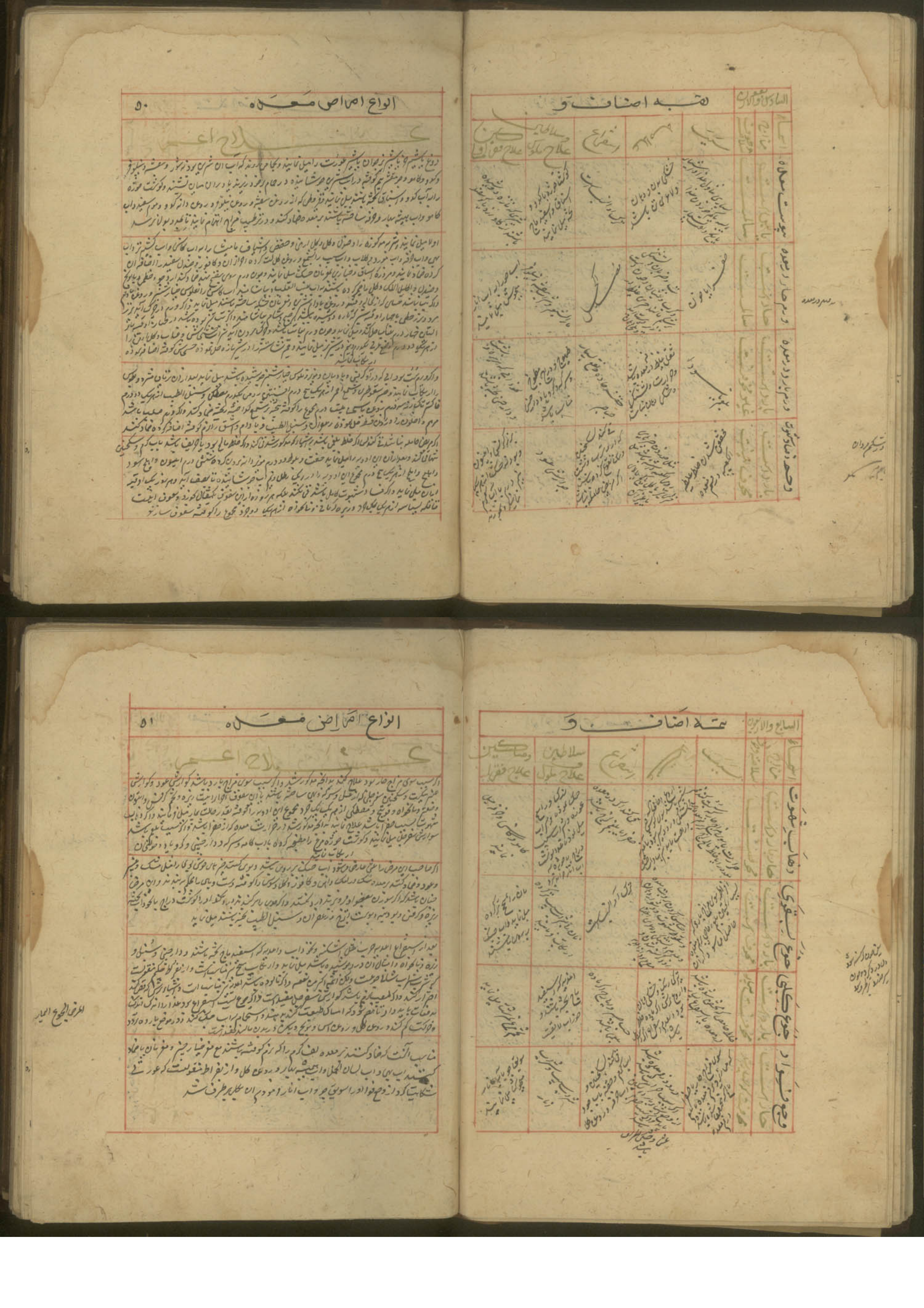


علاج اعضا

سبب	جسم	شروع	علاج ملوک و سلاطین	علاج فقرا و مساکین

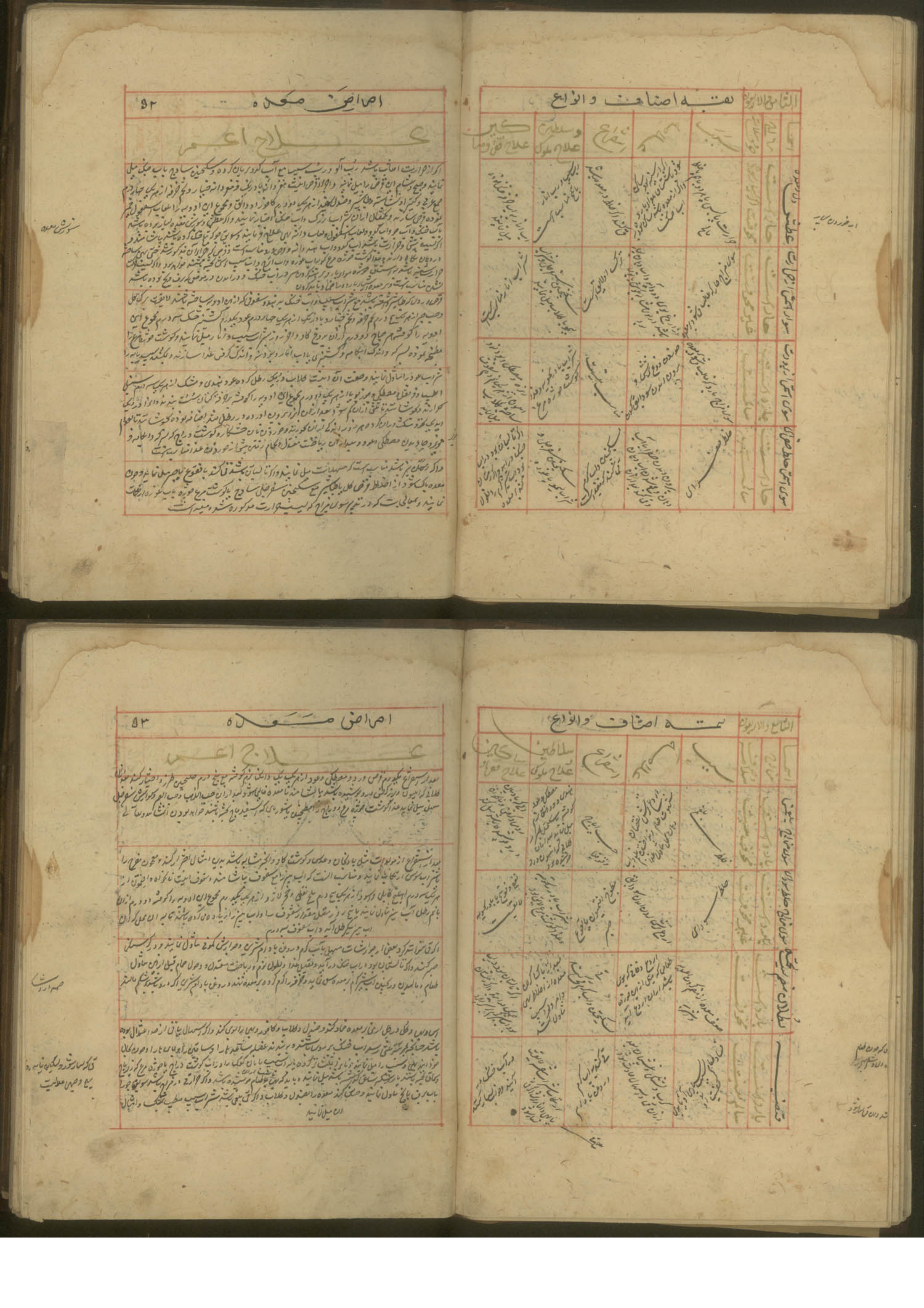
علاج اعضا

سبب	جسم	شروع	علاج ملوک و سلاطین	علاج فقرا و مساکین



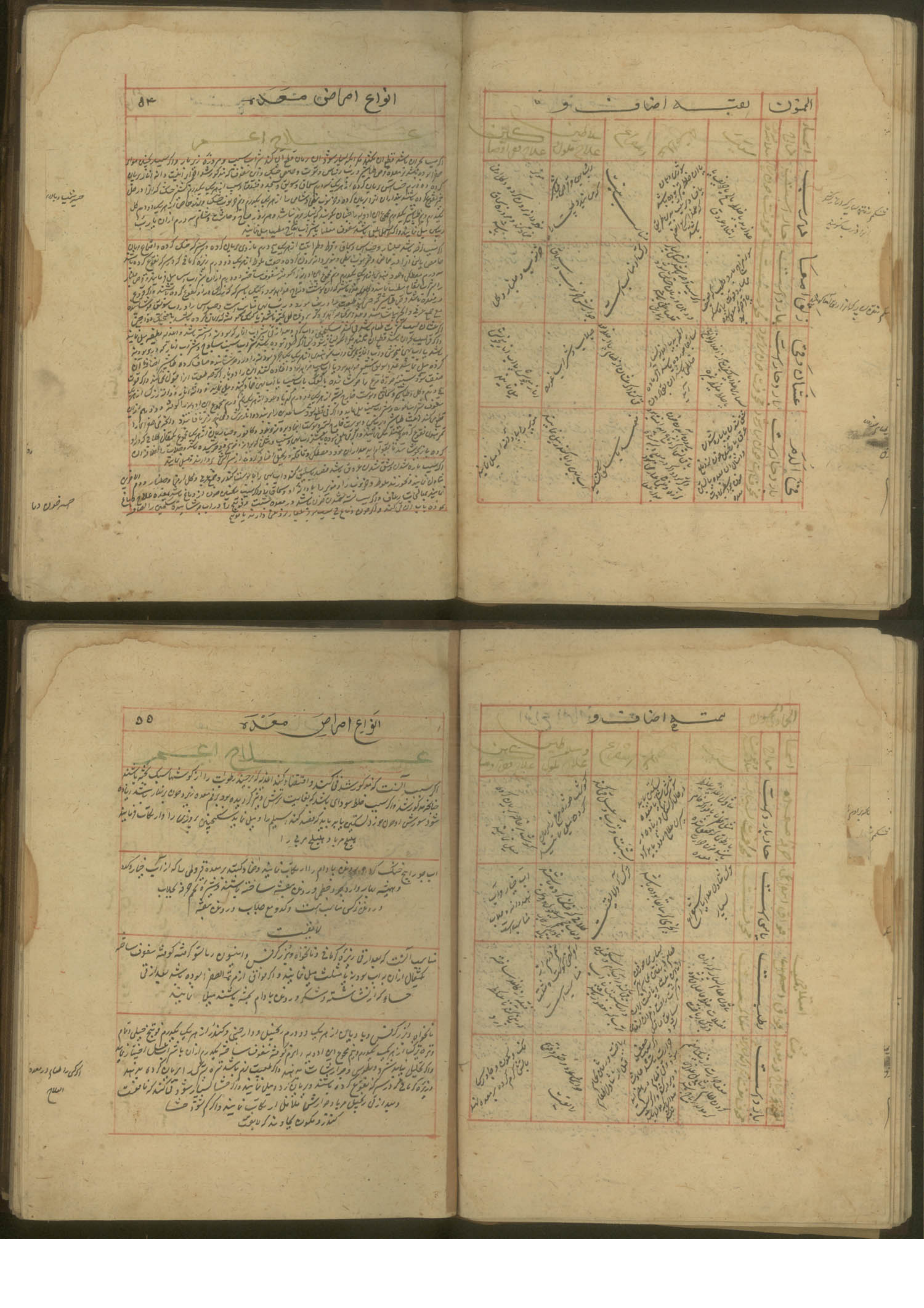
علاج اعم

علاج اعم



علاج اعم

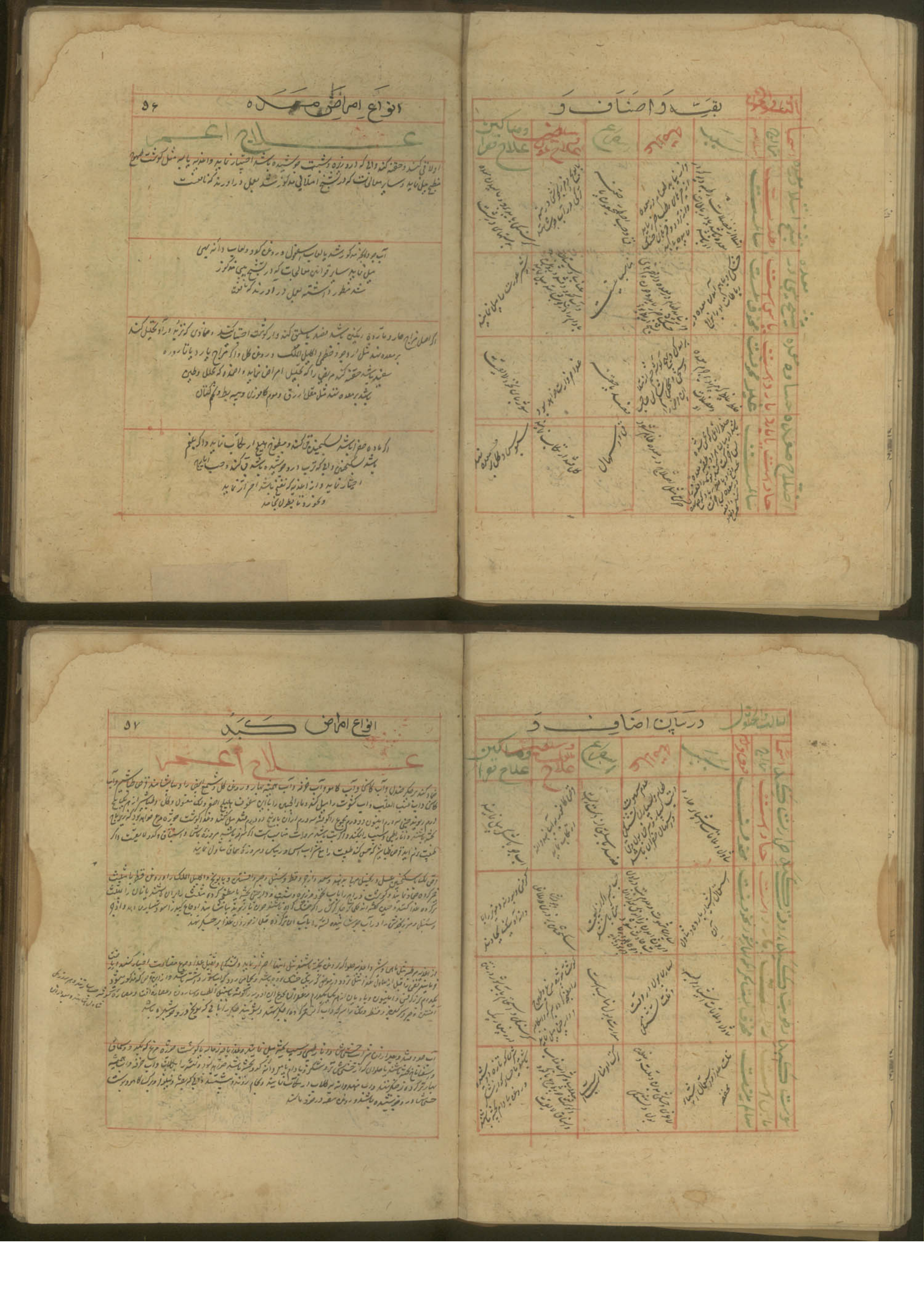
علاج اعم



الممون

علاج اعم

علاج اعم



56 انواع امراض معده

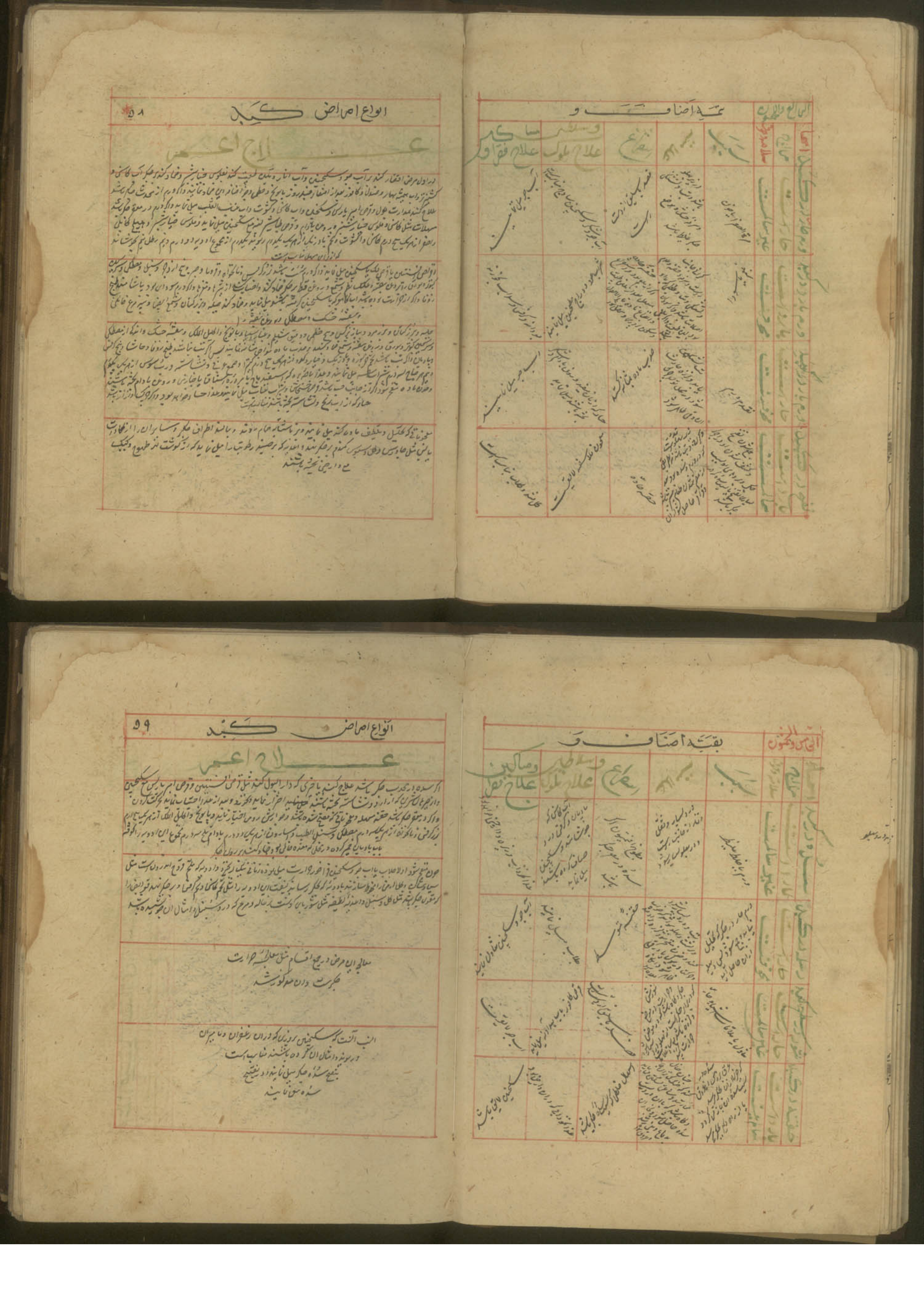
علاج اعم

بقیه اصناف

57 انواع امراض کبد

علاج اعم

در بیان اصناف



...	...	...	...	...	...
علاج فقرا	علاج ملوک و سلاطین	نفع	...	...	...

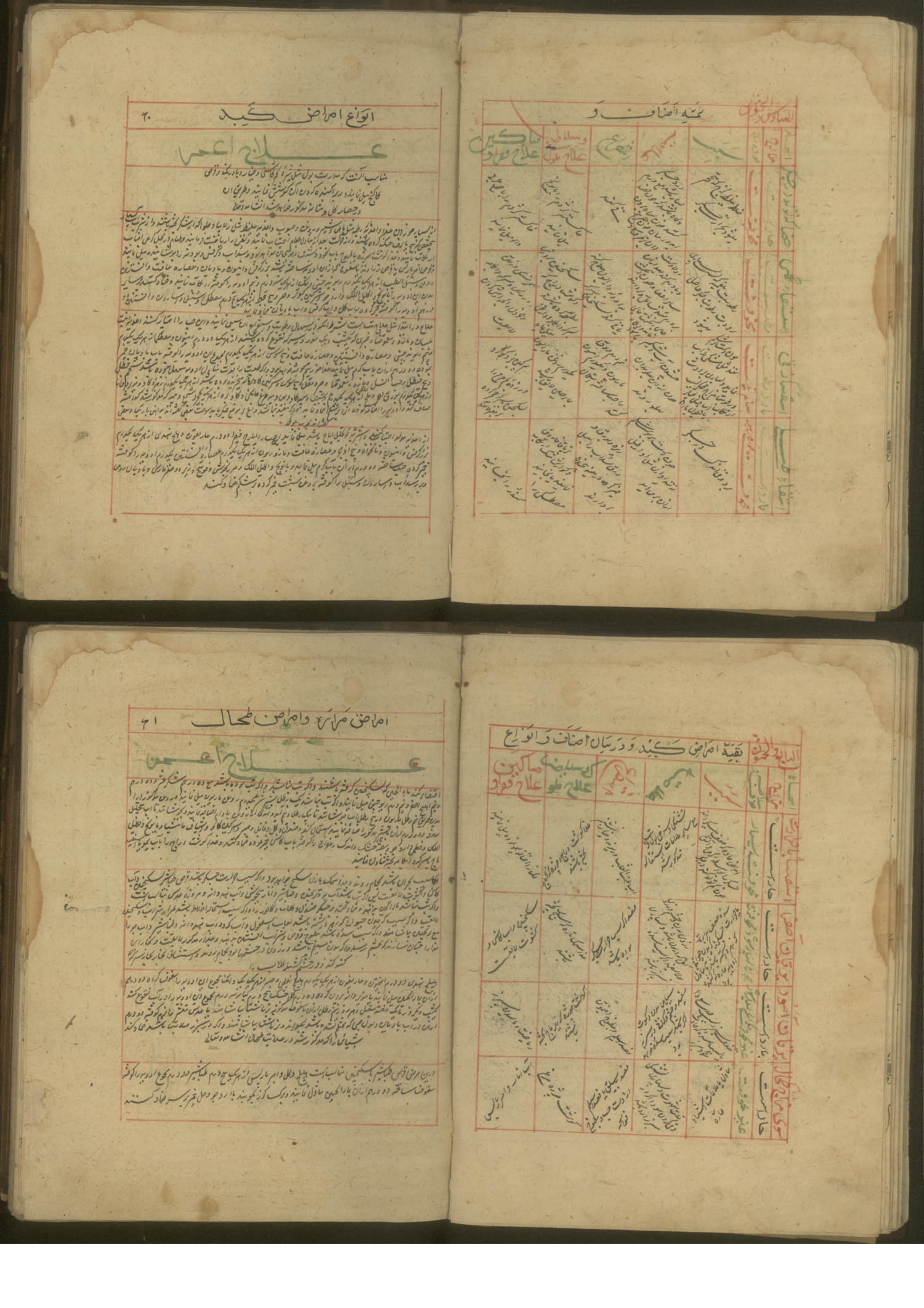
علاج اعم

...	...	...	...	...	...
علاج فقرا و مساکین	علاج ملوک و سلاطین	نفع	...	...	...

علاج اعم

معالجهٔ این مرض در جمیع اقسام مثل معالجهٔ حرارت
جگر است و آن مذکور شد

... آنست که سکنجبین ... که در آن زعفران و ...
و ریوند و امثال آن کرده باشند مناسب است
... جگر سعی نمایند و ...
... سعی نمایند

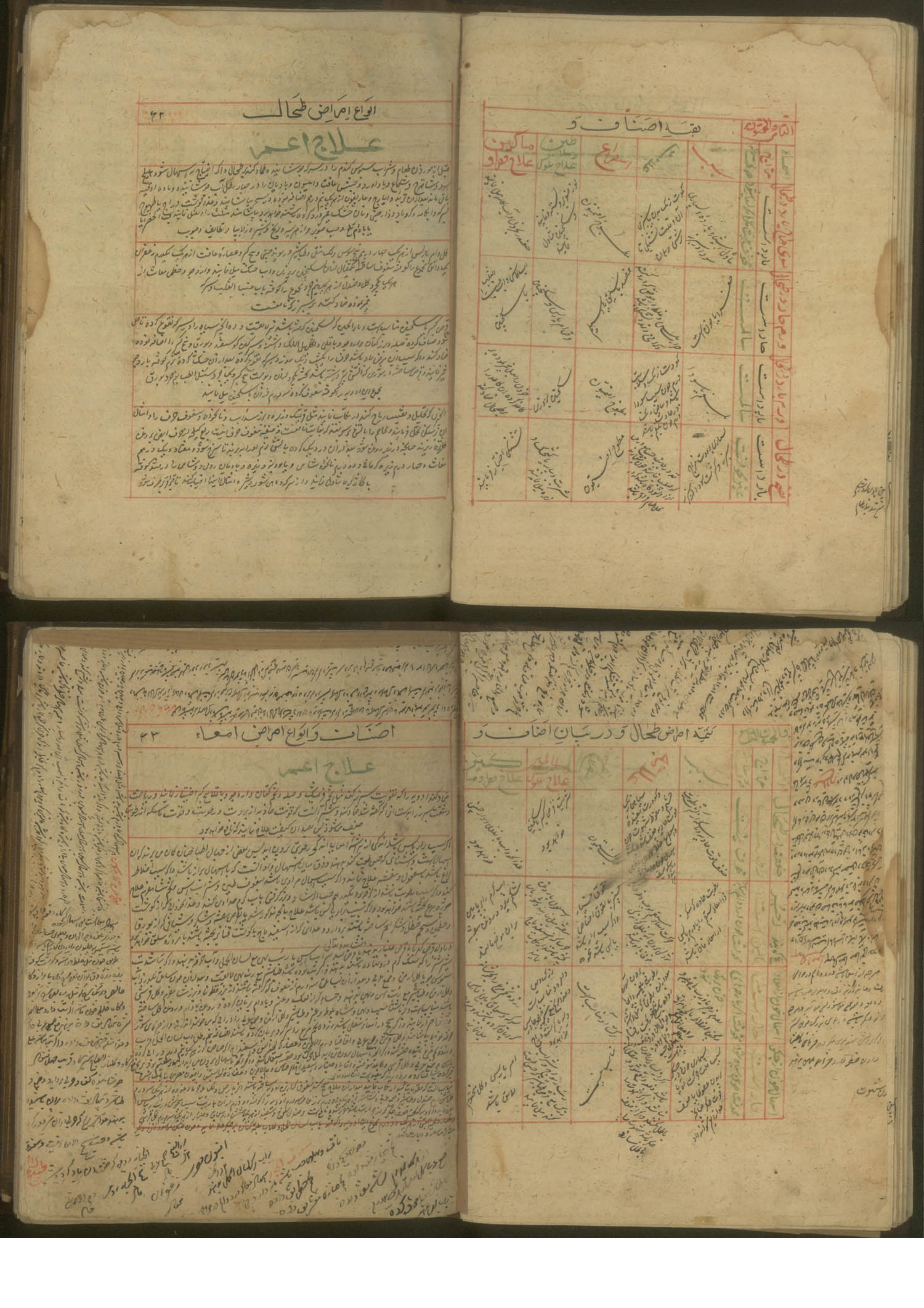


علاج اعم

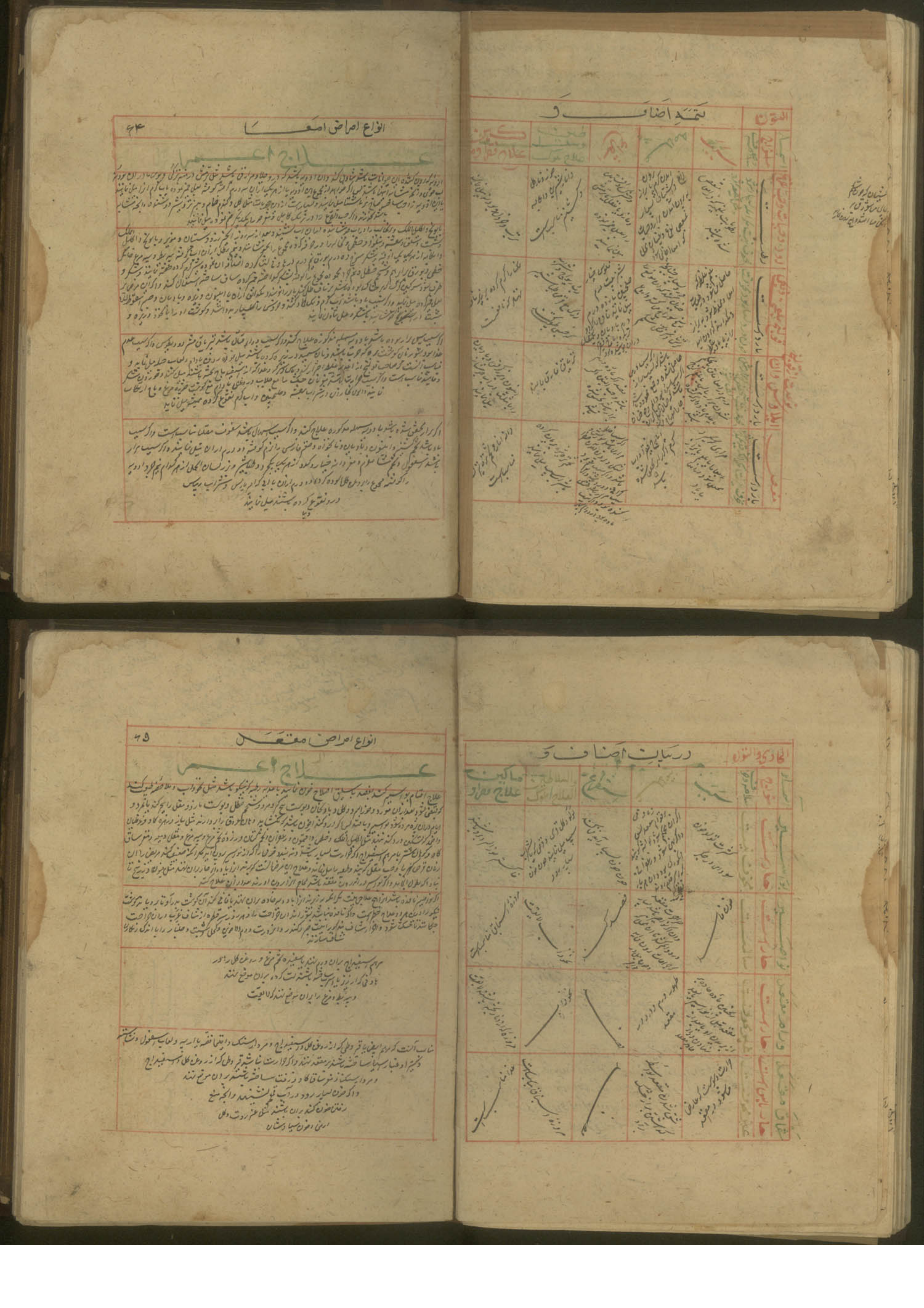
السادس من الجدول

علاج اعم

السابع من الجدول



انواع امراض طحال ۶۲
علاج اعم
بقیه اصناف و
اصناف و انواع امراض امعاء ۶۳
علاج اعم
تتمه امراض طحال و در بیان اصناف و



علاج اعمی

[illegible]

تتمه اصناف

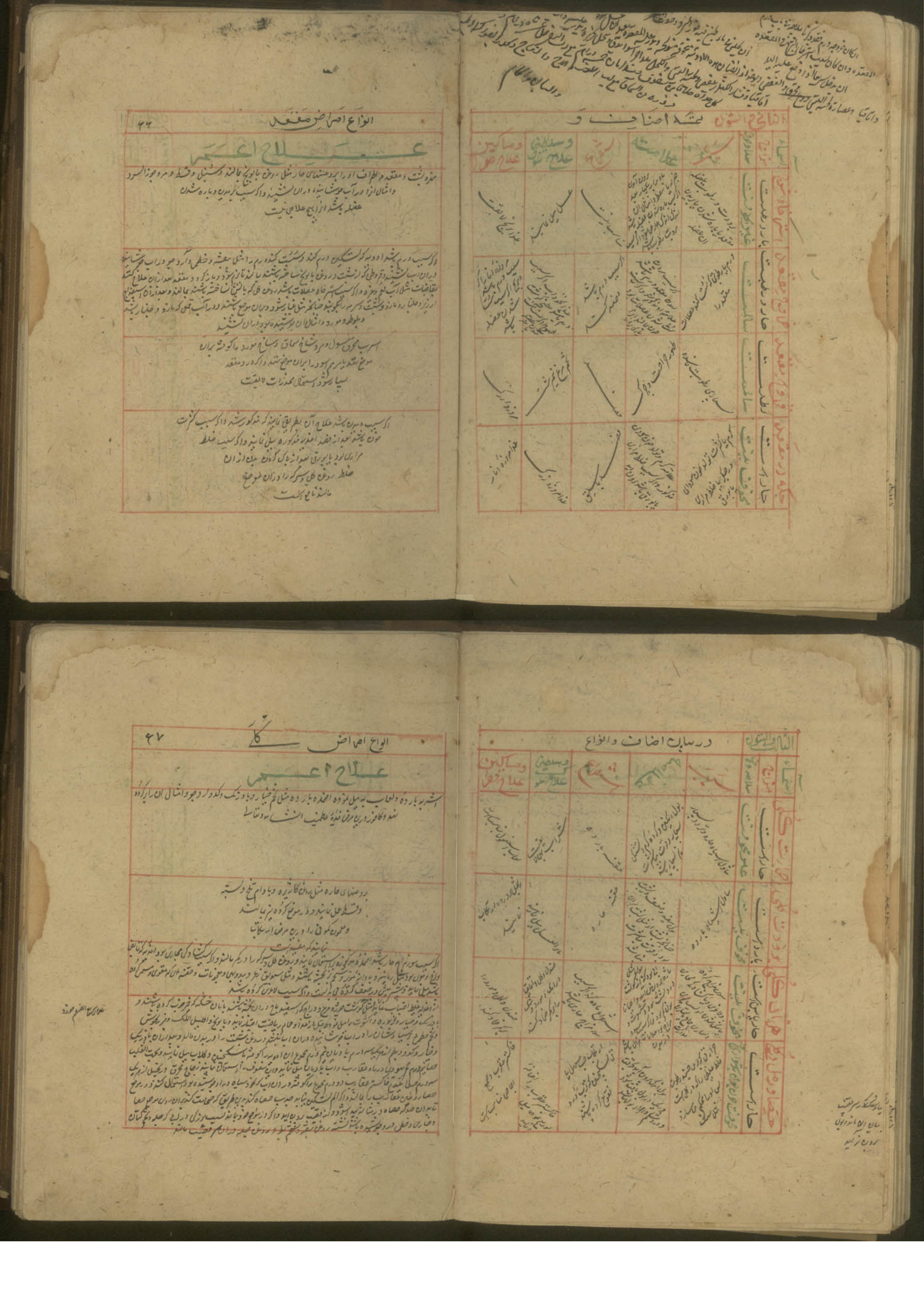
[illegible]

علاج اعمی

[illegible]

در بیان اصناف

[illegible]



علاج اعم

مقعد... و اطراف او را بر دهنهای حار مثل روغن بابونج بمالند و سنبل و قسط و مرد جوز السرد و امثال انرا در آب جوشانیده و دران نشینند و اگر سبب ... باشد ... عقد باشد ازاینچ علاجی نیست

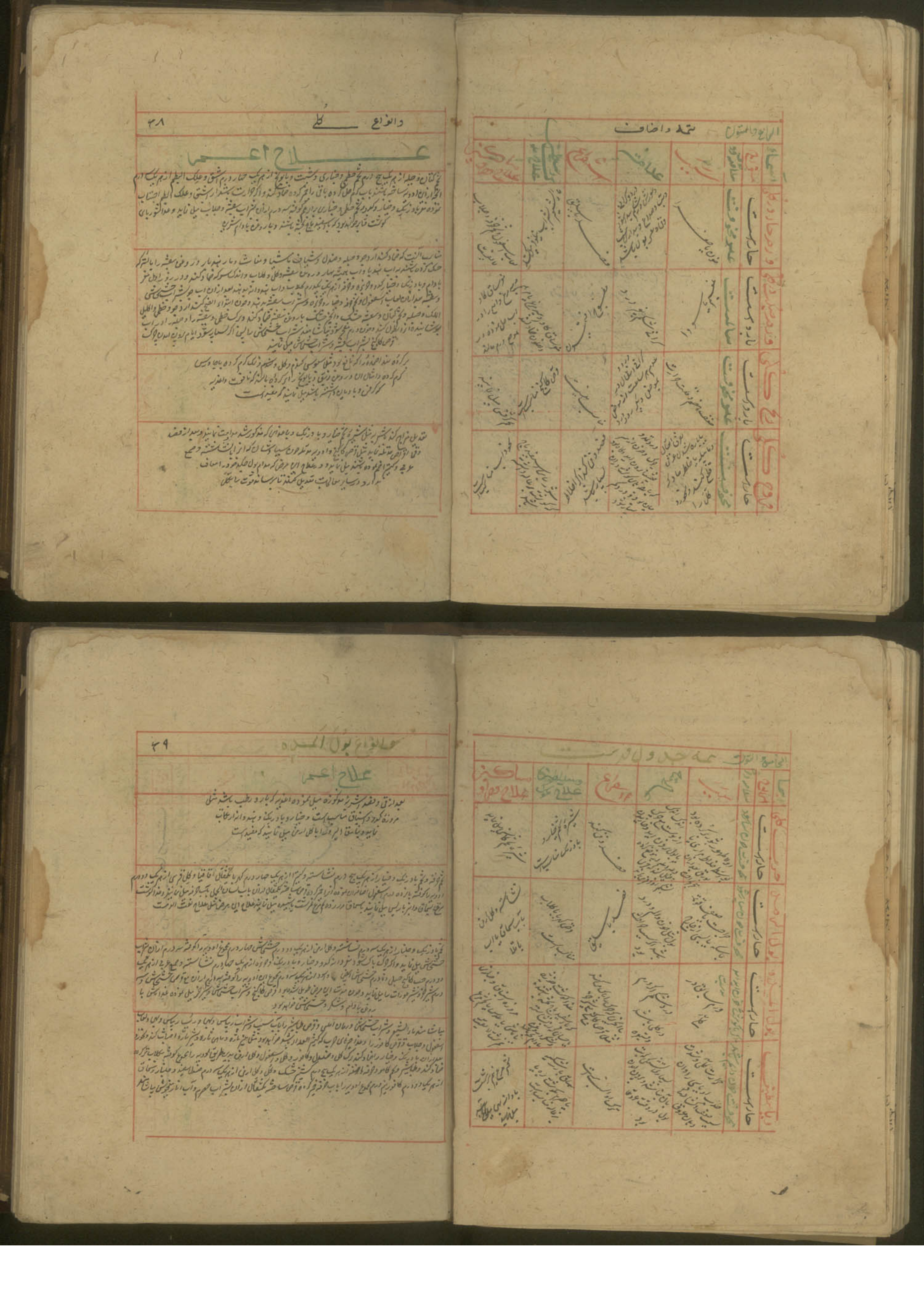
اگر سبب ورم باشد ... و دران آب ... و اگر سبب ... و دران آب ... و امثال ان جوشیده بود دران نشینند

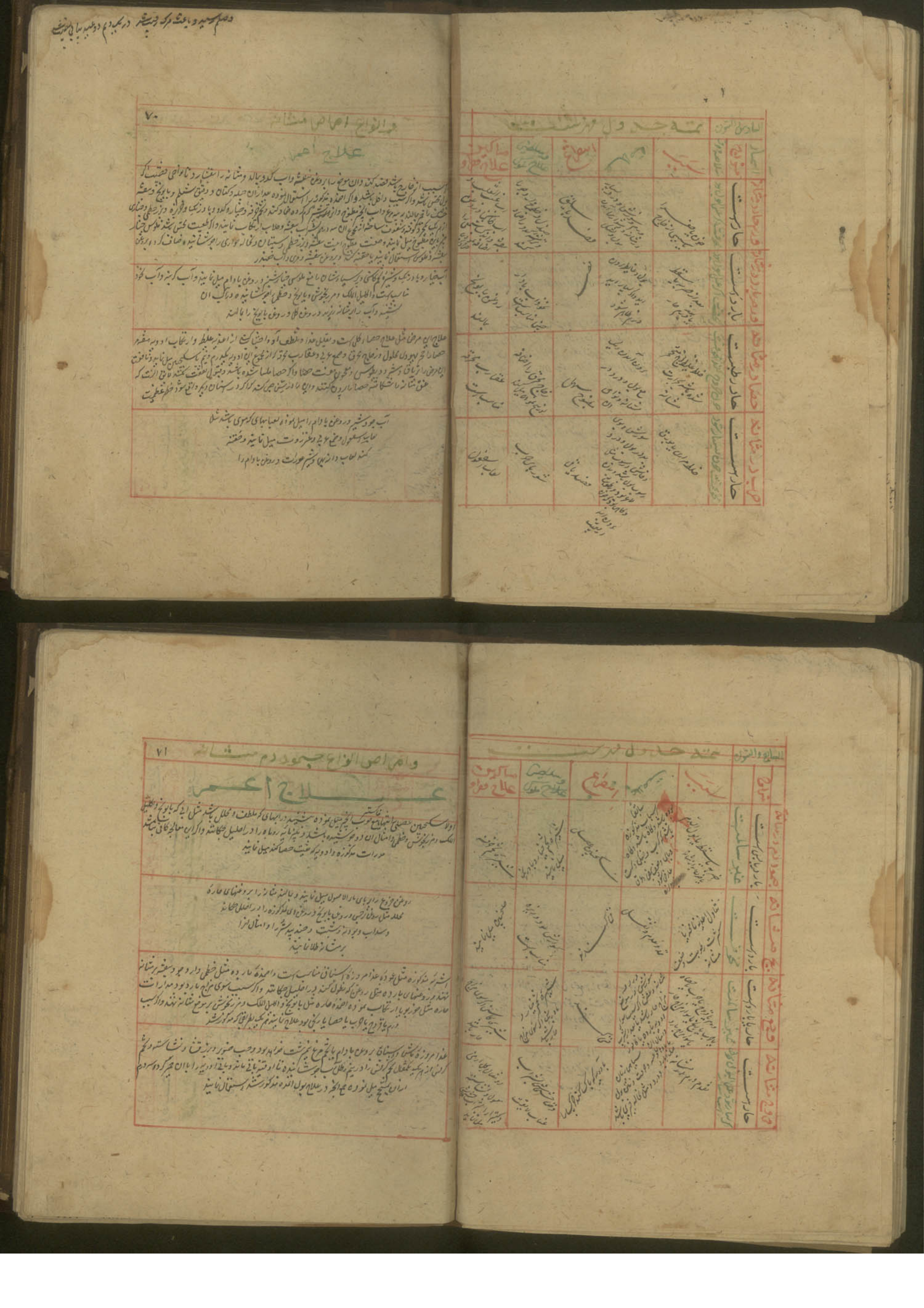
اسرب محرق مسول ... مرد ... سماق ... موضع ... اگر در مقعد بسیار شود استعمال محذرات لایقست

علاج اعم

اشربه بارده و لعاب به میل نموده ... بارده مثل تخم خیار ... و امثال ان ... و کافور در این مرض نافع ... ادشی ... تعالی

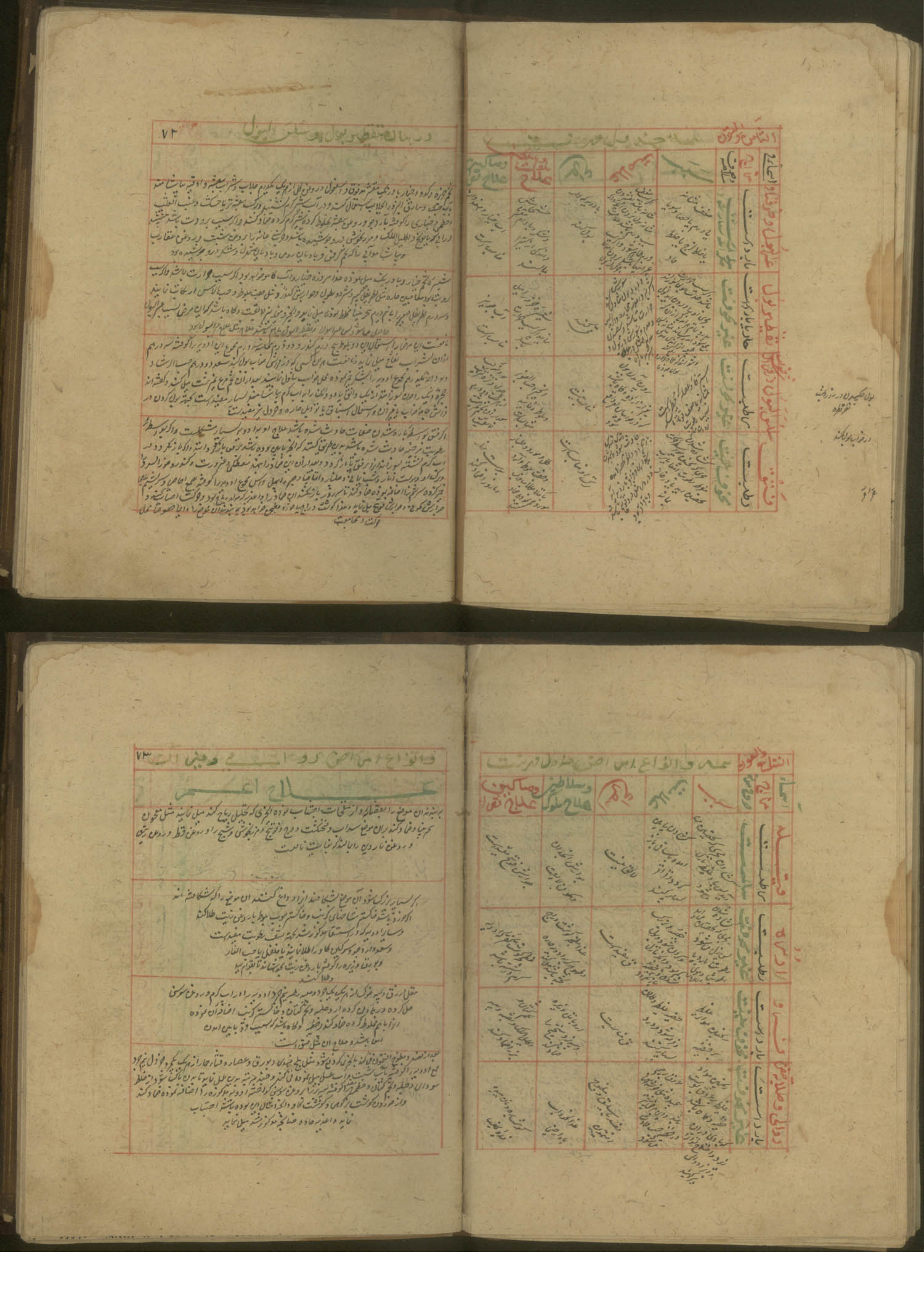
بر وضعهای حاره مثل روغن ... و باد ... تلخ ... و قسط ... در موضع گرده ... بمالند و ... کمونی را در این مرض ... نافع ...





۷۰

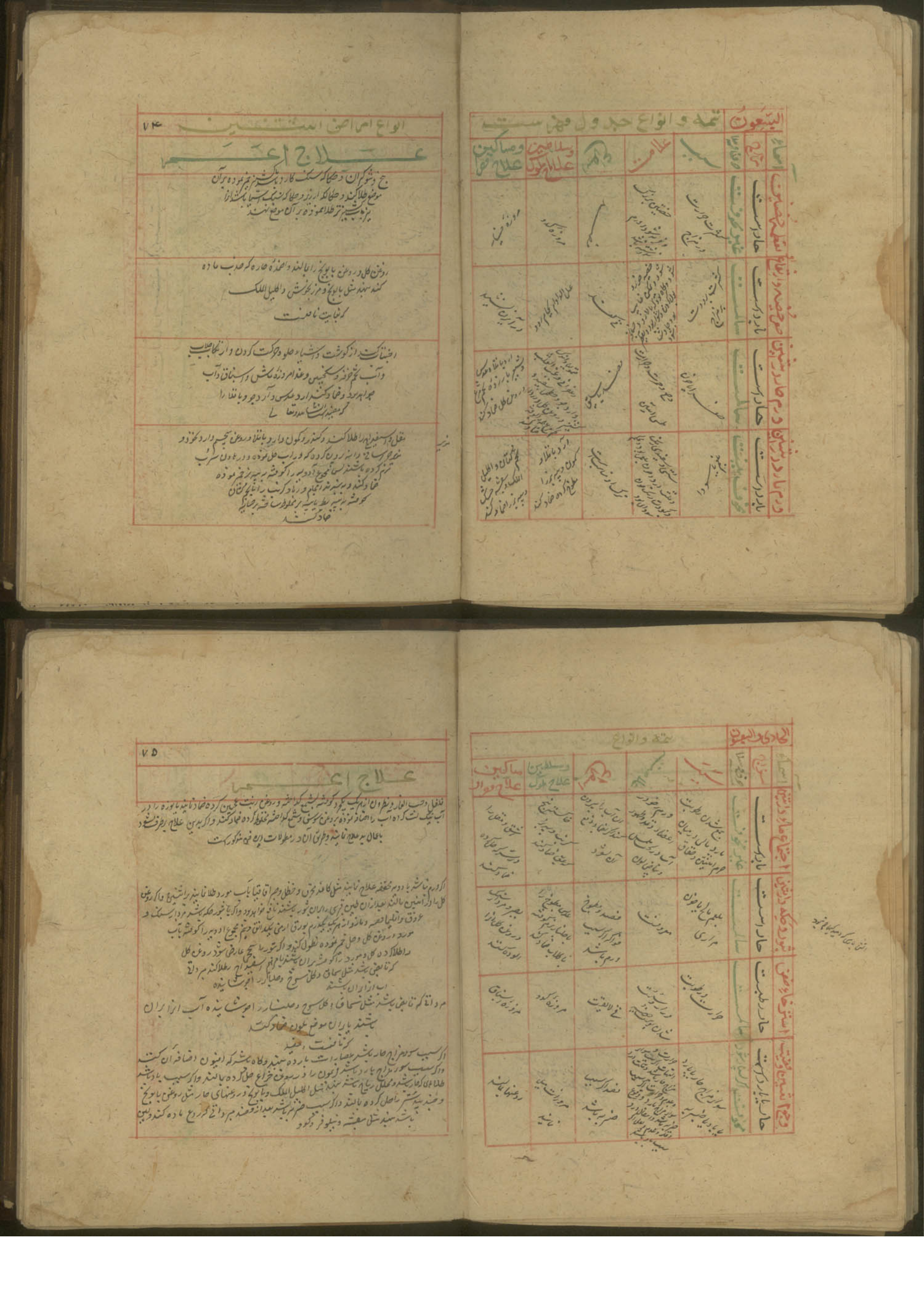
۷۱

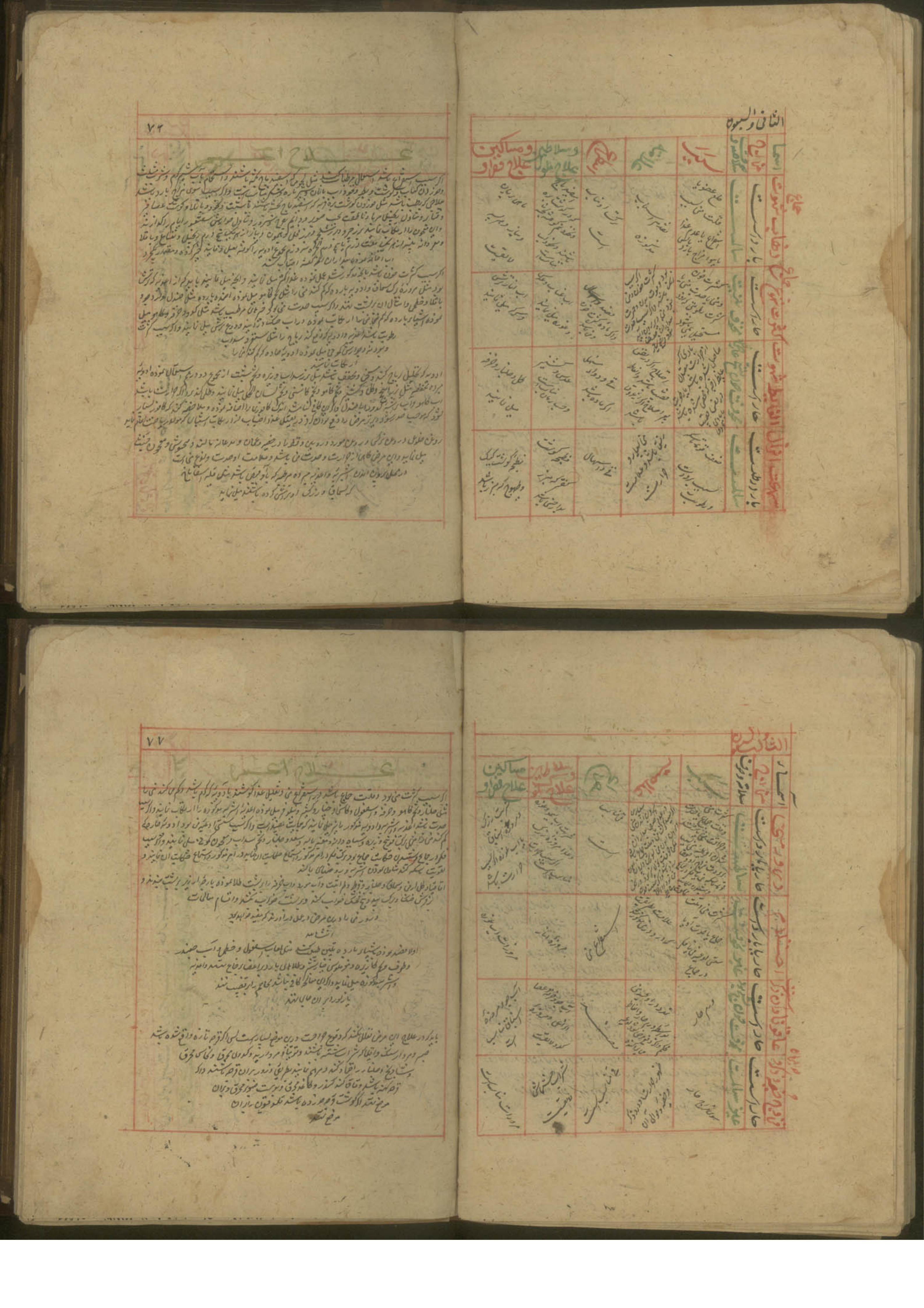


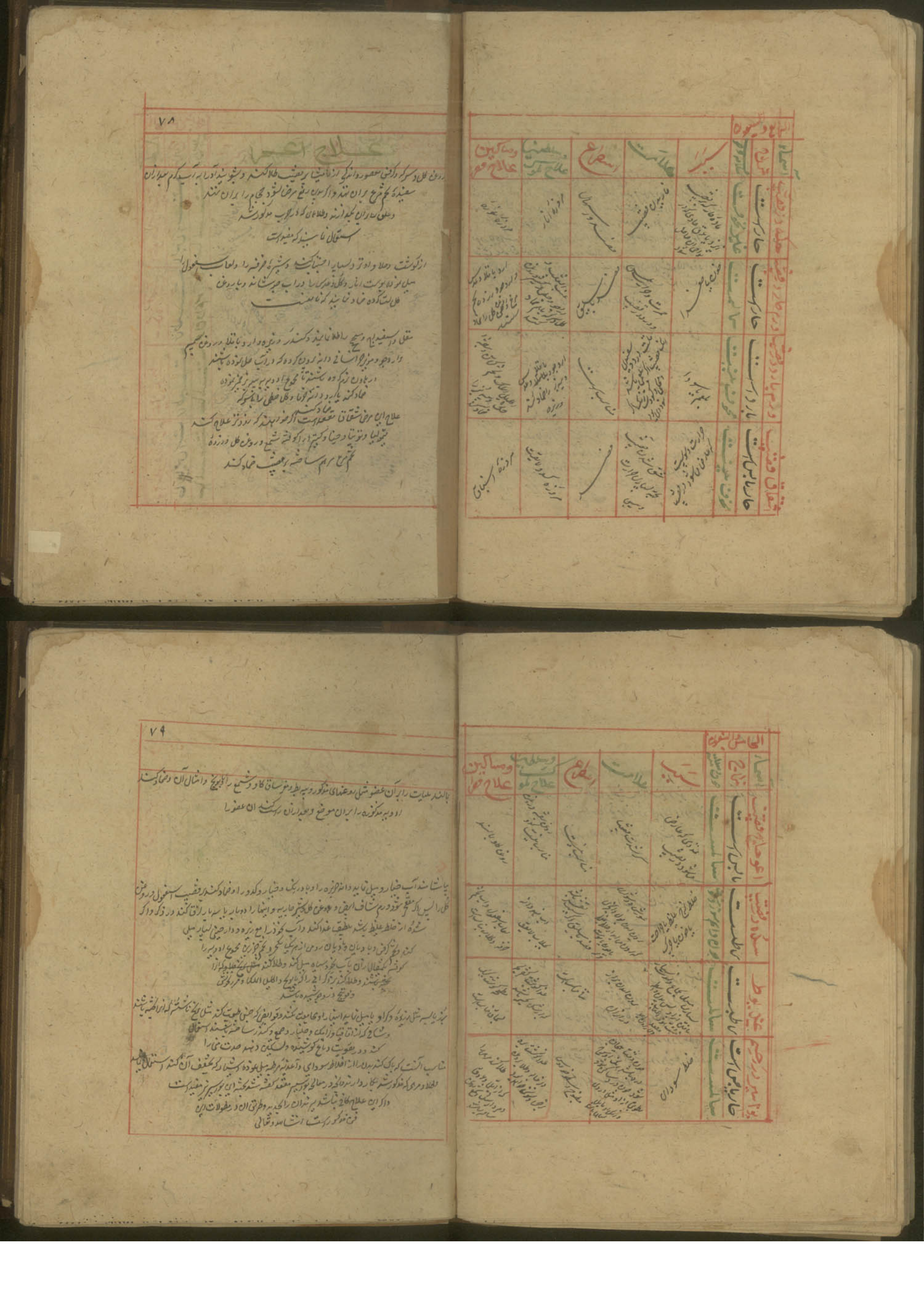
در بیان تقطیر بول و سلس البول

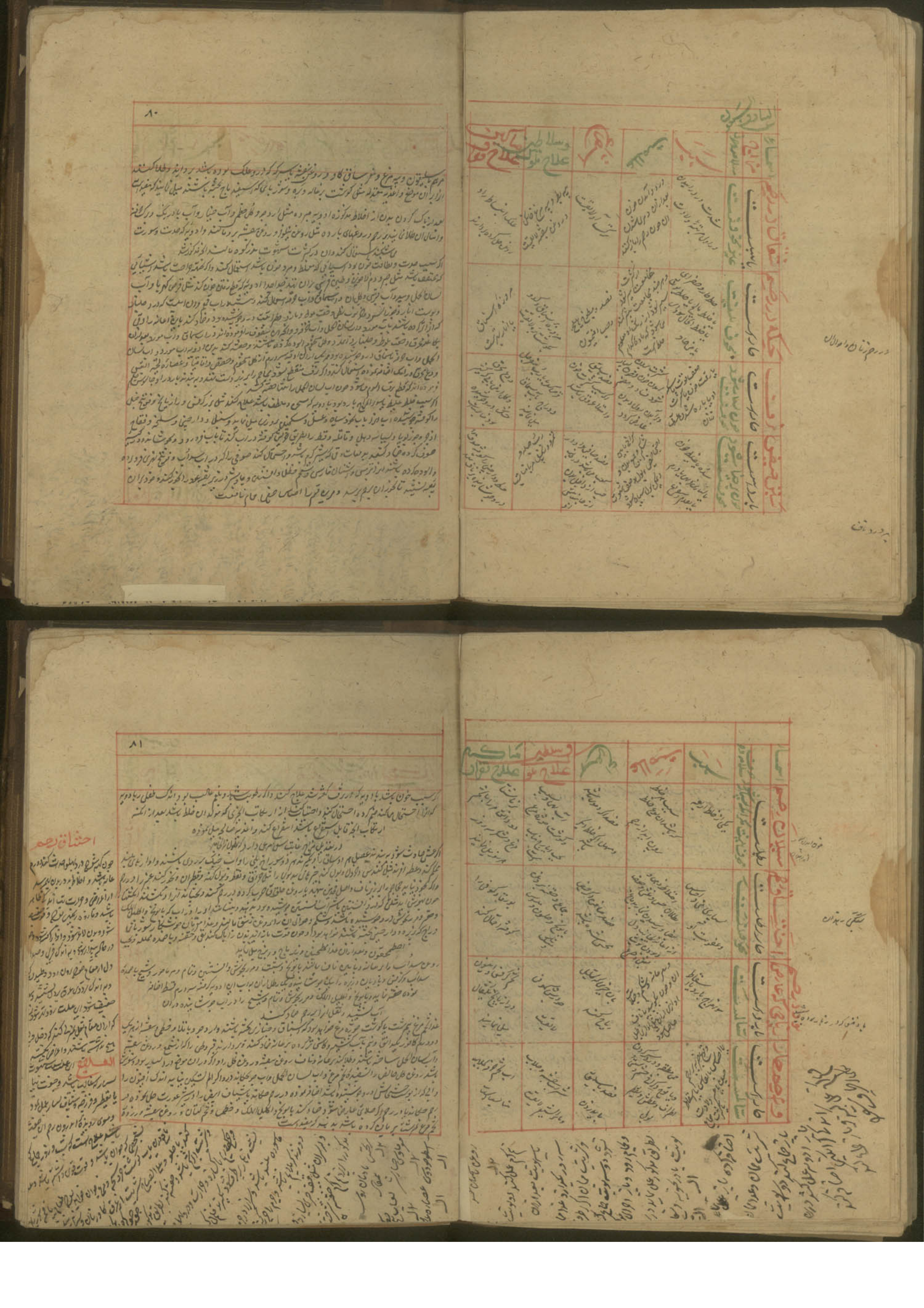
در انواع امراض

علاج اعم





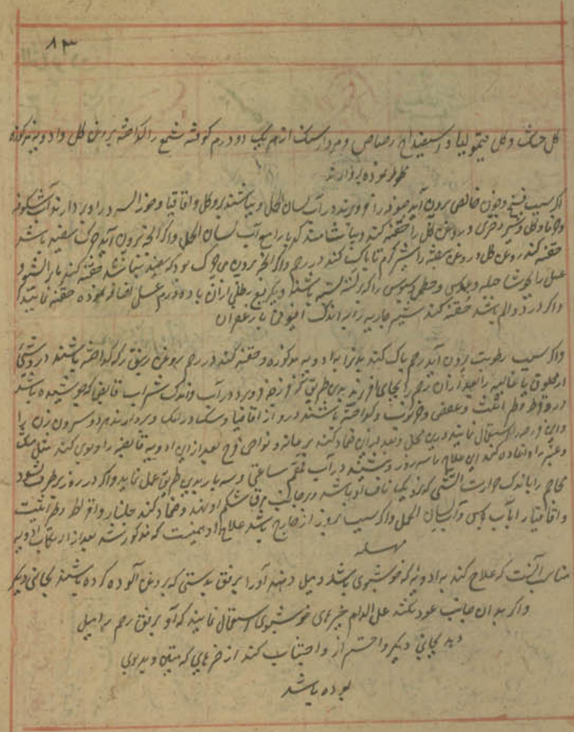




اسماء الامراض	علامات	اسباب	علاج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بهار و روغن بنفشه را کداخته [illegible] لعاب حلبه و لعاب بزر کتان [illegible] آلوده کرده بر
دارند و ضماد کنند تخم کتان و حلبه [illegible] و بیخ خطمی [illegible] روغن گاو [illegible]
[illegible] و اصل خطمی و بنفشه [illegible] جوشیده
باشد

حلبه و تخم کتان و بابونه و اکلیل الملک و خطمی [illegible] کرم [illegible]
ضماد کنند [illegible] در لعاب بزر کتان و حلبه [illegible]
[illegible] روغن [illegible]
[illegible] حقنه کنند [illegible]
[illegible]
سرطان رحم [illegible] تسکین درد [illegible]
[illegible] روغن [illegible] حقنه نماید [illegible]
[illegible] لسان الحمل [illegible]
[illegible] ضماد کنند [illegible]
[illegible]
[illegible] علاج نمایند [illegible]
[illegible] روغن [illegible]
[illegible] کند از [illegible] و ضمادات نافعست



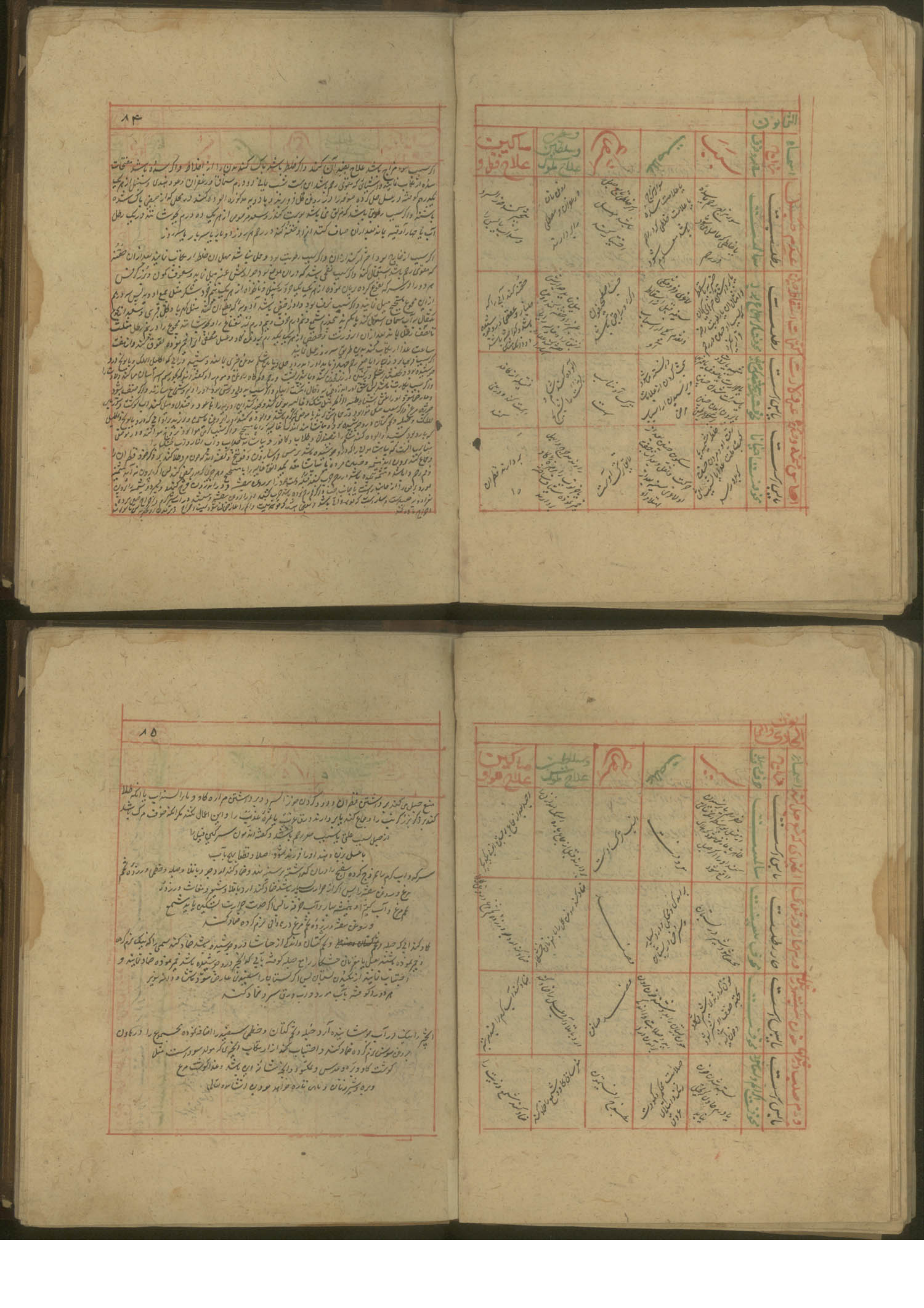
[illegible] رصاص [illegible] روغن گل داد [illegible]
[illegible]
اگر سبب [illegible] در آب لسان الحمل [illegible] اقاقیا [illegible]
[illegible] حقنه کنند [illegible] آب لسان الحمل [illegible]
حقنه کنند روغن گل و روغن بنفشه [illegible]
[illegible] حلبه [illegible]
[illegible] حقنه نمایند [illegible]
[illegible] زعفران

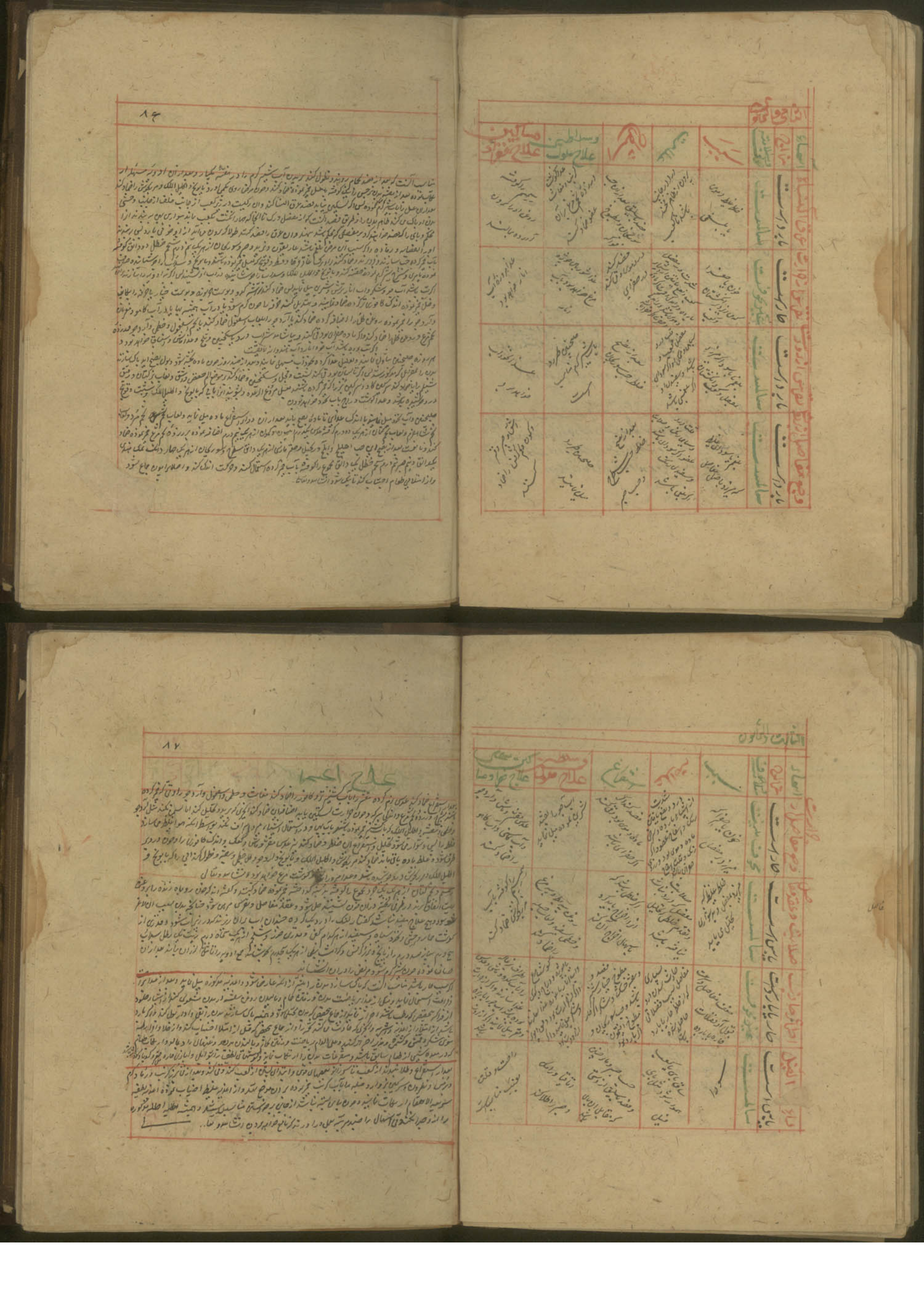
و اگر سبب رطوبت [illegible] حقنه کنند [illegible]
[illegible]
[illegible] اقاقیا [illegible]
[illegible] ضماد کنند [illegible]
[illegible]
[illegible] لسان الحمل [illegible] علاج [illegible]

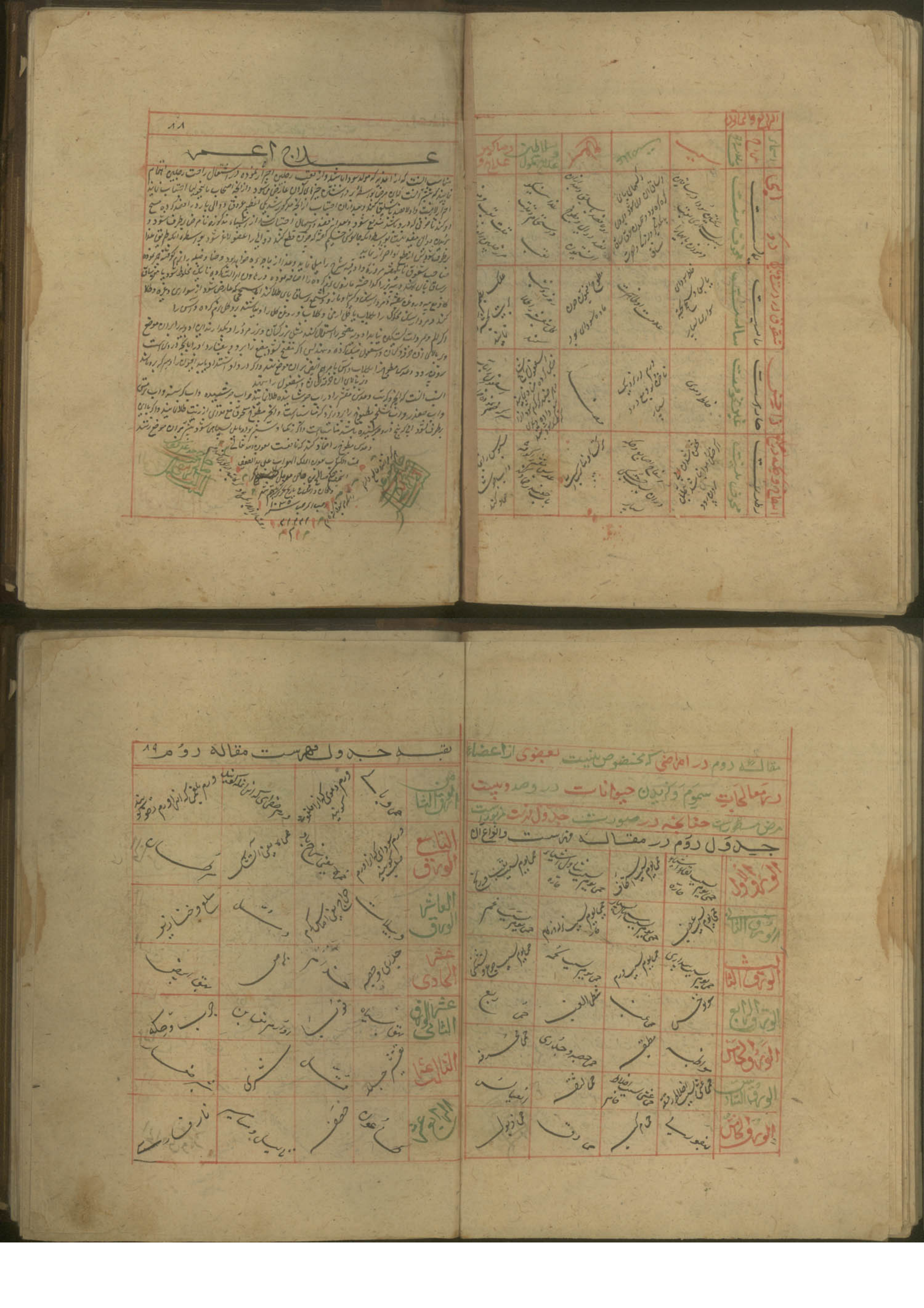
مسهله

[illegible] علاج کنند [illegible] خوشبوی باشد [illegible] روغن آلوده کرده [illegible] جای دیگر
و اگر [illegible] خوشبوی [illegible] نمایند [illegible]
[illegible] جای دیگر [illegible]
[illegible] کنند از [illegible]
بوده باشد

اسماء الامراض	علامات	اسباب	علاج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]





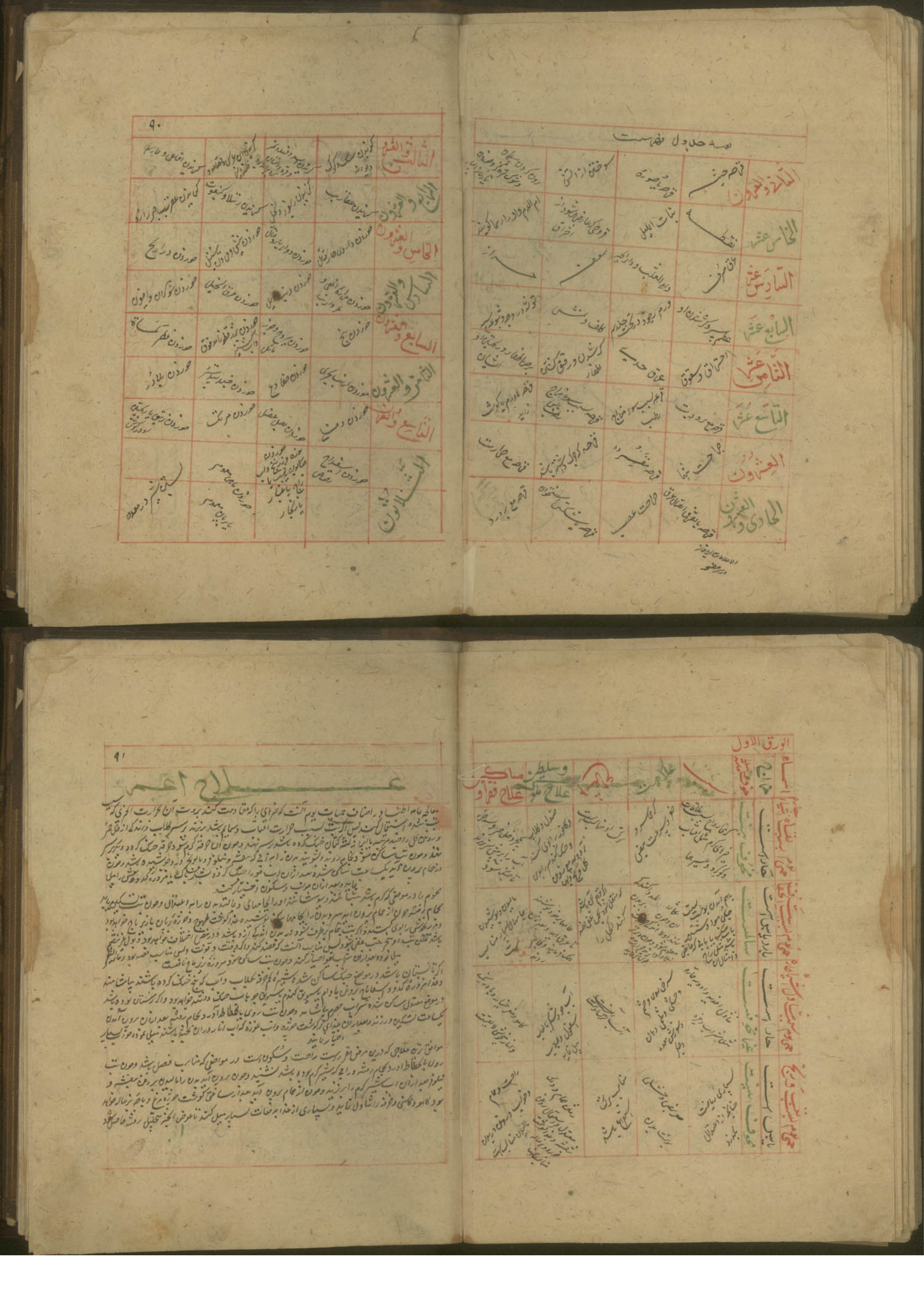


علاج اعصاب

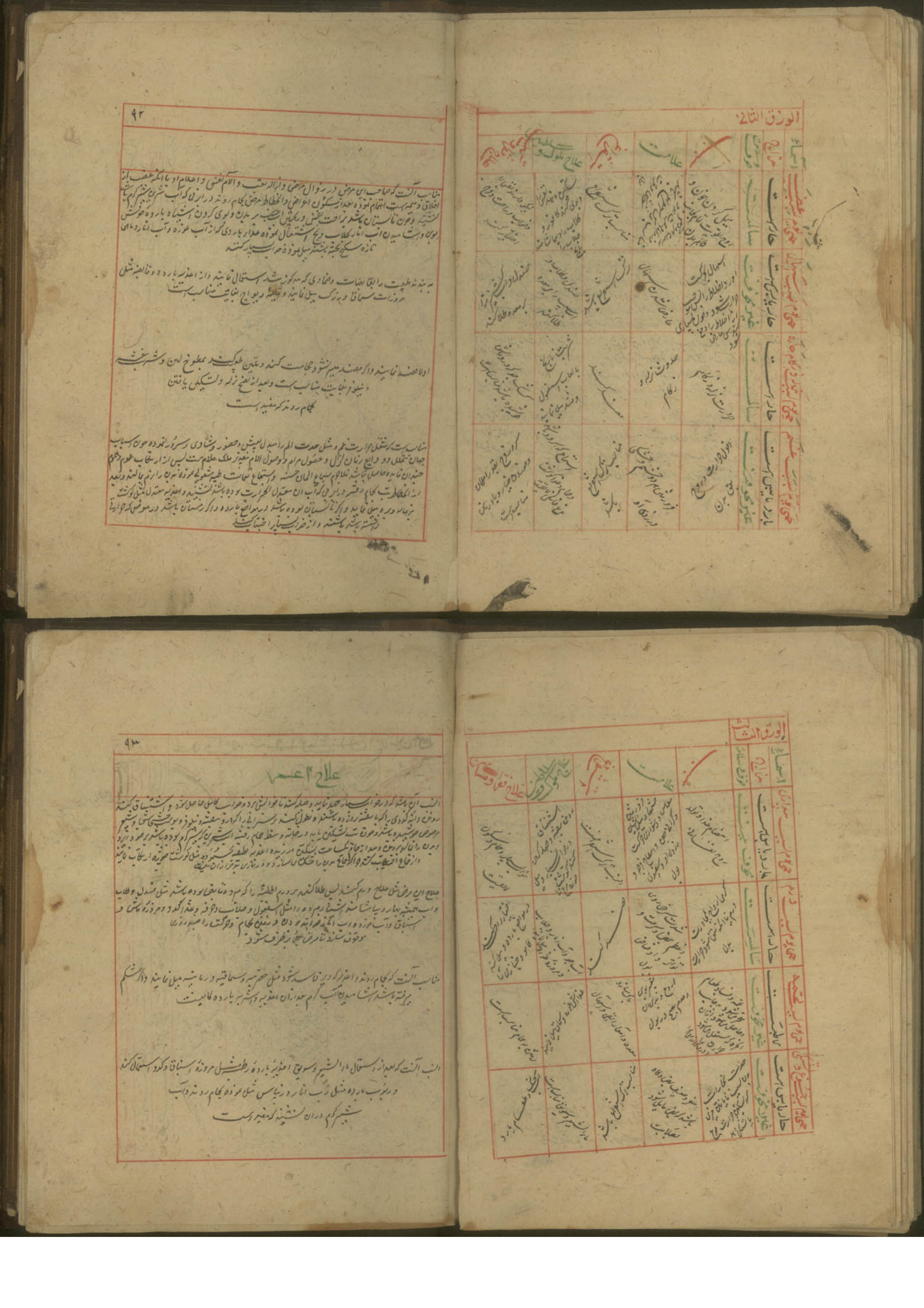
مقاله دوم در امراضی که مخصوص نیست بعضوی از اعضا

در معالجات سموم و گزیدن جیوانات در وصد و بیست

جدول فهرست مقاله دوم در انواع آن



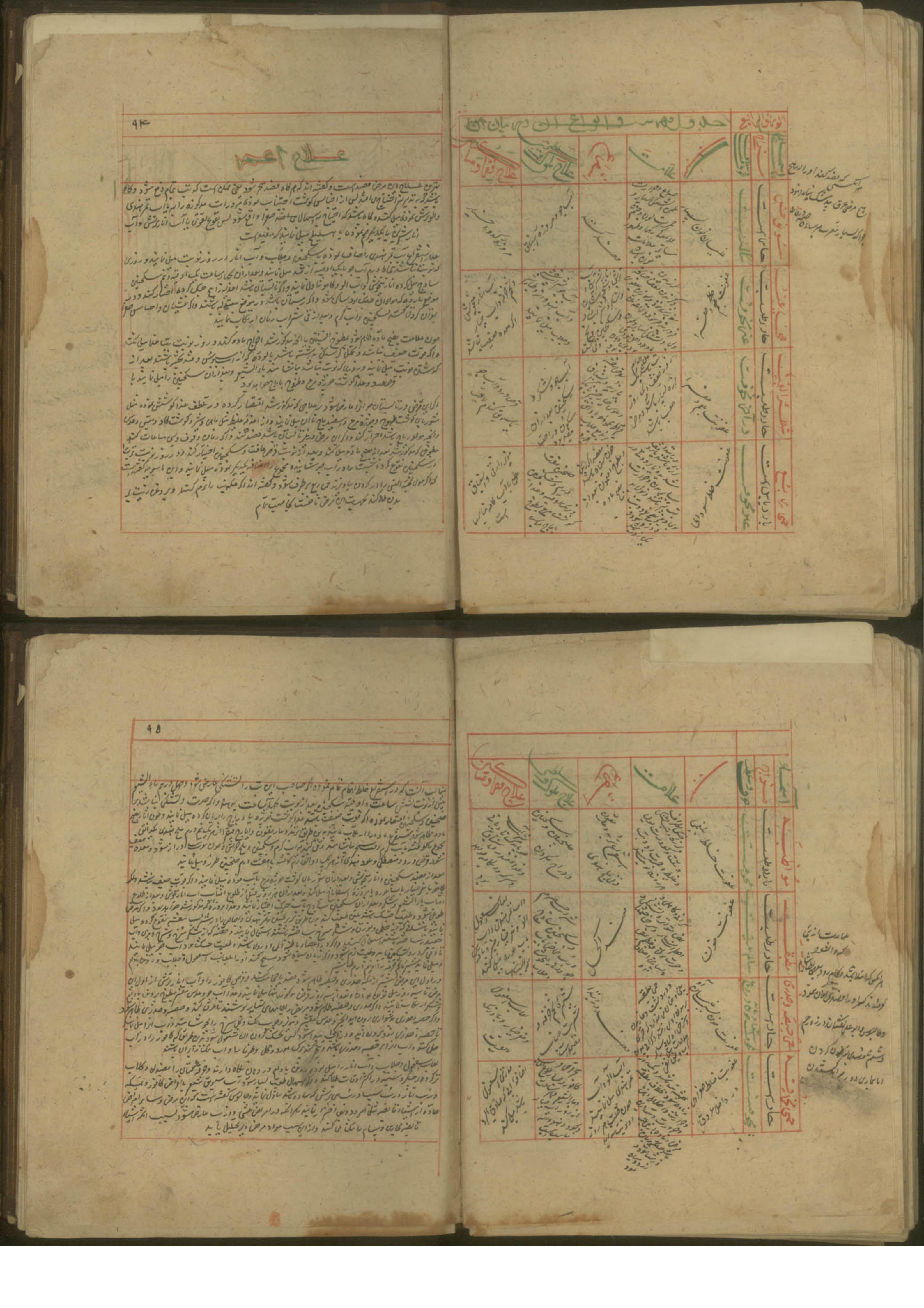
الورق الاول



الورق الثانی

علاج اعصا

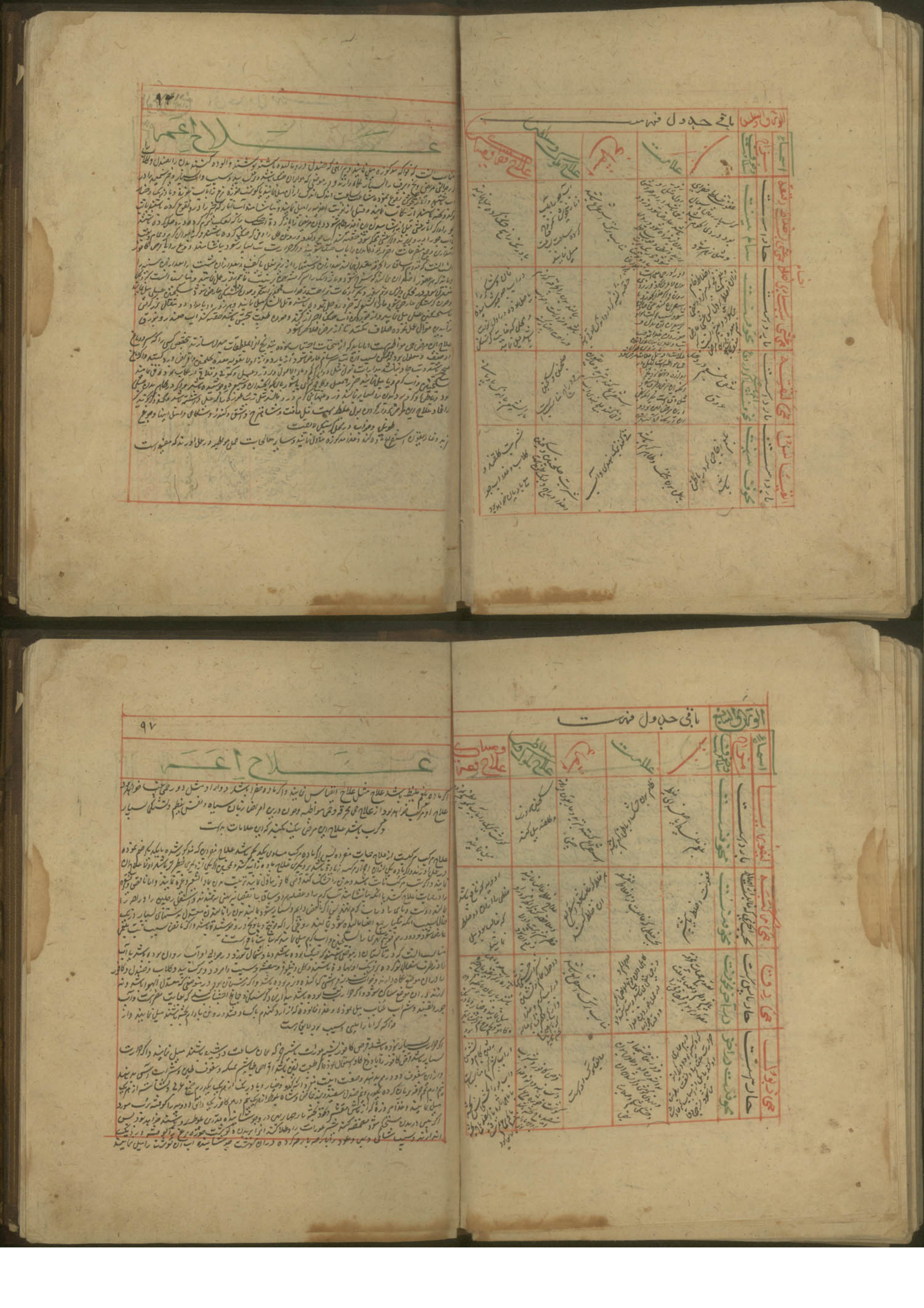
الورق الثالث



علاج [illegible]

جدول فهرست انواع ... در بیان ...

علامت



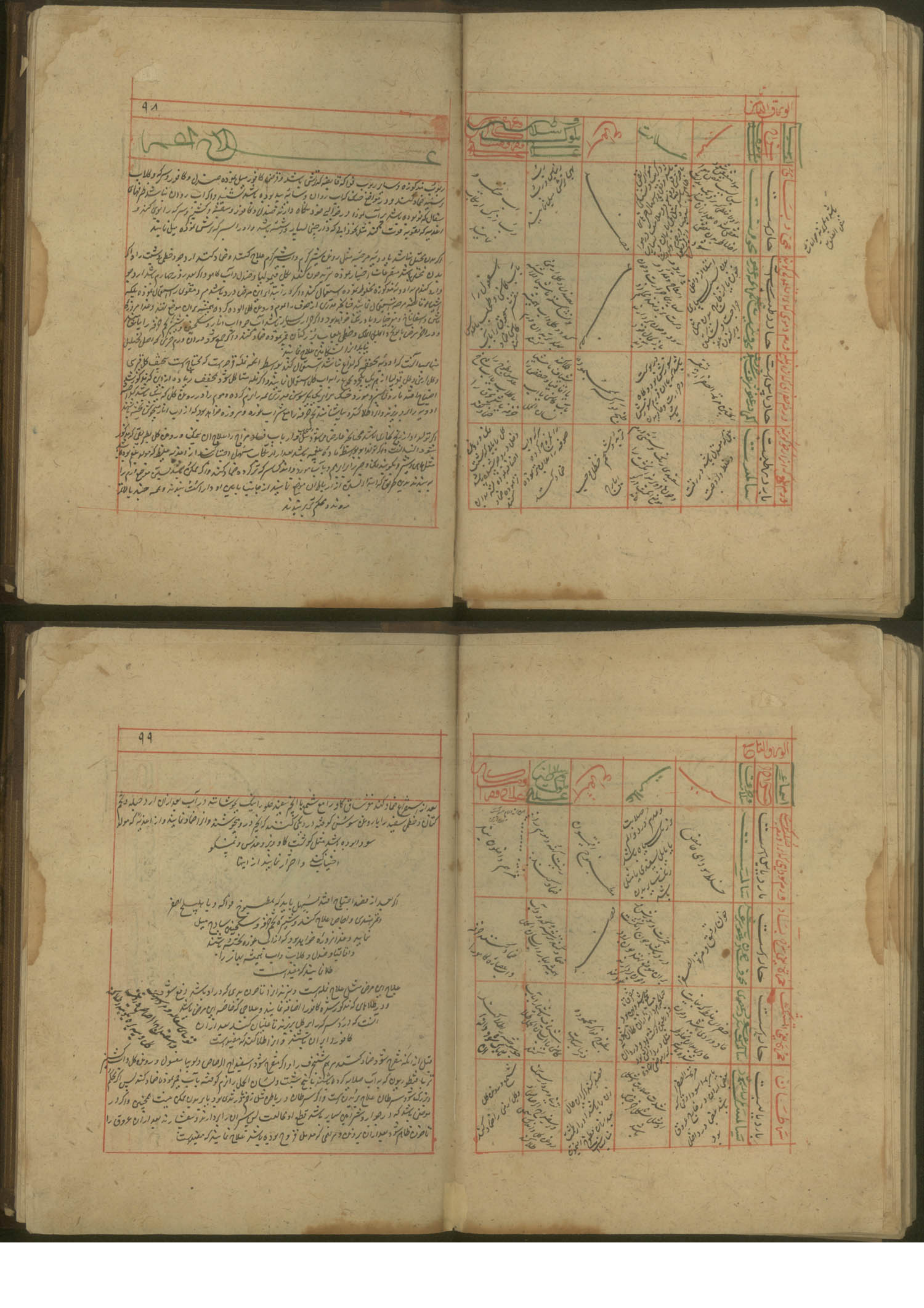
علاج اعمى

باقی جدول فهرست

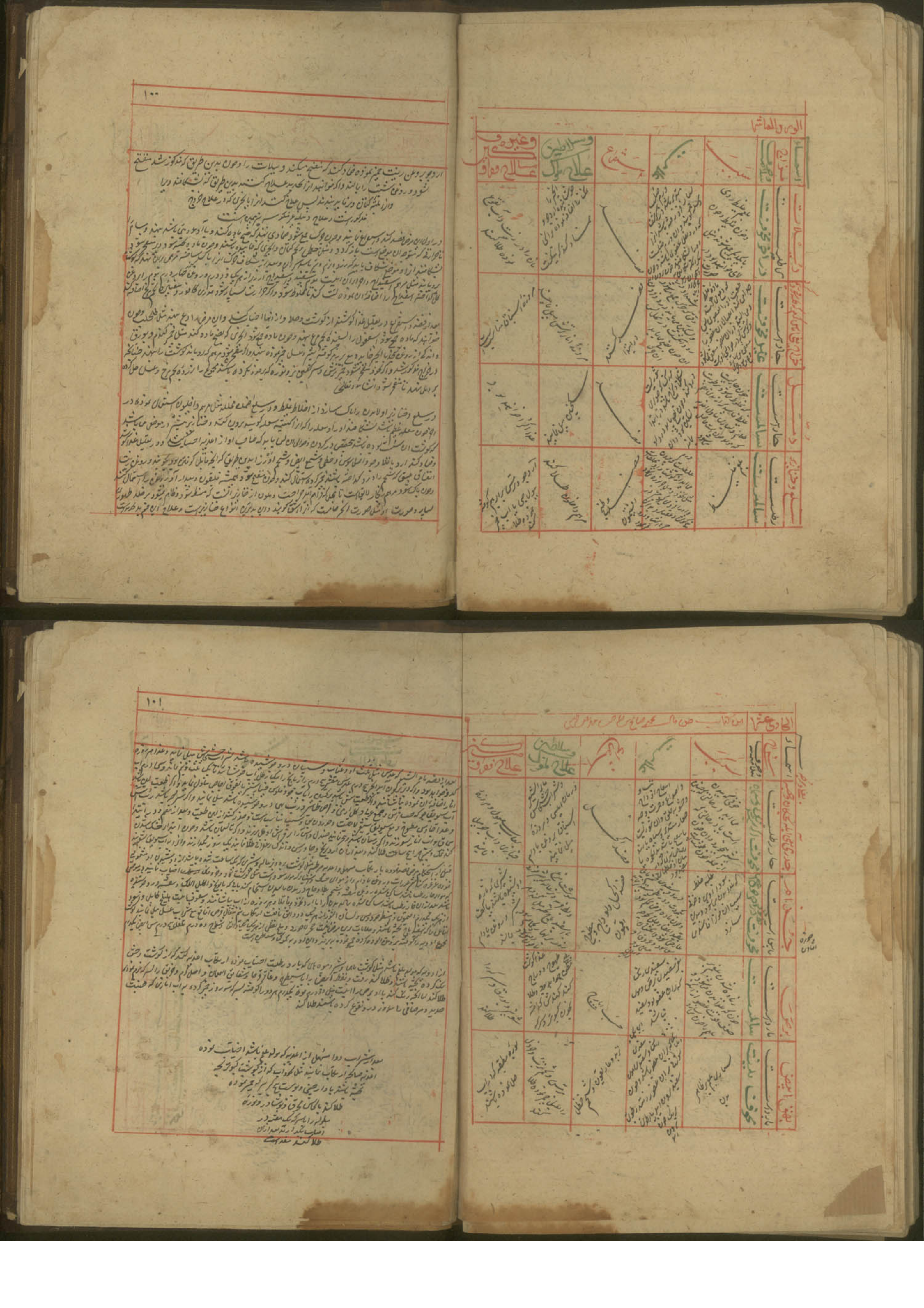
باقی جدول فهرست

علاج اعمى

اگر ماده بلغم غلیظ باشد علاج مثل علاج انقباس نماید و اگر ماده صفرا باشد دوا او مثل دو رحمی ... خواهد علاج او مرکب خواهد بود از علاج حمی محرقه و حمی مواظبه و چون در این امراض زبان سیاه و نفس عظیم و تشنگی بسیار و کرب باشد علاج این مرض سیف بکنید که این علامات بد است

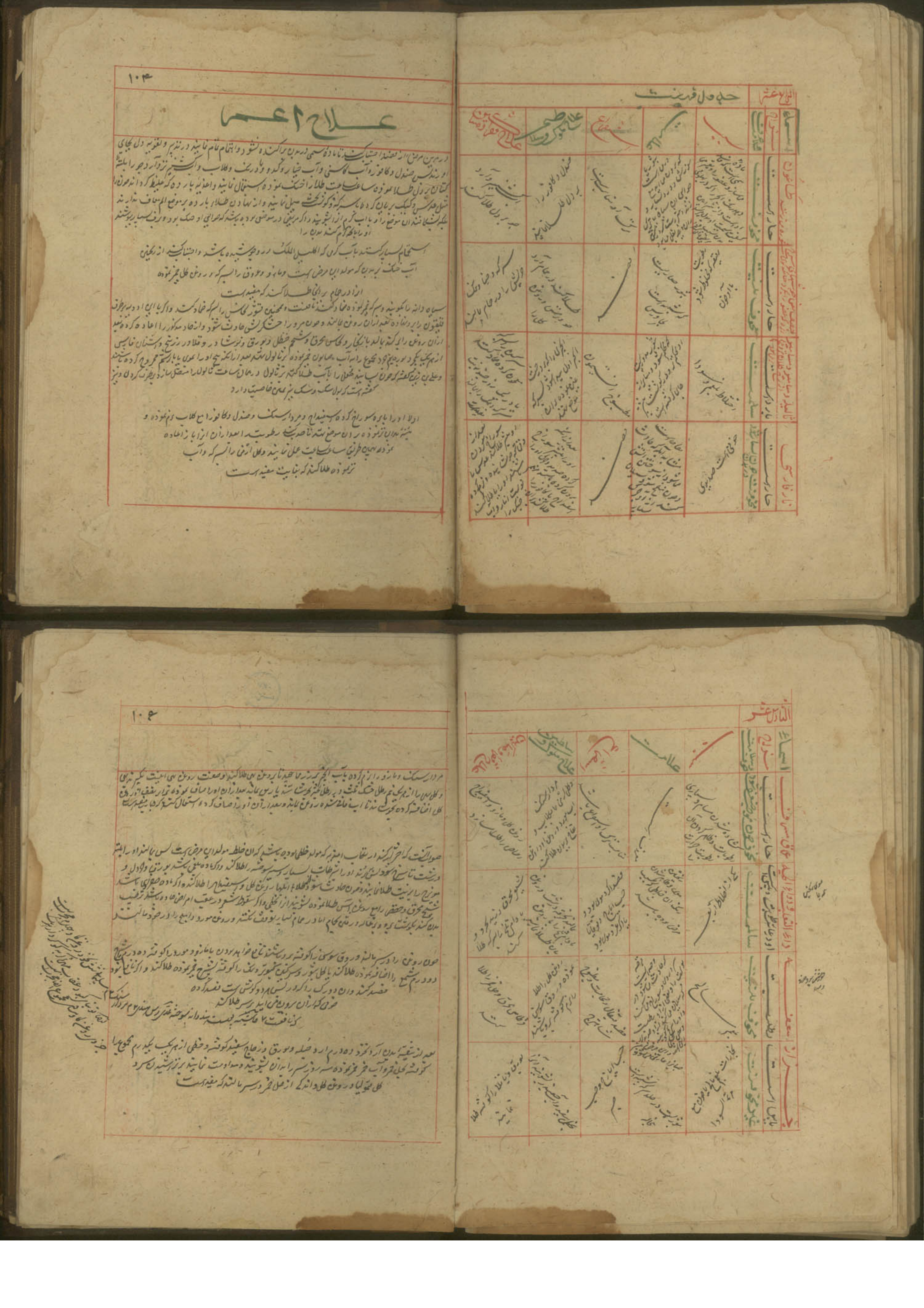


علاج الحمی



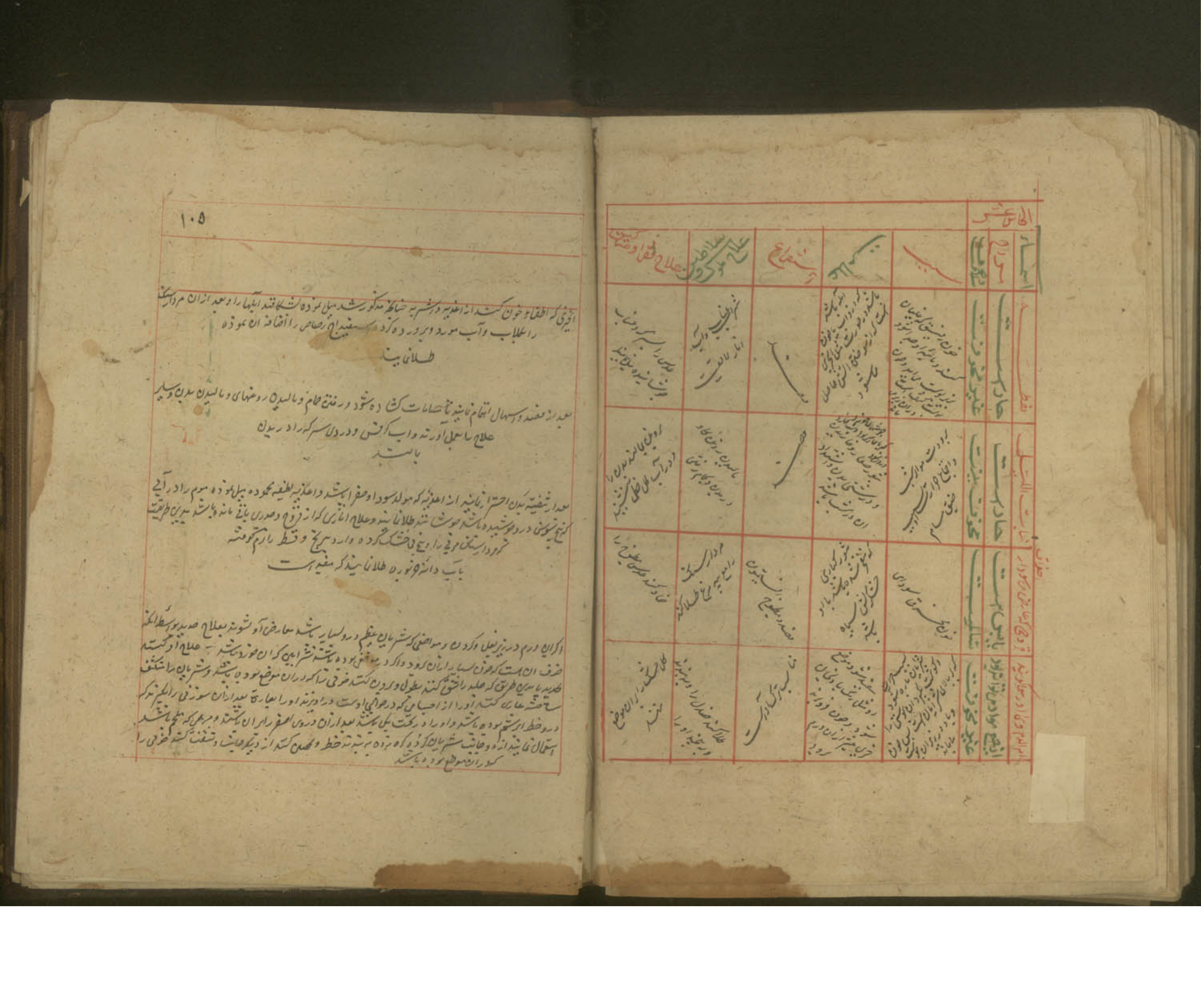


علاج اعما



علاج اعمى

جدول فرینیت



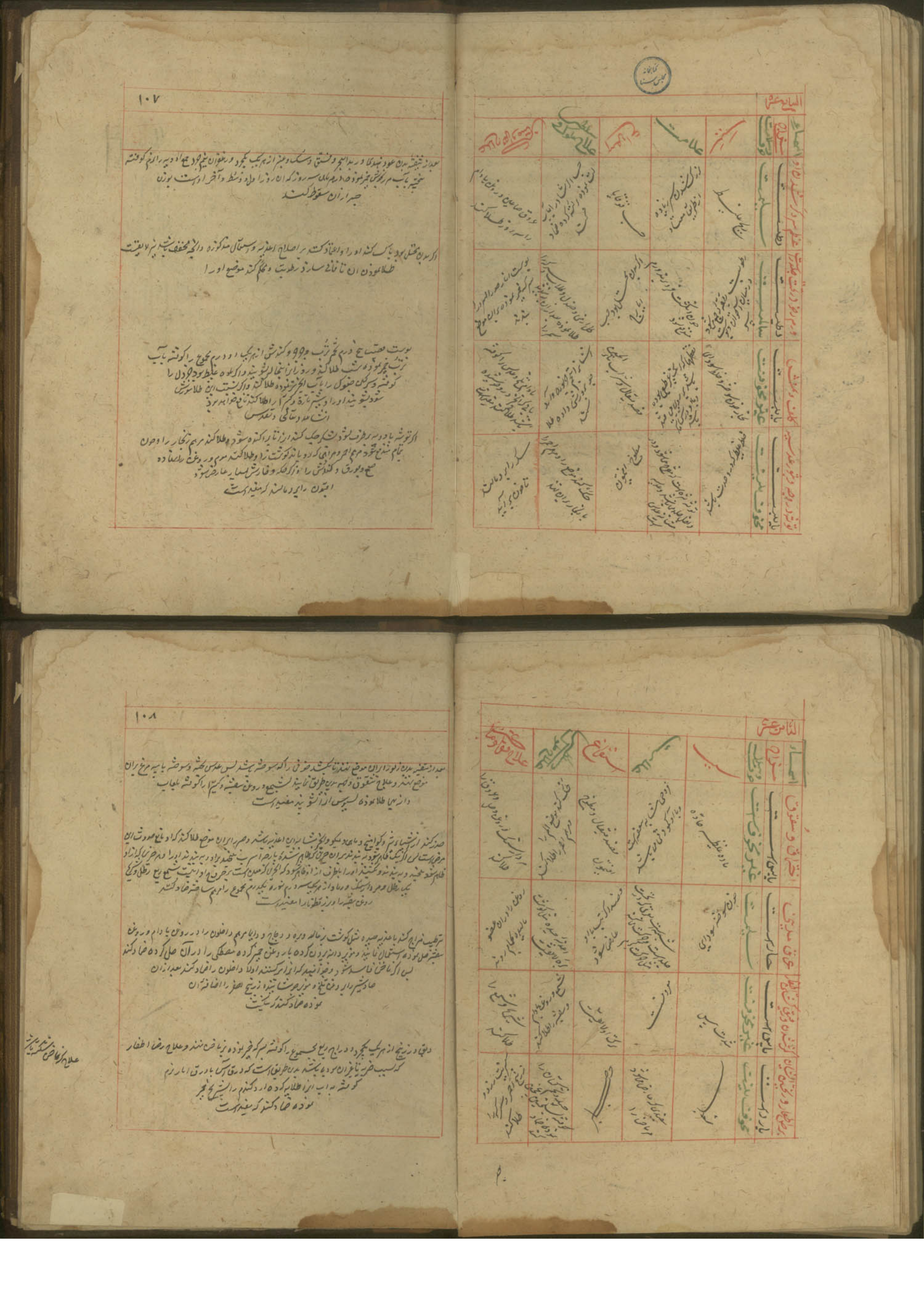
انچری که اطفا و خون کشد از اغذیه و اشربه مناسب مذکور شده میل نموده اشکاف قند ایشها را و بعد از آن مرداسنگ
را طلاب و آب مورد و برورده کرده سفیداج رصاص را اضافه ان نموده

طلا نماید

بعد از فصد و اسهال اهتمام نماید تا مسامات کشاده شود و روغن خام و مالیدن روغنهای و مالیدن بدن و سیلر
علاج ساعیل آورده و اب کرفس و درد ماسر که راد رید ان
باشد

بعد از تنقیه بدن احتراز نماید از اغذیه که مولد سودا و صفرا باشد و اغذیه لطیفه محموده میل نموده موم را در آب
کرنج بنوشی در د موشیده باشد صورت شد طلا نماید و علاج آثاری که از قروح و صورت باقی مانده باشد سیر این طریقت
کرده استعمال نماید [illegible] خشک کرده و ادویه و قط رازم کوفته
باب دانه و نوره طلا نماید که مفید است

اکر این ورم در زیر بغل و کردن و مواضعی که شریانهای عظیم در و بسیار باشد عارض شود بعلاج حدید بوسط الکه



بعد از تنقیه بدن عود هندی و ریوند چینی و فستق و مشک و عنبر از هر یک یکجزو و زعفران نیم جزو جمع آورده و زیر ادویه را نرم کوفته
بخته با آب مرزنجوش خمیر نموده درهم بالا سه روز که آن روز را اول و وسط و آخر اوست بوزن
جبر از ان سقوط کند

اگر سوراخ متحلل بود پاک کند او را و اعتماد کند بر اصلاح اغذیه و استعمال مذکوره و آنچه مخفف باشد نیز لایقست
طلا نمودن آن تا خانه سازد رطوبت و محکم کند موضع او را

بورت معتبر ج درهم تخم ترب و ۹۹ و کندش از هر یک ا و درهم مجموع را کوفته با آب
ترب خمیر نموده شب طلا کند و روز را از انجا بشوید و اگر بوده غلیظ بود جزو ذل را
کوفته و سرکه صبوکی را با آب الخیر نموده طلا کند و اگر نتیجه این طلا سوزش
شود بشوید او را و بشیر تازه و کتیرا را طلا کند تا نفع خواهد برد
ان شا الله تعالی و تقدس

اگر تورم با درد بر طرف شود نشر حک کند از زنار را که نه شود و طلا کند مرهم زنگار را و چون
تمام منتفع شود مرهم احمر و مرهم کرده و مانند گوشت تازه و طلا کند مرهم و روغن را استعمال ده
صمغ و بورق و کندش را و اگر حکه و خارش بسیار عارض شود
ابتون را ایره ما ماسند که مفید است

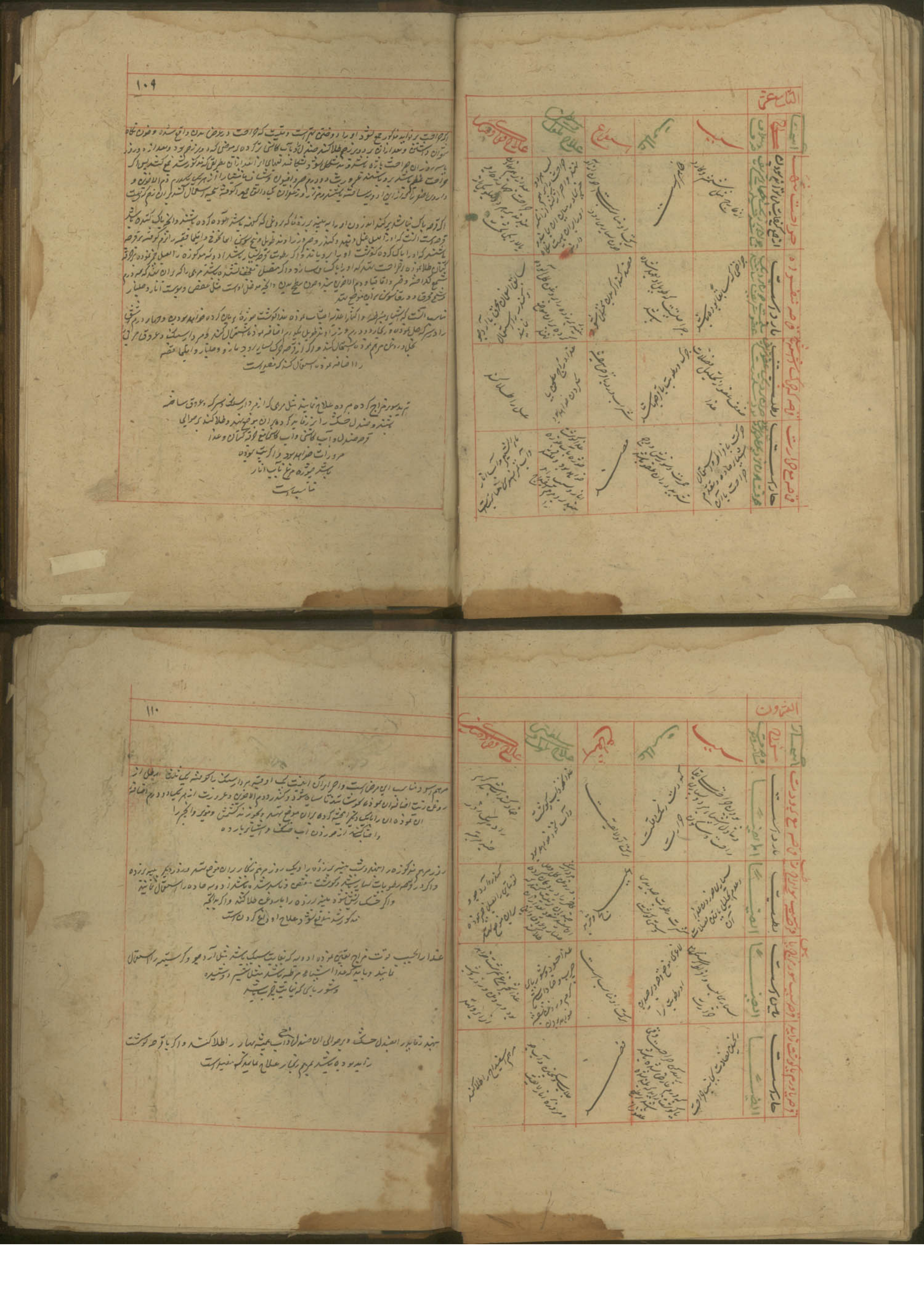
بعد از تنقیه بدن زالو را از ان موضع بنهند تا مکند خون را که سوخته باشد پس عدس پخته و سوخته با سبوس گندم بر ان
موضع بنهند و علاج شقوق و جهه بدین طریق نمایند شمع و روغن بنفشه و کتیرا را کوفته با لعاب
دانه بهی طلا نموده پس از ان بشویند مفید است

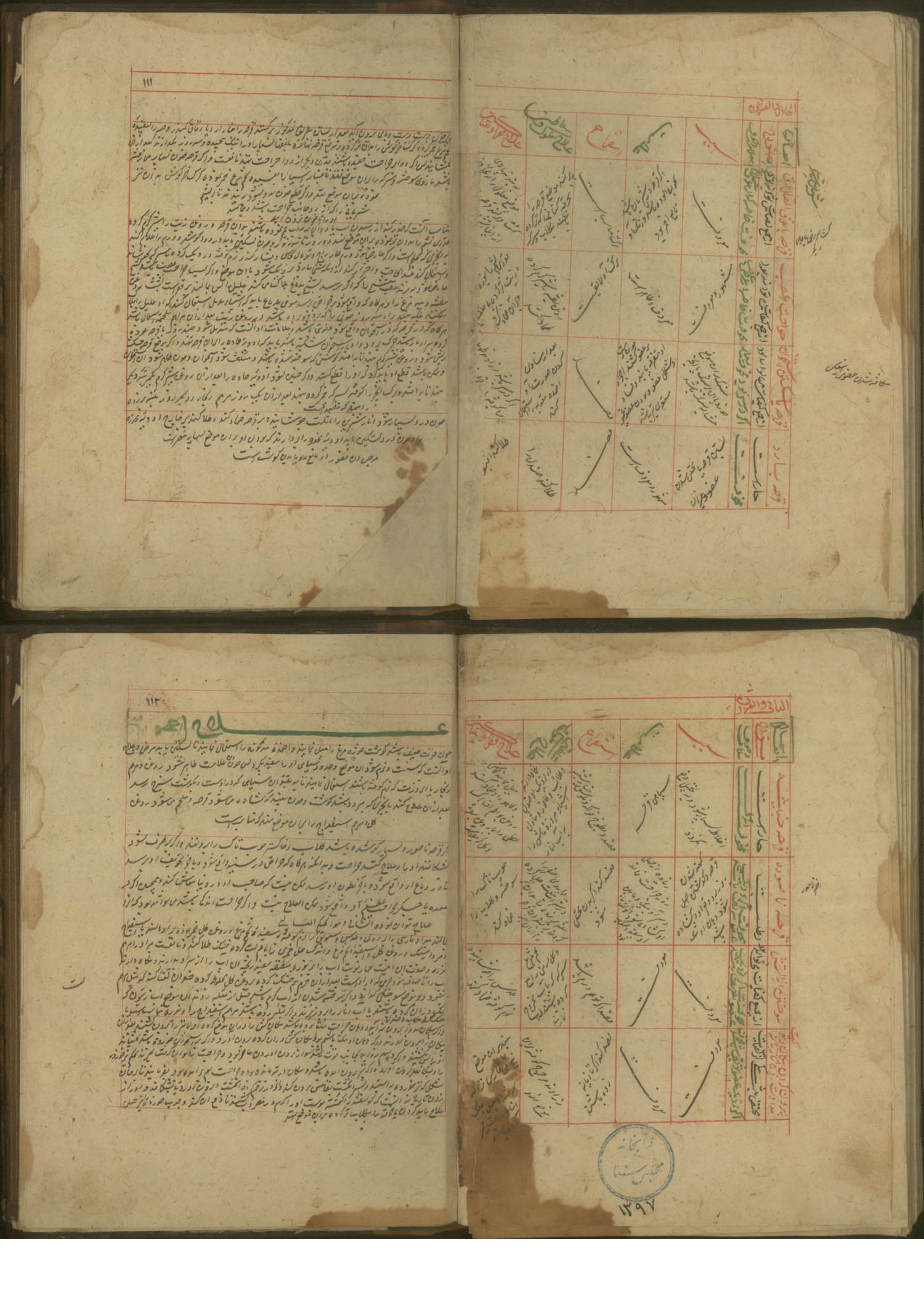
حذر کنند از اشیاء ترش و کواسیج و ماهی و نیکو و الحرف شاید این اغذیه باشد و هر یک از ان موضع طلا کنند که دافع صدوث این
مرض است پس اگر اینک ظاهر شود به بیند نه بدان حرقت که ظاهر شده بار هم آب سیب شیرین برآورد و بیند او را و هم حرکت که از ان
ظاهر شود مخفیه و بیند و تکمیل کنند او را باطرف از ان ظاهر شود که ایشان از معدن است بر چربی و اثبیت شمع ربع رطل و یک
نیم رطل موم و ارسنگ و رماد از هر یک سه درهم نوره یک درهم مجموع را با هم ساخته ضماد کنند
روغن بنفشه را و زر قطونا را مفید است

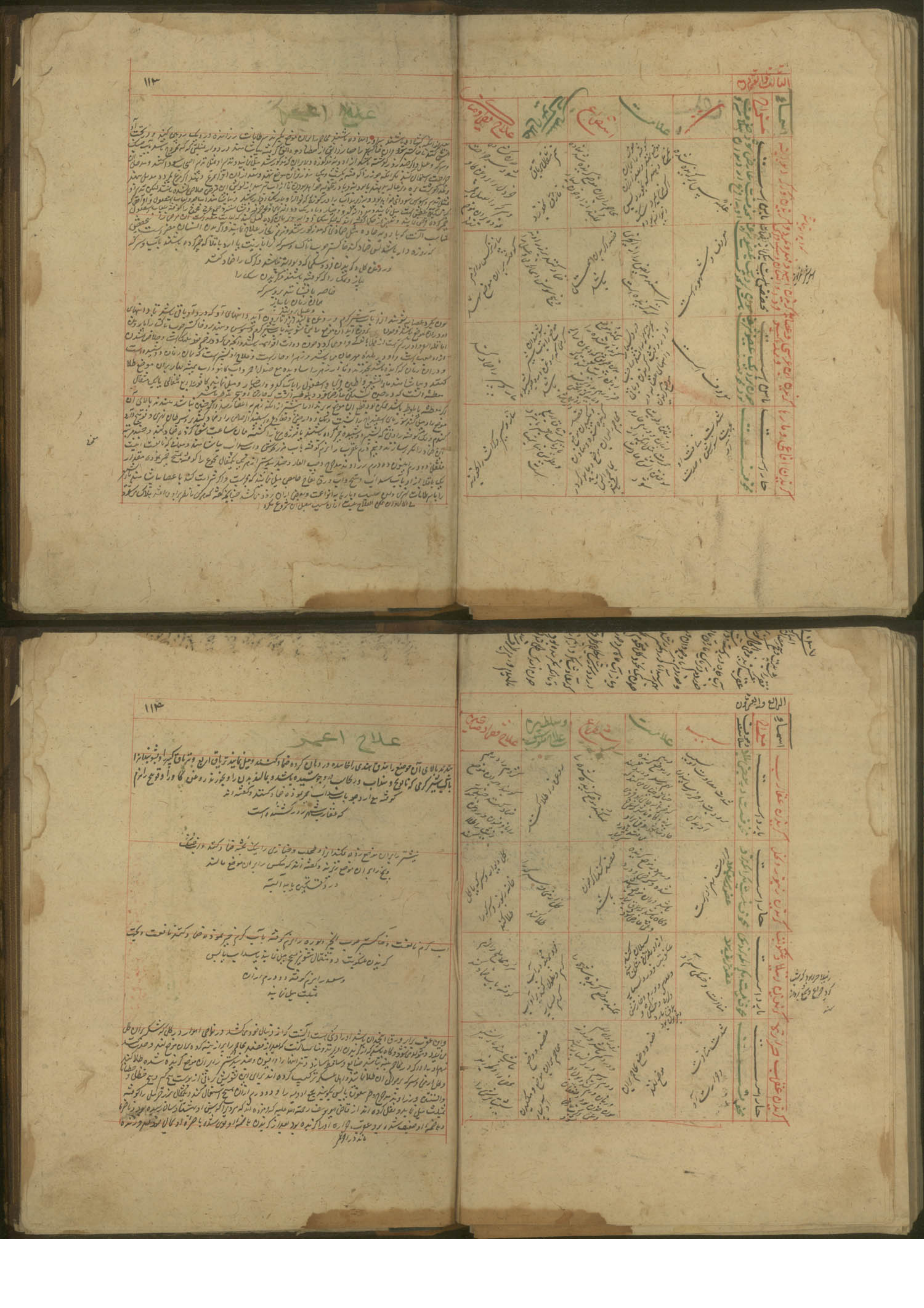
ترطیب مزاج کنند با اغذیه صید و مثل گوشت بزغاله و بره و دجاج و دایما مرهم داخلیون را در روغن بادام و روغن
بنفشه حل نموده استعمال نمایند و موم زرد را نرم کرده بار و روغن چرب کرده مصطکی را در ان حل کرده ضماد کنند
پس اگر ناخن فاسد شود و خواهند که از او برکنند اولا داخلیون را ضماد کنند بعد از ان
ضماد شیر را بار و روغن و موم زرد بتیره زرنیخ اصفر را اضافه از ان
نموده ضماد کنند که نیک است

علاج ناخن شکسته یا پاره

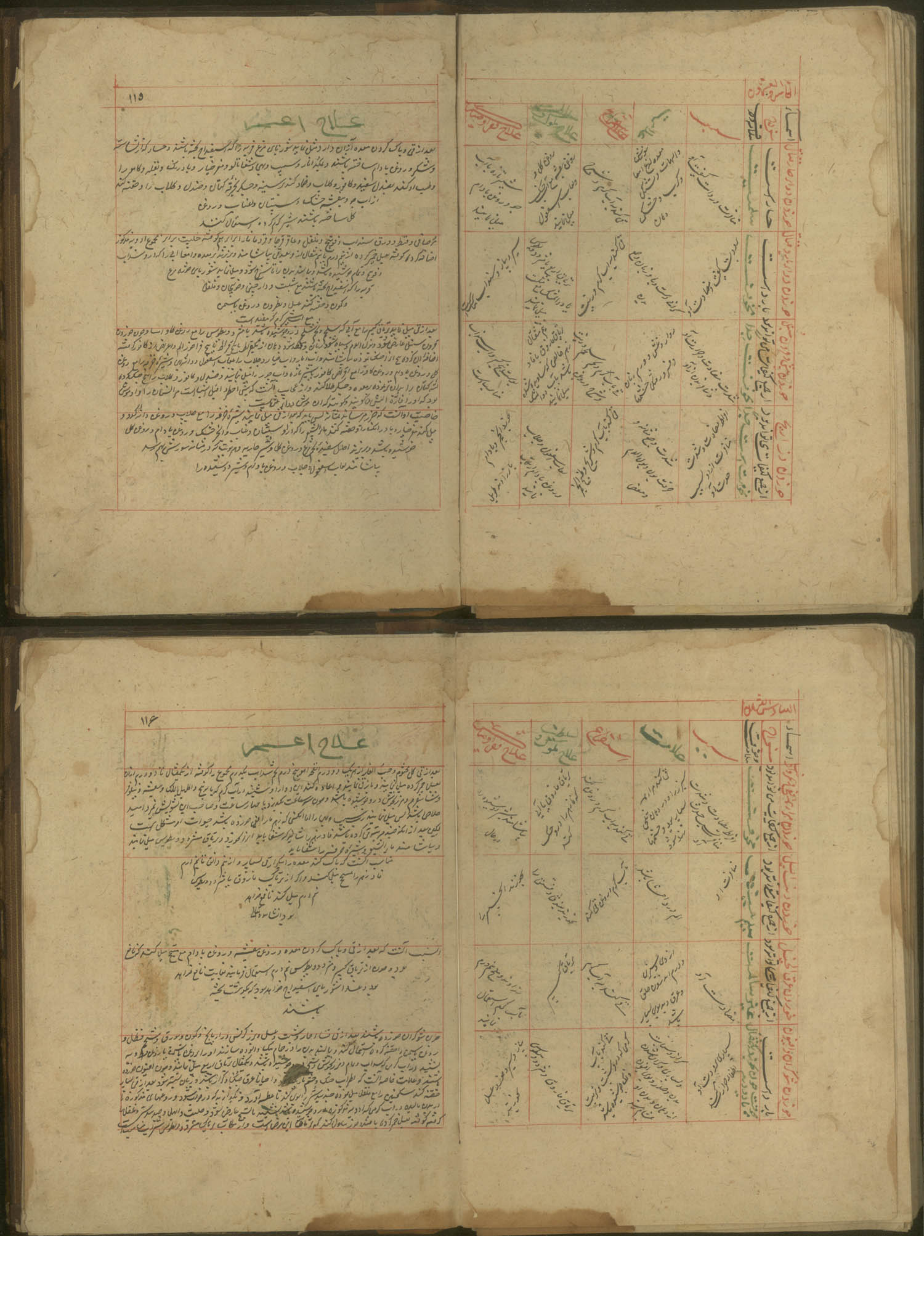
دقیق و زرنیخ از هر یک یکجزو و دو راج ربع مجموع را کوفته سرکه خمیر نموده بر ناخن بنهند و علاج رضا اظفار
که سبب ضربه یا عراض بوده باشد بدین طریق است که دقیق آس با ورق انار نرم
کوفته به آب انار طلا کرده ارد گندم را به سرکه خمیر
نموده ضماد کنند که مفید است

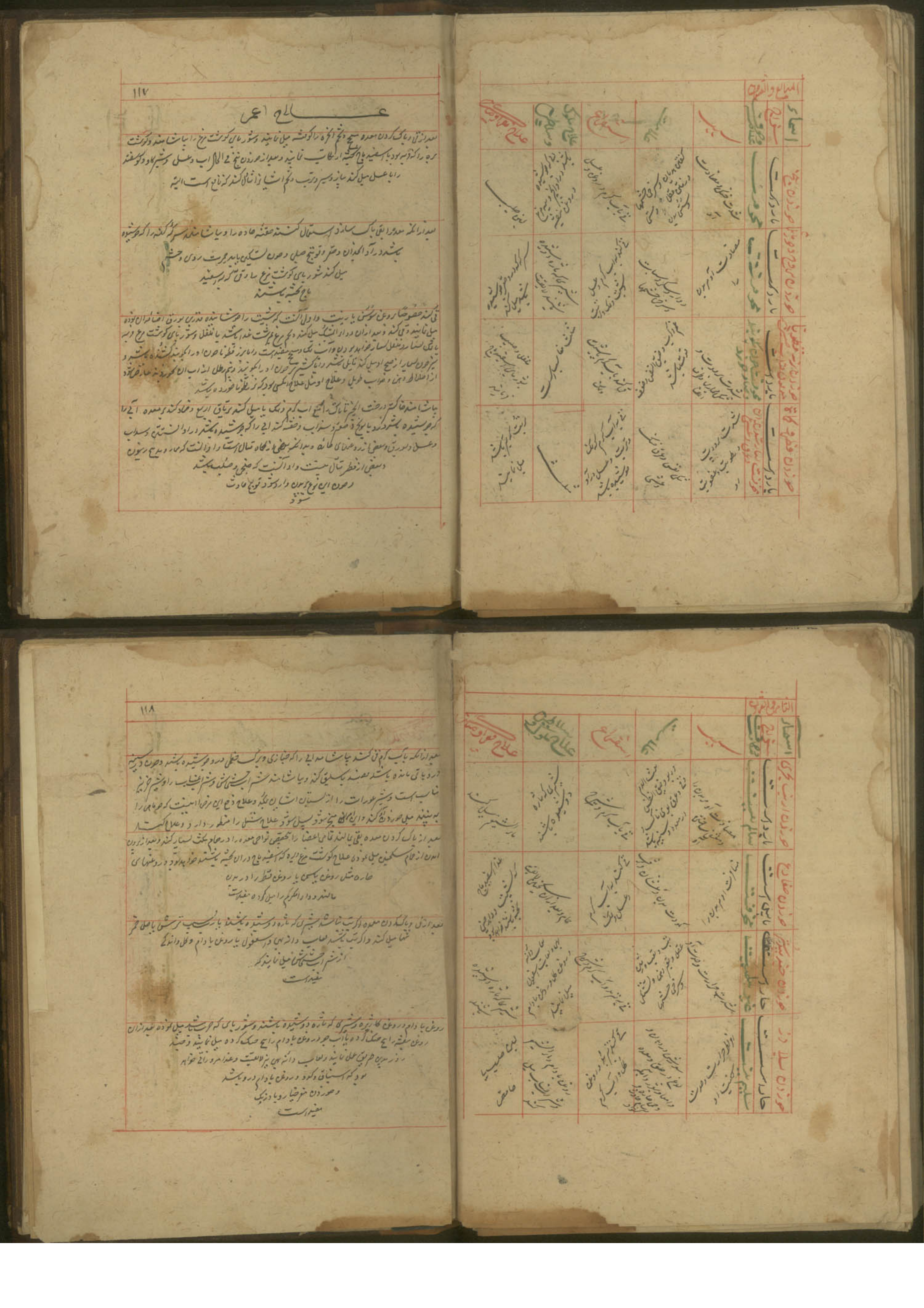

۱۰۹
التاسع عشر
۱۱۰
العشرون



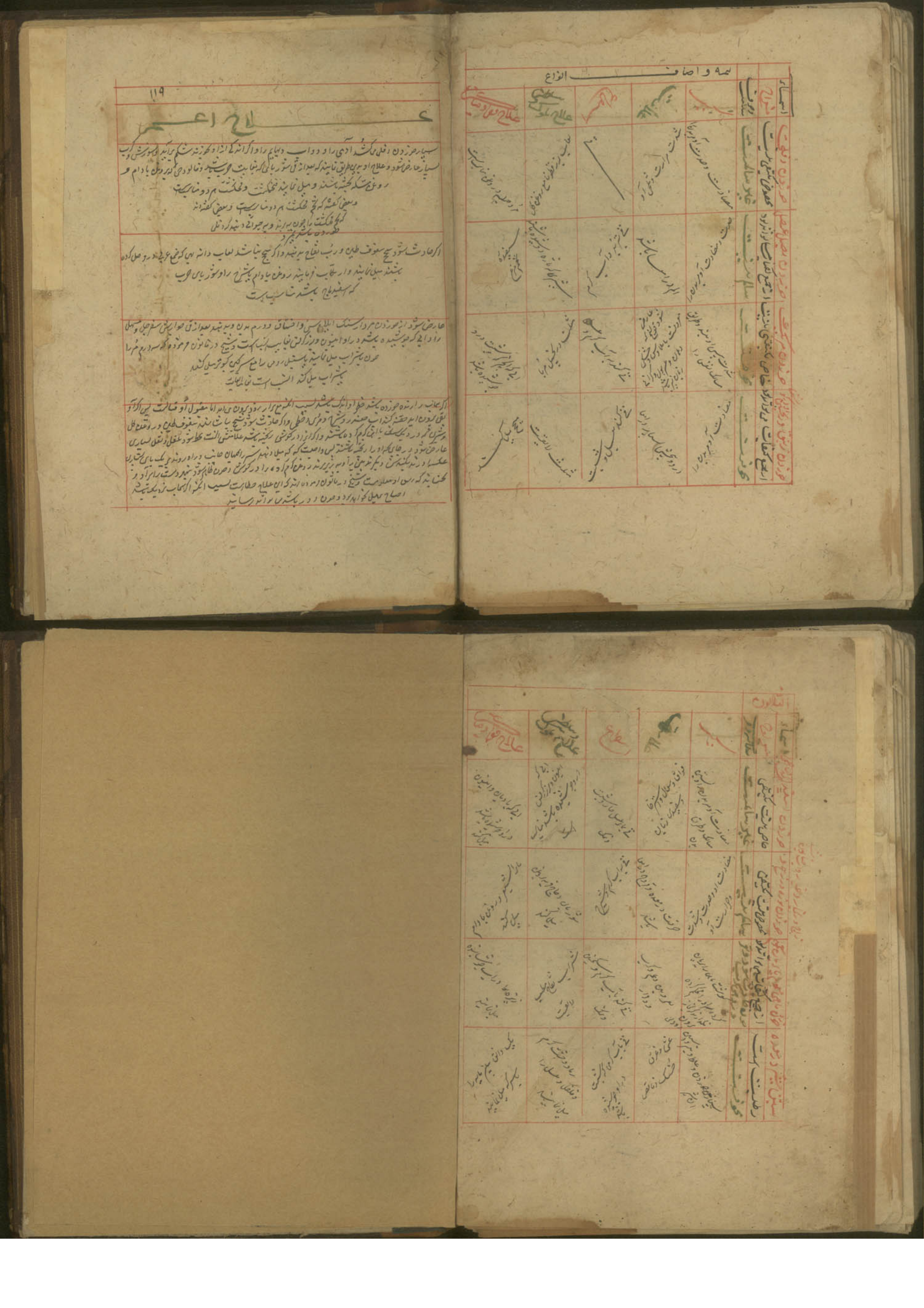


علاج اعمی

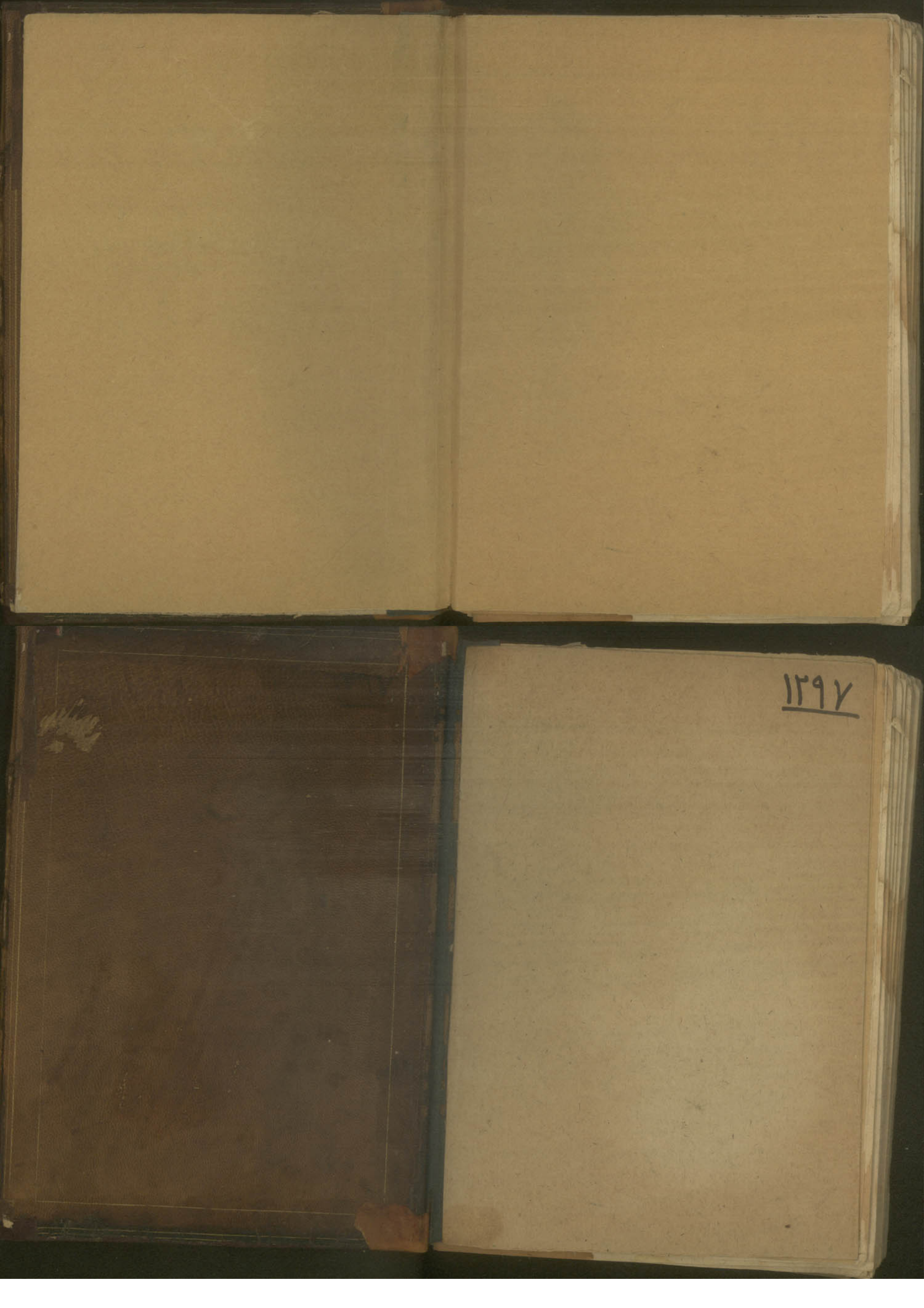




علاج احمر



علاج اعمی


١٢٩٧

